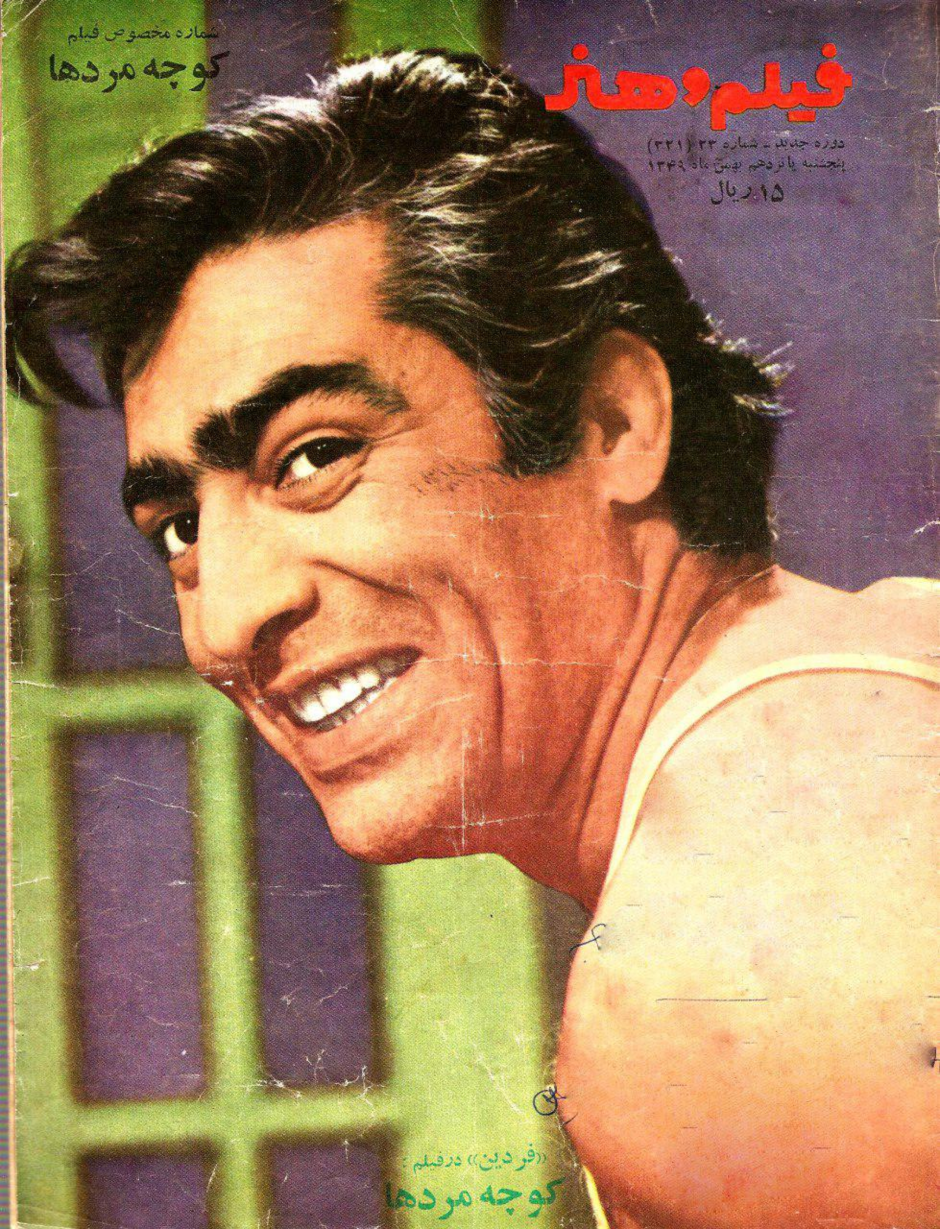
شماره مخصوص فیلم

کوچه مردها

فیلم و هنر

دوره جدید ـ شماره ۳۲ (۳۲۱)
پنجشنبه پانزدهم بهمن ماه ۱۳۴۹
۱۵ ریال



«فردین» در فیلم:

کوچه مردها

«فردین»
مرد،
کوچه‌مردها!

خنده‌اش ، به خنده کودك شیطانی میماند که حقه جالبی زده و مطمئن است که گناه این حقه به گردن خواهر کوچکش‌خواهد افتادواخمش به قهر میماند ، به قهرمان کودك شیطان که حقه‌اش کارگر نیافتاده وحالا چاره وغم راهی تازه میجوید .

به هرحال این پسربچه‌ایست با موهای خاکستری که فرمی خاص دارد واین فرم «فردینی» در همه خصوصیات‌اومصداق دارد،همه‌چیز اوخاص خودش است، ازلبخند وصدایش‌گرفته تاراه رفتنش ..... وبخاطر همین‌خاص بودن است که کارش این‌چنین گرفته است .

«فردین» باخود کیمیائی دارد که نزد هر هنرپیشه که باشد کارش پر دوام است ،کیمیائی کــه اورا محبوب زن،مرد ، پیروجــوان می‌سازد ، همه اورا می‌پسندند و هر یك در وجودش چیزی از قهرمان ایده‌آل خودرا می‌یابند .

«فردین» بهر تیپی که‌ظاهر شود،خصوصیات ویژه خودراواردفیلم می‌سازد وهرنوع قهرمان ازهر طبقه وهر دسته‌ای، ویژگیهای خاص«فردین» را داشته‌اند وتحت تأثیر خصوصیات اوواقع میشوند واینبار بعد ازتیپ‌های متنوع ومتلونی که وی در آثار کمدی، درام، تراژیك،پلیسی،به نقش یك مرد زیر بازارچه ظاهر میشود و اینبار این خصوصیات و ویــژگی‌هـا در شخصیت یك مرد زیر بازارچه نفوذ میکند وتیپ تازه‌ای در آدمهای زیــر بازارچه حلول‌میکند .

مرد ، «کوچه مردها» ، عنوان کاملا برازنده پرسوناژ اصلی و محور اساسی همه ماجراهای یك‌داستان پرشور وعمیق است،این‌مرد«کوچه‌مردها» که «فردین» نقشش را بازی میکند گرفتار دوحادثه مهم در زندگی است ، گرفتار دوستی که‌شیفتگی‌اش به‌نهایت‌سادگی‌اش است دوست‌مرد به‌همان‌شدتی که میخواهد بدو وفادار بماند ،ساده است و گروهی درصدد بهره‌جوئی‌ازاین سادگی وخلق حادثه هستند ومردضمن حفاظت از این سادگـی خـود برای نخستین بارگرفتار عشقی میشودو در شرایطی که همه چیز میرود تـا وضع عادی بخود گیرد مرد، درمی‌یابد دوستش قربانی یك توطئه شده و بعلاوه عاشق دختری است که او به جان‌ودل اورا می‌پرستد ......، واین مهمترین لحظه زنـدگی مرد، « کوچـه مردهـا » است ، مـردی کـه به پهلوانی و جوانمردی‌دربین محل شهرت دارد واو چه‌خواهدکرد ؟

پاسخ این سوال به هنگام دیدار از « کوچه مردها» که با شرکت «فردین ،پوری بنائی، امین امینی و ایرج قادری » به کارگردانی « سعید مطلبی» ، تعیین میشود، سئوالی حساس که پاسخی حساس‌تردارد .

فیلم‌وهنر

دارنده امتیاز و مدیر :
عبدالمجید رمضانی
زیر نظر : **علی مرتضوی**

روی جلد :فردین
پشت :جلد:پوری‌بنائی
تابلو وسط : **ایرج قادری ـ امین امینی**
هنرمندان‌فیلم«کوچه مردها»

در این شماره میخوانید :

مجله اول :

مجله دوم «سینمای نو»

محل اداره : ابتدای روزولت ـ شماره ۲
تلفن ۶۱۱۰۷۱
آدرس پستی : صندوق ۱۹۴۷
چاپ از : شرکت تابان
تلفن: ۳۰۵۱۳۰- ۳۰۳۴۵۶
گراور از : تهران‌گراور
تلفن : ۳۳۹۳۵۵

یادداشت هفته

● هرسال با فرارسیدن ماه بهمن فعالیت چشم‌گیری در سازمان فعاله فیلم وهنر آغازمیگردد . این فعالیت بدو علت انجام میشود ، نخست آنکه مقدمات برگزاری جشنواره‌سپاس را میبایست نویسندگان مجله فراهم آورند و دیگر آنکه باید در تدارك شماره نوروزی باشند.

درطی شش سال اخیر فیلم وهنر پیوسته ثابت‌کرده است سنگین ترین و پر صفحه‌ترین شماره‌های نوروز رادر بین مطبوعات ایران منتشر ساخته ، استقبالیکه از شماره‌های نوروز مجله بعمل میآید آنچنان شدید وغیر قابل تصوراست که ما را وامیدارد که هر سال بهتر از سال گذشته فیلم و هنررا منتشرسازیم وبصفحات‌آن بیافزائیم و برای‌آن درتدارك مطالبی نفیس وجامع وکامل باشیم. بهمین سبب‌است‌که هیچیك ازشماره‌های مخصوص نوروز، مجله درآرشیو ما وجود نداشته وبا وجود گذشتن چندسال بازهم گروهی در جستجوی یافتن آنها هستند .

برای نوروز ۱۳۵۰ فیلم و هنر، چون‌گذشته تدارك کار عظیمی را دیده‌ایم . از ابتدای بهمن ماه یك گروه ۵ نفری بتهیه مقدمات‌کار پرداخته‌اند و نویسندگان مجله درنظر دارند نخبه مطالب را دراین شماره گردآوری نمایند . بدون‌شك ما معتقدیم‌که کارمان دارای‌آن اهمیت و ارزشی هست که ازهم اکنون درباره آن صحبت‌کنیم ومعرف شماره نوروز۱۳۵۰ فیلم وهنرباشیم . دراین‌شماره که حداقل در ۱۶۰ صفحه بامطالبی نووکاملا استثنائی‌منتشرمیگردد ، تعدادی نیز تابلوهای رنگی اختصاصی تدارك‌دیده‌ایم وکوشش میکنیم‌که نشریه‌ای درخور اهمیت چون گذشته منتشر سازیم.

هدف ما بیشتر آن است که شماره نوروز امسال ما نیز چون سالهای‌گذشته بتواند مقبول هزاران‌هزار نفرخواننده‌ای باشد که ازیکماه قبل‌ازما درموردآن سئوالاتی نموده بودند. البته درموردانتشارشماره نوروزماجویای‌همکاری‌خوانندگانمان هستیم و معتقدیم که امکاندارد ایده‌های تازه وبکری‌دوستان ما در نظر دارند که میتواند برایمان مفیدواقع شود .

در مورد مطالب شماره‌نوروز خود بازهم‌گفتگوخواهیم داشت. فقط ذکر یك‌نکته لازم است وآن این‌که درصورتی‌که علاقه‌ای بمجله خود دارید بمحض خواندن این مطلب ، طی نامه‌ای نظریات خود را درمورد شماره مخصوص و مطالب جالبی که بنظرتان میآید برای ما بنویسید تاشماره مخصوص نوروز ۱۳۵۰ را بنابرخواست شما تهیه ومنتشر سازیم.

شورای نویسندگان‌فیلم وهنر

رویدادها

حاجی ظهوری ...

■ در هفته‌گذشته در همین صفحه خبر سفر «صادق بهرامی» جهت‌زیارت خانه‌خدا درج کردیم ومجله هنوز منتشر نشده بود که مااطلاع پیدا نمودیم که«ظهوری» نیز یکی دیگر از زائران خانه خدا بوده است .

یکی ازآرزوهای«ظهوری» زیارت خانـه خدا بود و این را بدفعات‌درگفتگوهایش اشاره‌داده بود، بعد از بازگشت « ظهوری» از «مکه» جز شرکت در جلسات هنرمندان‌قدیمی بعیدبنظرمیرسد که وی درمجامع و محافل هنری دیگری ظاهر شود .

«قلاب»و«مردی‌درآئینه»

■ «رضا بیك ایمانوردی» که اخیراً به فعالیتهایش توسعه داده، اخیراً استودیوئی بوجود آورده با نام « R.B » و در آن مقدمات تهیه دو فیلـم جدید را فراهم‌آورده‌است با نامهای«قلاب» و «مردی درآئینه» .

در «قلاب» بجز «رضا بیك ایمانوردی»(مرجان،شیراندامی، حسین‌پور،اردشیر پهلوان، نادیا» شرکت دارند.



● یك تصویر از مراسم ازدواج « ساموئل خاچیکیان » با « رزالینا » در کلیسای ارامنه پدر « ساموئل» و«آرمان » در تصویر دیده میشوند .



مطالبی درباره‌ی:

سومین جشنواره سپاس

اقدام شایسته ومناسب هیئت اجرائی سومین‌جشنواره سپاس در مورد تعیین یك کمیته انتخاب و بررسی همه جانبه و دقیق درفیلمهای نمایش‌داده‌شده، جهت برگزیدن‌کاندیداهای بهترین های‌سال ۱۳۴۹ درهمه محافل ومجامع هنری مورد بحث و گفتگو بود وازاینکه‌چنین راه‌حل مناسبی بـرای اینـکه حقـوق حقه برخی از دست اندرکاران فیلمسازی در زمینه‌های مختلف ازکف نرود ، مورد تحسین.

در دوره گذشته که‌تنها دوازده فیلم برای‌هیئت ژوری برگزیده شده بود، گرچه به جهات و به دلیل خصیصه‌هائی فردی و انتزاعی‌کار بالفرض کارگردان، فیلمبردار ویا بازیگر ویا زمینه‌های‌دیگرانتخاب گردیده بود ولی عنوان‌نشد ودرنتیجه ایرادهائی‌وارد شدکه بالفرض چرا فلان فیلم انتخاب شده وفیلم‌بهمان‌که از نظرکلی‌با ارزش‌تر از فیلم اول‌مینموده دربین‌کاندیداها نیست .

ایراد حساس واساسی‌بود ودرنتیجه هیئت اجرائی سومین جشنواره سپاس درکنارحل‌معضلها و رفع ایرادات دوره‌گذشته،ابتدا این‌مهم‌را پیش‌کشیدو بلافاصله نیزتائیدنمودو همانطوریکه شاهدبودید درشماره‌گذشته ازبین‌چهل‌وهشت فیلم نمایش داده ـ هفده فیلم کاندید شدکه درنزد برخی‌ازآنها تنها یك رشته ویا معدود رشته‌هائی‌کاندید شدند وفیلمهای‌بعدی‌که‌دراین‌لیست وارد شود، همین‌روال درموردشان تعقیب خواهدشد وبدینصورت‌اعضای ژوری فرصت‌بیشترودیددقیقتری دربررسی‌کاندیداهای اعلام شده خواهند داشت.

گذشته‌ازکیفیت‌این‌کار که‌مسلمادرامر تعیین برندگان‌واقعی‌سپاس بی‌تاثیرنخواهدبود،وضعیت‌انتخاب نیزمورد تائید اکثریت هنرمندان سینمای ایران ، صاحبنظران وخوانندگان مجله بود وحتی یك مورد اعتراض نیز پیش نیامد و این بدون شك نشانه بی‌نظری و دقت دید اعضای کمیته‌انتخاب است‌که درهمین زمینه درشماره های‌آتی باآنها گفتگوخواهد شد.

بنا به پیشنهاد چندتن از فیلمسازان وهم چنین خوانندگان مجله طی مکاتبه، تذکرات تلفنی‌و عنوان‌کردن بصورت شفـاهی، برگزار‐کنندگان«سومین جشنواره‌سپاس» جلسه‌ای ترتیب‌داده‌ودستور جلسه، پیشنهاد این‌گروه‌که مبنی‌برافزودن‌مواد ورشته‌های دیگر فیلمسازی، برای دریافت جایزه در ردیف کاندیداها بود .

جلسه مذاکره برگزارکنندگان که متشکل از یك عضو از هیئت اجرائی ، یك عضو از کمیتـه انتخاب و یك عضو از ژوری دومین جشنواره سپاس (سال ۱۳۴۸) و دبیر عامل جشنواره سپاس بیش‌از چهار ساعت بطول انجامید وطی این جلسه تصمیم‌گرفته شد که‌اولا در مواد انتخابی سومین جشنواره‌سپاس،ماده‌تازه‌ای‌افزوده نشود (ماده‌پیشنهادی «تیتراژ فیلم» ،سناریوی اریژینال ، نورپردازی بود) که درمورد «تیتراژ فیلم »دلیل‌شرکت‌کنندگان جـلسه فـقدان فیلم هائـی بوده که در آن تیتراژ تدوین شده باشد، دربین چهل‌ونه فیلم نمایش داده‌شده تنها فیلمهای «آقای هالو»و«دزدوپاسبان» تیتراژ تدوین شده مخصوص خود داشتند ، و دلائل اعضاء بـرای رد چیزی باسم «سناریوی اریژینال» (تقریباً در هیچیك از فیلم های ما وجود ندارد)و«نورپردازی»نیز معمولا وسیله فیلمبرداران صورت میگیردو متخصص وفرد معینی در این رشته وجود ندارد.

وبدین ترتیب درسومین‌دوره جشنواره سپاس جوائز به‌ترتیب ذیل به برندگان اهداء خواهدشد.(بهترین‌فیلم ـ بهترین‌کارگردانی بهترین فیلمبرداری‌رنگی ـ بهترین فیلمبرداری سیاه‌وسفید‌ـ‌بهترین بازیگر نقش اول‌مرد ـ بهترین بازیگرنقش اول‌زن‌ـ بهترین‌بازیگر نقش دوم‌مرد‌ـ بهترین بازیگر نقش دوم‌زن‌ـ‌بهترین‌سناریو‌ـ‌بهترین موزیك متن ساخته‌شده برای فیلم) .

در حال حاضر گروه تعیین‌شده ازبین‌هیئت‌اجرائی، کمیته انتخاب، یك عضواز هیئت داوران دومین جشنواره سپاس‌ودبیرعامل‌جشنواره، مشغول تعیین وانتخاب هیئت ژوری سومین جشنواره سپاس میباشند که قرار است نظیر سال‌گذشته هفت‌تن واز بین نویسندگان، استادان دانشگاه، آهنگساز، فیلمساز، منتقد، نقاش‌انتخاب‌شوند (اعضاءژوری دومین جشنواره سپاس اینها بودند: دکتر محمد جعفر محجوب‌ـ‌عباس پهلوان ـ دکتر هرمز فرهت‌ـ بهرام ری‌پور‌ـ محمد علی جعفری ـ دریابیگی واسماعیل نوری‌علاء).

کم‌وبیش ترکیب ژوری سومین جشنواره سپاس تعیین شده است وباعرض معذرت ازحضورخوانندگان، مادامیکه نمایش‌فیلمهای کاندید برای‌اعضای‌ژوری‌آغاز نشده‌است، ازذکراسامی این‌هیئت‌معذور هستیم، قطع مسلم اینکه از اعضای ژوری سال گذشته سپاس در این دوره تقریباً کسی حضورنخواهد داشت، چه بیشتراعضای‌آن خودچون به کار فیلم روی آورده ودر زمینه‌های مختلفش فعالیت می‌کنندخود در زمینه های مختلف فیلمسازی (کارگردانی، سناریو ،آهنگ متن) مدعی دریافت سپاس می‌باشند .

مـذاکـره بـین اعضای معین شده، بـرای تعیین تـرکیبی بی نظر ، آگاه و وارد نـظیر ژوری سال گذشته همچنان ادامه دارد .

فیلم و هنر

دارنده امتیاز و مدیر :
عبدالمجید رمضانی
زیر نظر : علی مرتضوی

روی جلد : فردین
پشت جلد : پوری بنائی
تابلو وسط : ایرج قادری ـ امین امینی
هنرمندان فیلم «کوچه مردها»

در این شماره میخوانید :

مجله اول :

مجله دوم «سینمای نو»

محل اداره : ابتدای روزولت ـ شماره ۲
تلفن ۶۱۱۰۷۱
آدرس پستی : صندوق ۱۹۴۷
چاپ از : شرکت تابان
تلفن: ۳۰۵۱۳۰ ـ ۳۰۳۴۵۶
گراور از : تهران گراور
تلفن : ۳۳۹۲۵۵

«فردین» مرد، کوچه مردها!

خنده‌اش ، به خنده کودك شیطانی میماند که حقه جالبی زده و مطمئن است که گناه این حقه به گردن خواهر کوچکش خواهد افتادواخمش به قهر میماند ، به قهرهمان کودك شیطان که حقه‌اش کارگر نیافتاده وحالا چاره وغم راهی تازه میجوید .

به هرحال این پسربچه‌ایست با موهای خاکستری که فرمی خاص دارد واین فرم «فردینی» در همه خصوصیات اومصداق دارد،همه‌چیز اوخاص خودش است، ازلبخند وصدایش گرفته تاراه رفتنش ..... وبخاطر همین خاص بودن است که کارش این‌چنین گرفته است .

«فردین» باخود کیمیائی دارد که نزد هر هنرپیشه که باشد کارش پر دوام است ،کیمیائی کـه اورا محبوب زن،مرد ، پیروجـوان می‌سازد ، همه اورا می‌پسندند و هر یك در وجودش چیزی از قهرمان ایده‌آل خودرا می‌یابند .

«فردین» به‌هر تیپی که‌ظاهر شود،خصوصیات ویژه خودراواردفیلم می‌سازد وهرنوع قهرمان ازهر طبقه وهر دسته‌ای، ویژگیهای خاص«فردین» را داشته‌اند وتحت تأثیر خصوصیات اوواقع میشوند واینبار بعد ازتیپ‌های متنوع ومتلونی که وی در آثار کمدی، درام، تراژیك،پلیسی-به نقش یك مرد زیر بازارچه ظاهر میشود و اینبار این خصوصیات و ویـژگی‌هـا در شخصیت یك مرد زیر بازارچه نفوذ میکند وتیپ تازه‌ای در آدمهای زیـر بازارچه حلول‌میکند .

مرد ، «کوچه مردها» ، عنوان کاملا برازنده پرسوناژ اصلی و محور اساسی همه ماجراهای یك‌داستان پرشور وعمیق است،این‌مرد«کوچه‌مردها» که «فردین» نقشش را بازی میکند گرفتار دوحادثه مهم در زندگی است ، گرفتار دوستی که‌شیفتگی‌اش به‌نهایت‌سادگی‌اش است دوست‌مرد به‌همان‌شدتی که میخواهد بدو وفادار بماند ،ساده است و گروهی درصدد بهره‌جوئی‌ازاین سادگی وخلق حادثه هستند ومردضمن حفاظت از این سادگـی خـود برای نخستین بارگرفتار عشقی میشودو در شرایطی که همه چیز میرود تـا وضع عادی بخود گیرد مرد، درمی‌یابد دوستش قربانی یك توطئه شده و بعلاوه عاشق دختری است که او به جان‌ودل اورا می‌پرستد ...... واین مهمترین لحظه زنـدگی مرد، « کوچـه مردهـا » است ، مـردی کـه به پهلوانی و جوانمردی‌دربین محل شهرت دارد واو چه‌خواهدکرد ؟

پاسخ این سوال به هنگام دیدار از « کوچه مردها» که با شرکت «فردین ،پوری بنائی، امین امینی و ایرج قادری » به کارگردانی « سعید مطلبی» ، تعیین میشود، سئوالی حساس که پاسخی حساس‌تردارد .

یادداشت هفته

● هرسال با فرارسیدن ماه بهمن فعالیت چشم‌گیری در سازمان فعاله فیلم وهنر آغازمیگردد . این فعالیت بدو علت انجام می‌شود ، نخست آنکه مقدمات برگزاری جشنواره‌سپاس را میبایست نویسندگان مجله فراهم آورند و دیگر آنکه باید در تدارك شماره نوروزی باشند.

درطی شش سال اخیر فیلم وهنر پیوسته ثابت‌کرده است سنگین ترین و پر صفحه‌ترین شماره‌های نوروز رادر بین مطبوعات ایران منتشر ساخته ، استقبالیکه از شماره‌های نوروز مجله بعمل میآید آنچنان شدید وغیر قابل تصوراست که ما را وامیدارد که هر سال بهتر از سال گذشته فیلم و هنررا منتشرسازیم وبصفحات‌آن بیافزائیم وبرای‌آن درتدارك مطالبی نفیس وجامع وکامل باشیم. بهمین سبب‌است‌که هیچیك ازشماره‌های مخصوص‌نوروز، مجله درآرشیو ما وجود نداشته وبا وجود گذشتن چندسال بازهم گروهی در جستجوی یافتن آنها هستند .

برای نوروز ۱۳۵۰ فیلم و هنر، چون‌گذشته تدارك کار عظیمی را دیده‌ایم . از ابتدای بهمن ماه یك گروه ۵ نفری بتهیه مقدمات‌کار پرداخته‌اند ونویسندگان مجله درنظر دارند نخبه مطالب را دراین شماره گردآوری نمایند . بدون‌شك ما معتقدیم‌که کارمان دارای‌آن اهمیت و ارزشی هست که ازهم اکنون درباره آن صحبت‌کنیم ومعرف شماره نوروز۱۳۵۰ فیلم وهنرباشیم . دراین‌شماره که حداقل در ۱۶۰ صفحه بامطالبی نووکاملا استثنائی‌منتشرمیگردد ، تعدادی نیز تابلوهای رنگی اختصاصی تدارك‌دیده‌ایم وکوشش میکنیم‌که نشریه‌ای درخور اهمیت چون گذشته منتشر سازیم.

هدف ما بیشتر آن است که شماره نوروز امسال ما نیز چون سالهای‌گذشته بتواند مقبول هزاران‌هزارنفرخواننده‌ای باشد که ازیکماه قبل‌ازما درموردآن سئوالاتی نموده بودند. البته درموردانتشارشماره‌نوروزماجویای‌همکاری‌خوانندگانمان هستیم و معتقدیم که امکان‌دارد ایده‌های تازه وبکری‌دوستان ما در نظر دارند که میتواند برایمان مفید واقع شود .

در مورد مطالب شماره‌نوروز خود بازهم‌گفتگوخواهیم داشت. فقط ذکر یك‌نکته لازم است وآن این‌که درصورتی‌که علاقه‌ای بمجله خود دارید بمحض خواندن این مطلب ، طی نامه‌ای نظریات خود را درمورد شماره مخصوص و مطالب جالبی که بنظرتان میآید برای ما بنویسید تاشماره مخصوص نوروز ۱۳۵۰ را بنابرخواست شما تهیه ومنتشر سازیم.

شورای نویسندگان‌فیلم وهنر

رویدادها

حاجی ظهوری ...

■ در هفته گذشته در همین صفحه خبر سفر «صادق بهرامی» جهت‌زیارت خانه‌خدا درج کردیم ومجله هنوز منتشر نشده بود که مااطلاع پیدا نمودیم که«ظهوری» نیز یکی دیگر از زائران خانه خدا بوده است .

یکی ازآرزوهای«ظهوری» زیارت خانـه خدا بود و این را بدفعات‌درگفتگوهایش اشاره‌داده بود، بعد از بازگشت « ظهوری» از «مکه» جز شرکت در جلسات هنرمندان‌قدیمی بعیدبنظرمیرسد که وی درمجامع و محافل هنری دیگری ظاهر شود .

«قلاب»و«مردی‌در آئینه»

■ «رضا بیك ایمانوردی» که اخیراً به فعالیتهایش توسعه داده، اخیراً استودیوئی بوجود آورده با نام « R.B » و در آن مقدمات تهیه دو فیلـم جدید را فراهم‌آورده‌است با نامهای«قلاب» و «مردی در آئینه» .

در «قلاب» بجز «رضا بیك ایمانوردی»(مرجان،شیراندامی، حسین‌پور،اردشیر پهلوان،نادیا» شرکت دارند.



● یك تصویر از مراسم ازدواج « ساموئل خاچیکیان » با « رزالینا » در کلیسای ارامنه پدر « ساموئل» و«آرمان » در تصویر دیده میشوند .

«اسفندیار منفردزاده» از «مرتضی حنانه» شکایت کرد.

■ بطوریکه اطلاع پیدا کردیم مصاحبه هفته گذشته «مرتضی حنانه» با «فیلم‌وهنر» و عنوان این مسئله که‌موزیك متن «قیصر» ازآن یك فیلم توقیف شده فرانسوی و «میکسیس تئودوراکیس» است باعث شد کـه «منفردزاده» از « مرتضی حنانه » به عنوان اینکه به او تهمت زده است به دادگستری شکایت کند.

هم اکنون این شکایت مورد بـررسی مراجع قضائی است.

در « مردی در آئینه » نیز این هنرمندان بازیگر نقش‌های اصلی فیلـم هستند : « رضا بیك ایمانوردی، لی‌لی ، مری‌آپیك ، حسین‌پور، ملاقاسمی و آرمان».

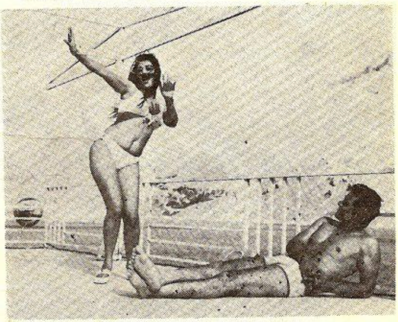
فیلمهای «قلاب» و « مردی درآئینه»را «ساموئل‌خاچیکیان» کارگردانـی و « کمال مطیعی » فیلمبرداری خواهدکرد.

مسخره ها

■ « نصرت الله وحدت » که هم اکنون دو فیلـم « نوبر اصفهان» و «زندگی وارونه» را آماده نمایش و فیلـم « شوهـر پاستوریزه » در مـراحل فنی (دوبلاژ) دردست تهیه دارد ، از هفته آینده فیلمبرداری فیلـم جدیدی را دراستودیو نقش‌جهان آغازخواهدکرد بانام«مسخره‌ها» که درآن علاوه بر«وحدت»قرار است «ارحام صدر ، علی تابش ، پوری بنائی» شرکت‌داشته‌باشند.

فیلم «مسخره‌ها»را«وحدت» کارگردانی و « عزیز رفیعـی » فیلمبرداری خواهدکرد.

● «جمیله» و «پیمان» در صحنه‌ای از فیلم «دختر ظالم بلا»



● «رضا بیك‌ایمانوردی» و «مرجان» در صحنه‌ای از فیلم «قلاب»



بهروز حاضر نشد باپوری همبازی شود!

■ همان‌طورکه شماره قبل خبری داشتیم‌درمـورد همـکاری مجدد پوری بنائی وبهروزوثوقی بطوریکه اطلاع یـافتیم بـهروز وثوقی برای این‌همکاری رضایت نـداده است ودر این مـورد بـه «مقدم» اظهار داشته‌که «من هیچ گونه مخالفتی با پـوری بنائـی ندارم ولی فعلا بعـد ازآن همـه جنجال فعلا صلاح نیست که باین زودی بایکدیگر همکاری‌نمائیم» همان‌طوریکه اطلاع داریـد بـر خلاف‌نظر«بهروز» (پوری‌بنائی) برای این همکاری رضـایت داده بود.

بهر جهت کار فیلمبـرداری «تله» با مراجعت بهروز وثـوقی ازسفر شیراز با شرکت او،نوری کسرائی و داود رشیـدی شروع خواهدشد. برای فیلمبرداری تله اکیپی بنواحی‌جنوب سفرخواهند کرد.

سینماهای نیاگارا و رویال درگروه فیلم‌های‌ایرانی؟

■ این‌هفته زمزمه‌هائی در محافل سینمائی بود دراین مورد کـه‌گـویا بعد از نـمایش فیلـم «عروس بیانکا» قرار است‌سینـما های «نیاگارا »و «رویـال» بـا گروه سینماهای سهیلا، شهونـد، سیلورسیتی برای نمایش فیلمهای ایرانی همکاری نمایند تا بـدین ترتیب گروه وضـع استوار تری بخود بگیرد ودر صورتیـکه این امر واقعیت داشته‌باشد«نیاگارا» و«رویال» ابتدا فیلم«سه قاپ» و سپس « شب اعدام »را نمـایش خواهند داد.

لطفاً ورق بزنید

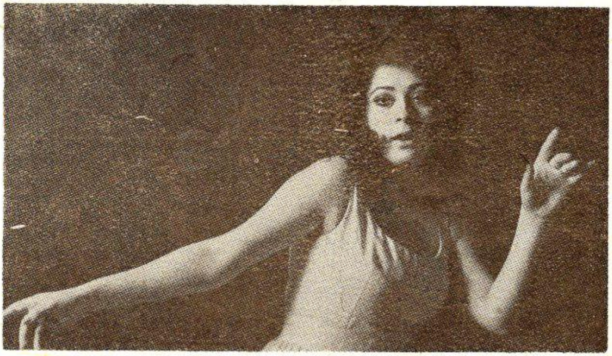
جنجال عید نوروز!

■ پس‌از چندسال کـه ایام نوروز باماه محرم وروز های سوگواری مصادف میشد امسال ایام سوگواری قبل از آغاز سال ۱۳۵۰ خواهدبود و نوروز فرصت خوبی برای نمایش فیلمهای ایرانی است بـهمین‌سبب نیز فیلمسازان ایرانی باوجود محدود بودن گروه‌های نمایش دهنده سخت در تلاش هستند تا بعضی از محصولات خویش را بـروی اکران بفرستند.

بجز سازمان سینمائـی چهل ستون کـه فیلم « **یك خوشگل و هـزار مشکل** » و سازمان سینمائی ژورك که فیلـم «**ایوب**» را از آغـاز شروع کاندید نمایش‌درنوروز امسال کـرده‌انـد ، شش فیلم دیگرنیزتوسط‌سایرفیلمسازان برای نـوروز دارد آمـاده میگردد.

این فیلمها عبارتند از **ماه پیشونی** « محصول پارس فیلم» **شوهـر پـاستوریزه** «محصول نقش جهان»**درختها ایستاده میمیرند** « محصـول میثاقیه» **خوشگلترین‌زن‌عالم** «محصول فردوسی‌فیلم»**همای سعادت** «محصول آریانا فیلم و **قالیچه حضرت سلیمان** «محصول‌سازمان سینمائی‌پیام» حالا معلـوم نیست سرنـوشت تعطیلات نوروز بکجا خواهد انجامید.

دینامیك وسون بویز



● « دینامیك » چهره تازه‌ای است در میان خوانندگان ایرانی که اولین‌بار بروی صحنه کاباره مولن‌روژ فعالیت هنری خود راآغاز نموده . وی با تیپ کاملا تازه‌ای‌که دارد ، درعرض این مدت بخوبی برای خویش طرفدارانی بدست‌آورده واکثرا باجرای‌آهنگهای روز وجازمی‌پردازد. « دینامیك » درحال‌حاضر بایك‌گروه ۷ نفری که ارکستر او را تشکیل میدهند و « سون بویز » نامدارد باجرای برنامه می‌پردازد . نکته جالب‌آنکه اکثر نوازندگان ارکستروی را اعضاء ارکستر گوگوش تشکیل میدهند .

تاخیر درشروع

■ اکیپ سازندگـان فیلم «بابا شمل» محصون تازه «سیرا فیلم» که‌قرار بـود از این هفتـه برای شروع فیلم نـامبرده راهی «یزد» شوند به جهت فوت مـادر «علی‌حاتمی» نویسنده‌و کارگردان فیلم تهیه‌آن‌را برای‌مدتی‌بتعویق انداختند.

بهمین جـهت «ناصـر ملك مطیعی» که قرار بود برای بازی دراین فیلم بمسافرت برود برای بازی درفیلم‌تازه‌ای‌قراردادمنعقد نموده است.

جمیله یك دختر ظالم‌بلا

■ جمیله بتدریج ازکسوت رقص‌درفیلمها خارج شده وبصورت یك ستاره درمی‌آید . وی بعداز مـوفقیت خاصی کـه در رقص در فیلمهای‌ایرانی بدست‌آورد، ببازی درفیلم پرداخت ودنیای‌آبی اثر صابررهبر استعداد بازیگری او را نمایان ساخت، ازآن پس وی طبق قراردادی ببازی درفیلمهای فـردوسی فیلم پـرداخت ونقش نخست‌کلیه‌آنها را ایفا نمودکـه دخترظالم بلا ازجمله‌آنها است

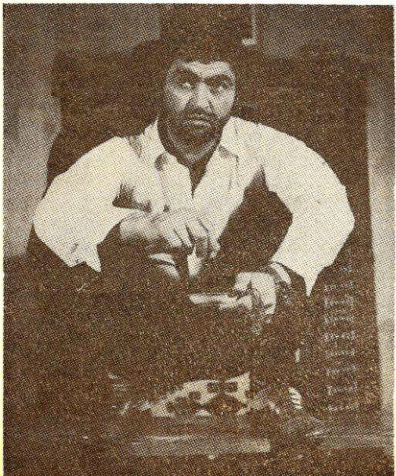
جمیله دراین فیلم علاوه بر چند رقص متنوع بـار دیگر استعداد خود را درایفـای نقش نخست فیلم نشان داده است.نکته جالب درباره این‌فیلم‌آنکه‌محمد کریم ارباب تـهیه کننده فیلم بخاطربازی ماهرانه مـاروتیان یکی از هنرمندان فیلم۵۰۰۰۰ ریال بوی هدیه نموده‌است .

فاضلی یك لوطی دیگر

■ «رضا فاضلی» که بایداو را هنرپیشه بین‌المللی‌ایران‌نامید وگاهی در ایتـالیا ، گـاهی در پاکستان ،گاهی درترکیه وگاهی در ایران بشرکـت در فیلمهـا می‌پردازد ، پس از اتمام کـلیه مراحل‌آخرین‌فیلمش که‌درپاکستان ساخته بود، اینك در نظـر دارد کلیه فعالیت خود را در تـهران متمرکزکند وبتهیه و بـازی در فیلمها بپردازد. وی علاوه‌برقرار داد شرکت دریکی از محصولات آینده ژورك فیلم اخیرأباهمکاری کمال دانش‌بتهیه وبازی درفیلمی مشغول شده بنام «خردجال» کـه توسط دانش‌کارگردانی میشود .

نکته جالب‌آنکه وی دراین فیلم بنقش یك لوطی ظاهرمی‌شود وبهمین سبب ریش خود را مدتی است نمی‌تراشد. فاضلی درگذشته یك بار دیگر نیز نقش یك‌لوطی کلاه مخملی را درفیلم بامعرفتها بازی‌کرده بود .

● «فاضلی» درصحنه‌ای ازفیلم «خردجال»



صدابرداری کلبه آنسوی رودخانه

■ هفته گذشته صدابرداری فیلم « کلبه آنسوی رودخانه » زیر نظر «ابوالحسن تهامی» در استودیو مهرگانفیلم انجام شد و این فیلم تا اواخـر همین مـاه آماده نمایش خواهدشددر کلبه‌ای آنسوی رودخانه کـه سناریـوی آن بـراساس داستانـی نـوشتـه منوچهر مطیعی تنظیم گردیده ، زری خوشکام ، همایون بهادران آنوش، حالتی،روشنك،مهران و ناصر ملك‌مطیعی ـ شرکت دارند سازنده‌ی این فیلم رنگی که‌توسط فرودین فیلم پخش‌میگردد احمد شیرازی است .

«بهزادی ، کلانی» نشد!

■ چون مذاکرات جعفری بایکی از سه فوتبالیست مشهور «بهزادی، کلانی‌ووفاخواه» برای شرکت‌درفیلم«تاجهنم راهی‌نیست» بنتیجه نرسید لذا برای ایفای نقش مزبور ازیك چهره جدیـد بنام «سعید راد» برای‌ایفای‌نقش فوتبالیست بهره برده‌است.

تا کنون حدود پنجاه دقیقه از فیلم «تاجهنم‌راهی‌نیست» بکارـ گردانی جعفری تـوسط « سعید نیونوی» فیلمبرداری شده دراین فیلم «جعفری. زری‌خوشکام، آزیتا لاچینی،حالتی، نقشینه‌وسعیدراد» شرکت دارند .

توضیحی بر یک متارکه، تصادف و ازدواج



بعد از درج خبری در همین صفحه تحت‌عنوان «متارکه، تصادف، ازدواج» درباره پروین نارنجیها (مریم) در شماره گذشته، ایشان توضیحی درباره این خبر داده‌اند در این حدودکه اولا اخیراً نام ایشان «مریم پروین» است (بعد از متارکه) دوماً علاوه براینکه هنرپیشه سینماست، دوبلور می‌باشد و نیز یکسال است که در رادیو نیز فعالیت دارد ـ سوماً علت جدائی وی از «نارنجیها» مورد عشق بین او وامیر فخرالدین نبوده و جدائی وی از همسر سابقش قبل از بازی در فیلم ماه پیشونی صورت گرفته. چهارماً تصادف در جاده قزوین اتفاق افتاده و در اتومبیل ایشان آقای شاپور یاسمی . آقای رخک وهنرپیشه‌ای که بدل خانم‌نازی را بازی میکردکه در حال مراجعت از فیلمبرداری به تهران بودند وبالاخره اینکه ایشان حالا خیال ازدواج با «امیرفخرالدین» ندارند!

ریش همایون!!

■ اینروزها همایون کمدین سنگین وزن فیلمهای ایرانی برای ایفای نقش یك «ملا» درفیلم باباشمل ریش توپی و جالبی گذاشته است.

فردین ، فروزان ،همایون، بهمن مفید ، سرکوب ، نادره و ناصرملك‌مطیعی در باباشمل رلهای اصلی رابعهده‌دارند . نخست‌قرار بودبجای همایون، نصرت‌الله کریمی نقش«ملا» را در باباشمل بازی نماید که بجهاتی همایون‌عهده‌دار نقش مزبور گردید.

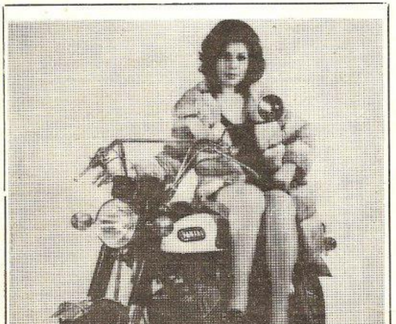
«وحدت» در سفر

■ از روز بیستم بهمن‌ماه وحدت ، علي تابش علي محزون و مقبلی برای اجرای نمایشنامه «بیا پائین کارت‌دارم» به مناطق نفت خیزجنوب سفر خواهندکرد تاپیس مزبوررا برای کارمندان شرکت نفت بازی نمایند .

وحدت سال گذشته نیز در چنین ایامی پیس«اطاق‌طبقه‌بالا» را برای کارمندان شرکت نفت با همکاری‌تابش اجراء کرده‌بود.

این دو پیس سالها قبل در تئاتر دهقان نمایش داده شده است.

بقیه‌درصفحه ۴۴



■ «لادن» چهره‌ای است‌که درسینمای ایران‌ناشناس مانده است واین‌بخاطرحجب خاصی است که اودرزندگی‌خود دارد وکمتر بمحافل هنری واستودیوها می‌رود . وی با تیپ شرقی خود بازی خوبی درفیلم تار عنکبوت نشان داد ولی بعللی مدتی از فعالیت‌درکار سینما کنار کشید ، پس‌ازمراجعت در فیلم‌های متعددی به ایفای نقش‌های دوم فیلم پرداخت و توانست‌در۱۲فیلم شرکت‌کند . وی‌اخیراً دامنه فعالیت‌خویش را گسترش داده و در نظر دارد در فیلمهای بیشتری شرکت کند .

«لادن» برای ایفای یکی از نقشهای فیلم جدیدساموئل خاچیکیان مردی درآینه کاندید است‌که بزودی بازی درآن را آغاز خواهدکرد .

«خیاطباشی» محکوم شد !

■ «خیاطباشی» سال گذشته طی تصادفی ،فرزندش را از دست‌داد وهمسرش نیز از ناحیه پا مجروح‌شد،همسر وی‌دربیمارستان میثاقیه‌مورد معالجه قرارگرفت و بابت معالجه‌نیز سفته پرداخت‌ولی چون‌یك‌پای‌همسر وی کوتاه‌تر ازپای‌دیگرش‌شد،«خیاطباشی» به نظام پزشکی‌شکایت کرد و مسئولین بیمارستان میثاقیه که سفته‌های واخواست شده «خیاطباشی» رادردست‌داشتند بهمراجع قضائی شکایت‌بردند وهفته گذشته «خیاطباشی» محکوم به پرداخت‌هفتادهزار ریال‌شد .

ازدواج

■ جمشیدشیبانی کارگردان وتهیه‌کننده فیلمهای ایرانی روز شنبه آینده‌که مصادف‌است با«عید قربان» بادختر مورد علاقه‌اش ازدواج خواهدکرد.

مراسم عروسی‌شیبانی‌وهمسر او درباشگاه بانك‌سپه درحضور عده‌ای ازهنرمندان،خبرنگاران جراید واقوام ودوستان عروس‌و داماد انجام خواهدشد.

وحدت هم عشقی‌شد!

■ هفته گذشته وحدت بدعوت جمشید شیبانی‌درصحنه‌ای ازفیلم‌تازه اوموسوم‌به «عشقی‌ها» بطورافتخاری‌شرکت‌کرد. وحدت که‌این روزها بسلك‌تهیه‌کنندگان نیز پیوسته است، درنظر دارد دو فیلم تازه جلوی‌دوربین ببرد .

حاشیه‌نشین

این روز ها اغلب در بحث‌ها و گفتگوها، اصرار وابرام شدیدی از جانب مباشران وکار گزاران سینمای ایران به‌تشویق وتائیددولت ازسینمای داخلی هست، تشویق و تـائیـدی کـه بالمآل بایستی صورت حمایت مادی پیدا کند، حالا چرا؟ این‌خود جای‌حرف دارد!

بنظر ما سینمای ایران نبـاید تشویق شود یالااقل ازاین‌پس نباید تشویق شود.چه هیچ‌چیز باندازه تشویق بیش از حد موجب نترشدن این سینما نشده است، این سینما که ابتدا به‌جهت برخورداری ازکـلام و زبان فارسی مورد توجه بود، بعدها وقتی نتوانست با خواست پیشرو مردم خودرا تطبیق بـدهد واز نظرمادی ومعنوی نزول کرد دست بگله وشکایت برد که‌بایستی دولت کمك کندوفلان وبهمان، غافل از اینکه در همه جای دنیـا دولت بی‌حساب و کتاب به‌صنعت سینمای‌داخلی کمك نمیکنـد. اگر قـرار باشدکه کمکـی صورت گیرد، معطوف فیلمهای واجدکیفیت عالی است، فیلمهائی که برای دولت، بـرای ملت وبرای یك سرزمیـن اعتبـار وحیثیتی کسب‌کند نه فیلمهائی که با اتکاء بسلیقه‌روز از پسند سطحی مردم بهره برداری کرده‌اند درحالی‌که تأثیر غائی آنها ازفرهنك‌اجتماع بسیار مخرب‌بوده است.

به‌تجربه‌ثابت‌شده که‌سینمای هر کشوردر کنار تشویق(تائیدعامه) توبیخ‌وکنترل‌دولت‌را نیز نیاز دارد وسینمای هیـچ کشوری بدون این عامل پیشرفت نداشته وسینماگـران ما بجای این‌که در تعقیب جـلب نظر مـوافق دولت(ازجهات‌مادی) باشند بایستی بکیفیت کار خود بیاندیشند وتأثیر ابتذال‌را بتدریج از حدود این‌سینما خارج سازند، امیدواریم که انشاءالله این «امید» درحدود لفظ باقی نماند.

دراکثر سینماهای ماهتأسفانـه به این حقیقت توجه نمی‌شود که بی اعتنائی بـه‌منافع تماشاگران فیلم،درواقـع لطمه‌ایست که به‌منافع خودسینماواردمیشود بیشتر این سینماها ظاهر آراسته‌اندوبطن‌از هم پاشیده وسرگردانی دارندوصرفاً به‌منافع روز می‌اندیشند وآنرابه منافع آتی ترجیح داده ومی‌دهند.وبرای‌آنها ابداً مطرح نیست که صندلی‌های ناراحت، طول نمایش زیاده ازحد آگهی‌های تبلیغاتی ، وضع‌بدنمایش و...در تماشاگرنسبت به‌سینما بدبینی‌بوجود می‌آورد ، بالفرض«حاشیه‌نشین»شخصاً بعضی از سینماهای پرت‌ودور ازمحل کار و یـا خانه‌اش را بسینمای دم دست ترجیح میدهد پس‌بدین‌ترتیب‌سینماها بایددررفع‌نقایص‌خود که‌نتیجه‌اش‌بنفع‌خودآنها تمام‌میشود، بکوشند اماچون باصطلاح بایستی توی‌خرج بیافتند وصرف نمی‌کند ترجیح می‌دهند که‌به نوعی وضع‌را سرهم‌کنند ودر این احوال مقامات مسئول‌نیز در حدوداین‌سینماها کمترتوجهی میکنند ودر این بین تماشاگری که‌تفریحی جز سینماندارد همچنان درظلمی که‌باومیشود بی‌پناه وبی‌اتکاءبایستی‌سه‌تومان‌خرج‌سینمای زواردررفته‌درشرایطی‌بکند که‌سینماهای‌معدود وخیلی‌خوب‌ماهم همین‌وضع‌وارزش‌بلیط‌دارند که جادارد مسئولین اقدامی‌درراه توجه به منافع تماشاگرنیزبکندولااقل‌باپائین‌آوردن ارزش بلیط سینماهای بی‌توجه به‌وضع خود، اهمیتی برای توجه‌ای‌که بعضی ازسینماها به وضع خود میکنند ، قائل‌شوند.

کار قضاوت فیلم دراینجا به‌دستگاهی سپرده‌شده،مثل‌همه کشورهای‌دیگر - و این‌کار نیز در حدود صلاحیت و قدرت این دستگاه است واگر بنده ویاشخص سومی که‌احیاناً سنجش وارزیابی‌فیلم‌درحاشیه حرفه‌مان است نظری بدهد. قاعدتاً چون نه مجال‌کافی و نه‌صلاحیت‌وافی جهت مطالعه در ارزش های اخلاقی و اجتماعی فیلم داریم پس یك‌نظر میماند و این دستگاهست کـه بایستی همه توجه‌اش به اینـکار معطوف باشد که هست اما گاهی‌می‌بینیم که درباره‌این‌محك وسنجش حرف در می‌آید وچرا ؟..

بعقیده ما در وهله اول این‌کافی نیست که بالفرض هرماه یك فیلم را برای‌جوانان کمتر از هجده سال ممنوع شود ، تازه آنهم فیلمی که همه‌صحنه‌هایی که‌تماشاگر‌بالای‌هجده می‌تواند هضمش‌کند ! قبلا از فیلم حذف‌شده است‌که در اینصورت در خود این‌کارهم‌حرف درمی‌آیدکه اگر دیدار فیلم برای هجده‌سال بپائین‌ممنوع‌است پس‌چراصحنه‌های‌فیلم‌حذف میشودوچنانچه بایستی‌حذف‌شود پس‌ممنوعیت دیدار برای تماشاگر‌کمتر از هجده سال چه معنی در این‌جا دارد.

قصد،ایرادگیری‌نیست‌بلکه‌پیشنهادراهی است که‌سینماهای کشورهای جهان بدان‌توسل جسته و با طبقه بندی فیلم‌ها به حسب سنین مختلف تماشاچیان سینما ، وضع‌منظم‌ومرتبی به آن داده‌اند وهرطبقه فیلمی‌راکه بسته به خصوصیات‌اخلاقی‌واجتماعی‌شان‌مشخص‌میشود، می‌بینندوتنها در این صورت است‌که میشود شاهدوضع‌خوبی‌در امر نمایش بود.

وضع قابل‌تاسفی‌است، ازهرزاویه‌ای‌که‌به آن‌نگاه‌کنیم، صنعت سینمای‌ماشده‌است یك مراقب وحشتزده ونـگران کـه با ترس ودلواپسی چشم‌به‌تماشاچی‌خودش‌دوخته تا تماشاچی‌کدام ادارا می‌پسندد‌که اوسراز پا نشناخته همان ادارا دربیاورد،سازوآواز سکس، دلقك‌بازی ، این سه عامـل رسالت سینمای ما راخلاصه می‌کند ، یـك سینمای مضطرب وبیجان، سینمائی‌که اختیارکار از دستش‌دررفته‌است وبایدبهرسازی‌که‌تماشاچی میزندکله معلق‌بزند .

فیلم‌های محاکمه‌ای- اخلاقی- کمدی- قصه‌ای- زیربازارچه دیگرگذشته، تماشاچی که نفوذ خـود را روی یك سینمای ضعیف خوب حس‌کرده است نسبت به فیلم‌هائی که چند روزه سرهم‌بندی شده نمی‌تـواند مدت زیادی خوشبین‌بماند - تنها راهش‌اینست‌که سینمای ما جلوبیفتد، سینـمای ماجلوتر و بالاترازسلیقه تماشاچی‌کارکند به‌عوض‌دنباله رو بودن ، پیشرو باشد - سینمای فارسی در ظرف این‌مدت بیست‌وسه سال‌حیات‌چیزی‌که بحساب نیاورده رسالت هنری‌سینماست،حالا موقعش است که مباشران سینما بداننـد که غیرازاین‌اداها «حرف» هم می‌شود زد، حالا چرا «حرفی» برای‌زدن‌نداریم، مسئله‌ایست.

عروس بیانکا



اثر عظیم و استثنائی استودیو میثاقیه بمعرض نمایش درمی‌آید.

سازمانهای فیلمسازی، درکنارمحصولات متعددی‌که در طی‌سال‌تهیه می‌کنند، گاه و بیگاه فیلمی را جلوی دوربین می‌برند و بتهیه‌آن اقدام می‌کنندکه پیوسته درشمار آثار با ارزش و استثنائی قرارگرفته وبصورت یك اثرخیره‌کننده خودنمائی‌میکند. «عروس بیانکا» ازآن جمله است، فیلمی‌که بعداز یکسال فعالیت یك گروه فعال‌سازنده اکنون آماده و بمعرض‌نمایش‌درمی‌آید.

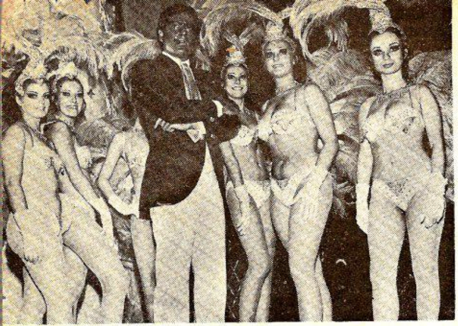
استودیومیثاقیه‌که پیوسته تهیه‌کننده محصولات پرسروصدا و جنجالی‌برای سینمای‌ایران می‌باشد وخاطره‌آثار قابل توجهی‌راکه تابحال تهیه‌کرده ازاذهان محونگردیده است، از روی یك داستان کاملا بدیع واستثنائی‌که درسینمای ایران بیسابقه است فیلمی بطریقه رنگی ساخته است که یکی از تجارتی‌ترین محصولات امسال شناخته خواهد شد.

یکی‌ازشاهزادگان کشوربیانکا(که یك‌کشور آفریقائی خیالی است) بجستجوی‌عشق ودست یافتن بدخترمحبوب خویش راهی سفری دورودراز میگردد ودرسر راه خود بایران میرسد. درایران دراثر تصادفی‌عشق بسراغش می‌آید ومحبوب خویش را پیدا می‌کند دختری زیبا که دست تصادف بعلت فقراورا بکارهای سخت واداشته است. پرنس‌بیانکا، ایده‌آل‌خویش‌را دروجود دخترك می‌یابد ومیکوشداورا بهرصورت‌که هست بدست‌آورد وبرای رسیدن بمقصود از هرکاری روگردان نیست. لباس‌فاخرشاهزادگی‌را بخاطرعشق بدورمی‌افکندو چون دخترك کارگری ساده وبینوا می‌شود بدون‌آنکه ازاین ماجرا کسی اطلاع داشته باشد تابالاخره...

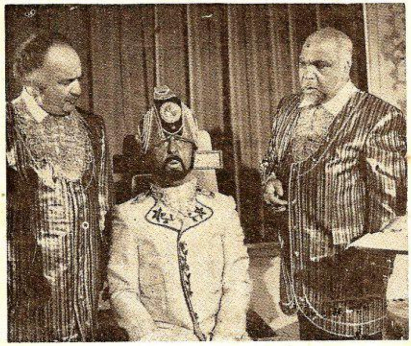
داستان این‌فیلم‌که براساس‌خواست تماشاگرایرانی‌نوشته‌شده بود، برگردانش بفیلم سخت مشکل‌مینمود، زیرا ایجاد آتمسفر لازم برای ارائه وبازگو کردن داستان، درراس هرکاری قرارداشت و میثاقیه برای‌آنکه این‌کاربخوبی‌انجام‌گردد «شاپورقریب» رابرگزید شاپورقریب بیش‌از۱۰ بار داستان فیلم رامطالعه‌کرد تا دریابد بچه ترتیب میتوان برای‌فیلمی‌که‌کارگردانیش‌باو واگذار شده محیط لازم را فراهم‌آورد وپس ازآن‌بکارپرداخت.

قبل‌ازهرچیزامکانات بازیگران باو فرصت دادکه بتواند در رهبری‌آنان بکوشد. فروزان ومنوچهروثوق که زوج محبوبو پولسازی‌را تشکیل داده بودند، بازیگران نخست فیلم‌شدند. فروزان بنقش‌یك دخترفقیرایرانی‌ومنوچهروثوق بنقش پرنس‌بیانکاو این دو

صفحه ۱۰

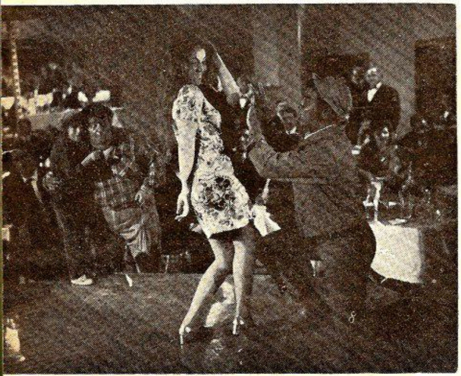


● «منوچهر وثوق» در بین خیل زیبارویان !



● «منصور سپهرنیا»، «جنتی» و «حبیب اله بلور» درصحنه‌ای ازفیلم

● «فروزان» و «منوچهر وثوق» ، «ابراهیم فخار» و « اسداله یکتا» دریك صحنه جالب ازفیلم «عروس بیانکا»



درکنارهم شایدبتوان گفت دراین فیلم بهترین بازی خویش‌را ارائه داده‌اند .

آنچه جالب است آنکه منوچهر وثوق برای فرورفتن درجلد شاهزاده بیانکا هرروز ازساعت ۷ صبح تا ۹ صبح زیردست گریمور می‌نشست تا بصورت یك شاهزاده سیاه آفریقائی درآید .

استودیومیثاقیه بخاطرعظمت وایجاد یك فیلم بزرگ ازهیچ کوششی برای تهیه عروس‌بیانکا فروگزار نکرده است و بودجه‌ای که برای ساختن آن پیش‌بینی‌شده بود، درحدود هشت میلیون‌ریال بودکه درپایان‌کاربده میلیون ریال‌رسید، بعضی‌ازصحنه‌های‌فیلم‌دارای آنچنان شکوه وعظمتی است‌که چشمها راخیره خواهد ساخت‌ودرباره شاهزاده بیانکا، آنطورکه درافسانه ها آمده است ، بخوبی درفیلم تجسم یافته است .

بعد از فروزان ومنوچهر وثوق یك‌خیل‌بزرگ‌ازهنرپیشگان صاحب نام بازیگران نقشهای دیگر فیلم شدند ، بطوریکه دراین‌فیلم میتوان‌گفت نقش‌کوچك وجود دارد ولی هنرپیشه‌کوچك وجودندارد. حبیب‌الله بلور ــ سونیا ــ ابراهیم فخار ــ شهروز رامتین ــ اسدالله یکتا ـ جنتی شیرازی و بالاخره‌کمدین معروف منصور سپهرنیا هر کدام بتناوب نقشی را درفیلم برعهده دارند واین بجز گروه‌بیشماری ازسیاهی‌لشگرها است‌که بفراخور در صحنه‌های مربوطه مورداستفاده قرارگرفته‌اند.

برای انجام امور فیلمبرداری فیلم از قدرت‌الله احسانی استفاده شد ، فیلمبرداری‌که‌درکار تکنیك ونورپردازی مهارت‌خودرا بارها بثبوت رسانیده و سال‌گذشته جایزه سپاس بهترین فیلمبردار سیاه و سفید را دریافت نمود.

وی با استفاده از نور ، در تکنیك سینماسکوپ ، افـه های تصویری درخشانی‌کسب‌کرده است‌که درخلق‌محیط وکاراکترهابخوبی نقش داشته است.

شاپور قریب ،کارگردانی که‌هنرکارگردانی فیلم را با تجارب فیلم درهم آمیخته و آثار موفقی ارائه داده است ، در عروس بیانکا یك‌بار دیگر توانسته است لحظات‌سینمائی درخشانی بیافریندوداستان را باوج التهاب واحساس کشاند .

این اولین باری است‌که شاپور قریب فیلمی‌را بطریقه‌سینما سکوپ ورنگی‌کارگردانی میکند وبخوبی توانسته است برای‌خلق یك اثر پرشکوه در پرده عریض سینما سکوپ موفق‌گردد .

استودیو میثاقیه‌که از فعالترین سازمانهای فیلمسازی کشور است «عروس بیانکا» را جنجالی‌ترین وعظیمترین‌محصول‌سال ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ خود میداند وبا دقت و خرجی‌که برای این فیلم شده است تصور میرود با اقبال عمومی روبرو شود وسخت مورد توجه تماشاگر فیلم‌های صنعت سینمای ملی ایران قرارگیرد. ■



نظام فاطمی
«کارگردان فیلم مرید حق»

تحلیل و بررسی فیلم‌های ایرانی

فیلم «مرید حق» در بوته نقد و بررسی

از : جمشید ارمیان

ابتدا از سناریو و داستان فیلمتان شروع میکنیم فیلم شما اصولا فاقد یك داستان گیرا ، بکر و محکم است و استخوان بندی این داستان که درقالب یك سناریوی ضعیف و غیر مدون قرار گرفته، بی‌اساس است ،در این باره‌چه نظری دارید ؟

نظام فاطمی : کاملا قبول دارم که این فیلم فاقد داستان است. اما اگر توجه داشته‌باشید پرداخت فیلم‌هم متناسب باداستان آن است.

این داستان ،فقط از یك خط سوژه تشکیل میشد که‌ابتدا امین امینی برای من و رئیس فیروز تعریف کرد و بعدمن باتفاق رئیس فیروز نشستیم وروی داستان مقداری کار کردیم و بدون نوشتن دیالوگ آنرا صحنه‌بندی کردیم و بعدآن‌را به فریدون گله دادیم که بصورت سناریو در آورد .

«گله» البته درخلال نوشتن این داستان ، تغییرات بسیار کوچك‌وگاهی نه چندان خوب‌در آن داد که از این‌قبیل است صحنه‌های آخر فیلم که‌مال‌خودش است .

من چون اصولا « سالار مردان» را ساخته بودم و «مرید حق» هم یکجور دنباله روی از «سالارمردان» داشت، شایق‌نبودم که بهمان شکل باشد و از آنجا که سالهاست با ناصرملك مطیعی دوست هستم ودلم میخواست‌همیشه بااو کار کنم، مایل بودم داستان فیلم دوم خودرا که بااو میسازم ، داستان نوتر و بکر تری باشد .

ولی بهرحال اگر این داستان را درشرایط دیگری بمن میدادند ، آنرا به‌جائی پرت میکردم که اثری ازآن پیدا نشود !!

آنطور که ما از فیلم برداشت‌کردیم، تم فیلم درباره جوانمردی‌ها و لوطی گریهای مردی است بنام « علی » . اما پرورش این « تم » و شناخت واقعی آن باضعف صورت‌گرفته و آنطور که باید و شاید این «ایده» توجیه‌نمیشود وویژگی هائی‌که معمولا یك لوطی باید دارا باشد ، لوطی فیلم شما فاقد آن است...

نظام فاطمی: ما هیچ‌منظور خاصی از نشان دادن این لوطی نداشته‌ایم و نخواسته‌ایم فی المثل نشان بدهیم که او ویژه‌گی های خودش را از دست داده . اصولا کلیه‌کارهائی که این مرد انجام می دهد بر پایه جوانمردی قرار دارد ، ما او را در صحنه اول اینطور معرفی کردیم که او با بردن لوبیا و گوشت نذری برای آدمهای فقیر(که این را عمداً نشان‌ندادیم) جوان‌مردی و خیر بودن ولوطی‌گری خویش را اثبات میسازد.

این صحنه‌برای آن بود که تماشاچی آمادگی ذهنی برای پذیرفتن‌جوان‌مردی‌بعدیش‌بخاطر گذشتن از عشق پروانه(شیلا) داشته‌باشد.

اما وجود این صحنه اولیه کافی نیست،یعنی رسانیست وما صفات جوانمردی اورا از ورای حرفهای دیگران بیشتر می‌شنویم تا از ورای تصویرو عمل...

نظام فاطمی: بله، اگر می خواستیم‌صحنه‌هائی‌راکه علی در آن به دستهای بی نیازی‌که از درون خانه‌ها بیرون آمده، کمك ومساعدت میکندو خوراکی‌وپول میدهد، نشان بدهیم زیاده ازحد طولانی میگردید .

با توجه به‌آنکه‌زمان‌و محیط حادثه امروزی است ، لوطی فیلم شما با این دوعامل مقداری اصطکاك و ناهم‌آهنگی پیدا میکند، فی‌المثل شما جلوه های تکنیکی مدرن این عصر را وارد زندگی اوکرده اید: تلویزیون!

نظام‌فاطمی: امروزه‌درشهر های کوچك ما حتی تلویزیون جزء لاینفك زندگی‌ماشینی‌امروز شده است، بطورکلی من‌فکر می کنم‌که هدف ومنظورخاصی‌دراین کار وجوددارد وهنوز هم امکان دارد که‌دراین‌عصروزمان‌آدم‌خوب وکاملاخوب‌هم پیدا بشود.

در مورد دیالوگ‌های سناریو باید بگوئیم‌که مقداری ازآنها اصولا نماینده شخصیت کاراکتر پرسوناژهای فیلم‌نیست بعبارت دیگر زبانی‌که برایشان معین شده به آنها تعلق ندارد. یکی از موارد بدآن ، قربون و صدقه رفتن مادر علی است . وهمینطوردیالوگهائی‌که برای تیپ «یداله» دلال درنظرگرفته شده است ..

نظام فاطمی : مادر علی ، یگانه امیدش همین فرزندش‌است علی ، یك فرزند تنها است و تنها نان‌آور خانواده و چشم وچراغ مادرش است و بهمین خاطر مادر قربون وصدقه چنین پسر مثلا دیلاقی هم میرود ! پسر هم باو محبت دارد واحترام میگذارد · اصولا تیپ‌های قدیمی این‌کاررا می کنند و عواطف مادر فرزندی هنوز درنسل قدیم به‌اصطلاح فرو کش نکرده است.

در مورد بقیه دیالوگها باید بگویم‌که پنجاه درصد ازدیالوگ های علی را خود ناصر ملك مطیعی درست‌کرده .

ملك مطیعی بی‌شك درارائه چنین کاراکتری همتا ندارد و بعلاوه ازآنجائی‌که‌آدم با سوادو واردی است، دیالوگها را خودش فقط یك بار می‌شنید وبعدبه‌سلیقه خود تغییرمیداد ولی نمیگذاشت مفهوم جمله ازمیان برود و بعد ادا میکرد .

در این فیلم البته مقداری دیالوگ‌هم وجود داردکه قشنك وروان است . در مورد دیالوگ های «یداله» آنطور که‌بایدوشاید نتوانستیم آنهارا اصلاح کنیم ما منظورمان این بودکه تیپ «غلط انداز» را برایش جور کنیم‌ولی متأسفانه در نوشتن این‌تیپ‌تبحر نداشتیم وآنطورکه بایدوشاید ، از کار در نیامد.

یکی از موارد ضعف سناریو وشاید هم کارگردانی عدم ارتباط منطقی و عاطفی پرسوناژهای فیلم است دراین مورد چه توضیحی دارید؟

نظام فاطمی : در مورد پرورش پرسوناژها این‌امر بمن ارتباطی ندارد. این‌مربوط‌میشود به سناریو. من می‌خواهم اینجا یك جمله معترضه بیان کنم‌وآن این است که‌اگر فیلمی خوب از آب درآمد وخوب فروش کرد دیگران، هزاران عامل‌را باعث خوب شدن‌آن می‌پندارند، امااگر بداز کار درآمد، هیچ عاملی را

✽ مریدحق، بکجور دنباله روی از «سالار مردان» است!

✽ در ایران، همه کارگردان را مسئول بدی یك فیلم قلمداد می‌کنند!

✽ ماآگر یك «همینگوی» در ایران داشته باشیم یك «پیرمرد و دریا» هم‌خواهیم داشت.

جز کارگردان قبول ندارند و همه کاسه‌و کوزه‌ها راسر کارگردان می‌شکنند!

میخواهم بگویم که اصولا امکانات و عوامل موجوددرمحیط کار یك فیلمسازهم در خوبی یا بدی یك فیلم دخالت دارد باید یك کارگردان رادر ساختن‌فیلمی خوب آزاد بگذارند و برایش آسایش فکری بوجود آورند و البته باید اذعان کنم که‌استودیو عصر طلائی تا آنجا که امکان داشته ،در این مورد از همکاری دریغ نداشته‌است.

بعضی‌از پرسوناژهای داستان دست‌وپاگیر وزیـادی هستند و اصولا کاری بـرای پیشبرد‌مسیرداستان‌انجام‌نمیدهند مثل «دائی».

نظام فاطمی: ایـن مـورد کاملا صحیح است وبشماحق‌میدهم اما بعللی نمیتوانم‌توضیحات‌کافی در این باره بشمابدهم.

موزیك‌فیلم یك‌دست‌نیست گاه درصحنه هائی از «ضرب» استفاده شده و گـاه از سایر آلات‌موسیقی،ودر آن‌یکنواختی موجود است.

نظام فاطمی: ما روی‌موزیك اصلا تکیه‌نکردیم واگـر درآن یکنواختی وجوددارد، علتش آن است که موزیك‌متن بخصـوصی بـرایش ساختـه نشده. مـا سعی کردیم ازضرب جاهائـی استفاده کنیم که ناصر(علی) هنوز شکست نخورده، هنوز بدنـام نشده ودر قسمت‌های دیگر که در آن‌شکست «علی» مشهود است، سعی کردیم‌از موزیك بهره بگیریم.

بهترین افه تصویـری فیلم شما، پروازکلاغ‌ها همراه با پچ‌پچ زنهای همسایه است‌اما وجود چنین‌صحنه‌ای‌کافی‌نیست. این، تنها اثـر و نشانه وجـود فیلمساز در این‌فیلم است.

نظام فاطمی: بـرای فیـلم برداری این‌صحنه تا«ینگه امام» درجاده قزوین‌رفتیم. کلاغ ها تـا دوربین‌را می‌دیدند، هراسان شده وفرار میکردند!

درسناریو جهت این تصویر چندصحنه‌مختلف فیدوآنشنه‌میشد وپراز دیالوگ مردم بـود . من دیدم تکرار این‌صحنه ها از نظر فیدوآنشنه مشکل‌است وابتدائی خواهد بود وفکر کردم بهترین کاربه تصویر درآوردن مثل«یك کلاغ چهل کلاغ کردن» است.

نکته خیلی مهمی که باید ابتدا تذکر میدادیم،مسأله فضای فیلم‌تان‌است. فضای‌مورد لزوم‌بهیچوجه درفیلم شماحس ولمس نمیشود.

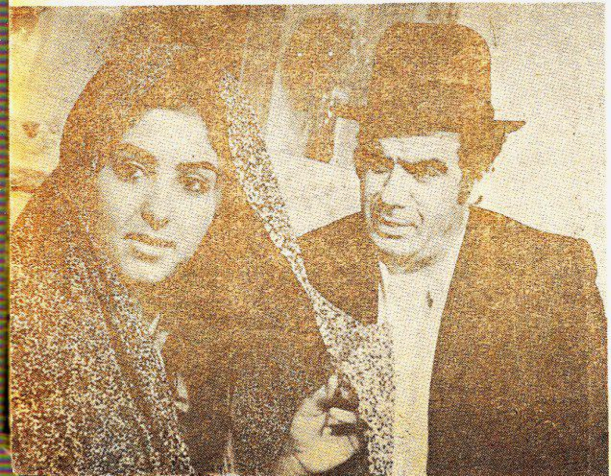
نظام فاطمی : کاملا درست است، چراکه عواملی راکه باید فضارا ایجادکند، من در اختیار نداشتم.

دوربین در بعضی از صحنه ها، اصلا تحرك ندارد مثل پلان قصابی، تریا و چند صحنه دیگر.

نظام فاطمی : کاملا درست است‌اما ماجای مناسبی برای‌این کار نداشتیم وبعلاوه این امـر مربوط به فیلمبردار فیلم‌میشود. درثانی من معتقدم فیلمساز های ایرانی بـرای تماشاگر ایرانـی نباید درفیلم هایشان بـا حرکات دوربین، عملیات محیرالعقولـی سبب بشوند. مردم ایران زندگی پـر تحرك و پـر جنب و جوشی ندارند و فقط دوست دارند یـك قصه را بروالی ساده ببینند. من در فیلم‌هایم بیشتر روی‌میزانسن وحرکت هنرپیشه‌ها تأکید میکنم تا روی دوربین و حرکات آن و این امر بخاطر تجربـه ای است که در این مدت بدست آورده‌ام.

شما دربعضی از صحنه ها تحت تأثیر قیصر بوده اید، گمان‌ما، بعقیده‌شما صائب‌است؟

نظام فاطمی : قیصر تحت تأثیر سالار مردان بوده. منظور شما از پلان راهروی بیمارستان است، ولـی من از قیصر تقلید نکردم چون قیصر اصولا فیلـم موفقی نبوده است.



«ناصر ملك مطیعی» و «شیلا» درصحنه‌ای‌از فیلم «مریدحق»

سینمای ایران، موقعیت فعلی آن و راه حل های موجود از دید سردبیران مطبوعات



ح . الهامی



بیژن امامی

ح . الهامی : از کارگردانان روشنفکر هم باید قطع امید کرد !

بیژن امامی: کارگردان اینك نقش سازنده درسینمای ایراندارد.

ح. الهامی (سردبیرمجله روشنفکر)

■ سینمای ایران اولا نسبت به یك، سینمای ۲۳ ساله که باید جوان برومندی باشد، یك بچه دبستانی،لوس وننر، از خود راضی ونازك نارنجی است. این بچه تربیت پذیرهم نیست وتنبیه‌اش‌هم نمیشودکرد،چون بزرگترهایش باچماق پشت‌سرش‌ایستاده‌اند، مقصودم آقایان سرمایه‌داران سینمای فارسی هستندکه دارندبه‌آن چشم غره‌میروند .

من خودم بعنوان سردبیر روشنفکر، تلاش‌هائی کرده‌ام و سعی کردم راه حل‌ها و درمانی‌پیدا بشود. تلاش‌من‌از آن‌جهت‌بوده که خودکارگزاران سینمادرایران‌بیایند ودورهم جمع بشوندو دردهایشان رابرزبان‌بیاورند، چون ابتدا باید دردها را شناخت و بعد به درمان‌آنها پرداخت .

در میزگرد اولیه ما درست موقعی که میخواستیم درد واقعی‌را پیداکنیم، هنرپیشه ها ازشرکت درآن خود داری کردند .آنها تهدید شده بودند،تهدید به‌بیکاری‌واخراج‌از سینما. روی این‌اصل‌بحث‌ما ناتمام ماند و هنوزکه هنوز استخوانندهها نامه میفرستند وعلت‌آنرا می‌پرسند .

باید خود عوامل و کارگزاران سینما بنشینند وراه چاره‌ای بیندیشند. من قبول ندارم‌که تماشاگرایرانی مطلقا فیلم سنگین نمی‌پسندند، چون‌بکرات تجربه شده ودیدیم که پسندیده‌اندولی‌خواهش‌میکنم ۸٫۵ فلینی را مثال نیاورید‌که باعدم استقبال روبرو گردید.ولی‌ازفیلمهای دیگرخارجی که‌هنری وسنگین‌بودند مثل «کسوف»استقبال‌شد ومن شاهد بوده‌ام‌که برای این‌قبیل فیلمها بازار سیاه پیدا شد وبلیطها رابه قیمت حتی ۱۰ تومان خریداری میکردند. مردم این‌فیلمها را می‌پسندنداماچون‌سینماگران‌ما نمی‌توانند مثل «هیچکاك» فیلم بسازند ،گناهش را به گردن تماشاچی میاندازند.

آنها میگویند من بلدم فیلم سنگین و هنری بسازم ولی‌تماشاچی‌نخواهد پسندید . اشتباه فیلمسازان‌ما درهمین‌است‌که مردم‌را تحویل‌نمی‌گیرند وفکرمی‌کنند آنها چیزی نمی‌فهمند.

ازکارگردانان روشنفکر خودمان‌هم باید قطع امیدکرد مثل‌فیلم‌پنجره که‌میشود چشم‌بسته سه‌ربع آنرا دور ریخت‌بدون‌آن‌که هیچ‌لطمه‌ای به‌فیلم‌بزند. یا «مسعودکیمیائی» را دارند گمراه میکنند ،گولش میزنند ، مسعود کیمیائی آن آدمی نیست که دارند نشانش‌میدهند.

«مهرجوئی» هم با «هالو» نشان‌دادکه با «مهرجوئی» گاو تفاوت‌زیادی‌دارد.اودر هالوهمه‌جا اسیربازی نصیریان وانتظامی‌بود وازخودش اراده‌ای نداشت.

راه‌منطقی‌که جهت درمان درد های سینمای ایران‌من میتوانم پیشنهاد بکنم آن است‌که تهیه‌کنندگان باشهامت پیدا بشوندو ساختن فیلمهای خوب را ادامه بدهند . کارگردان مجبور نشود بخاطر بازارو تهیه کننده مبتذل ساز، افت‌کند وبعدازیك فیلم خوب، یك‌فیلم‌بد بسازد.

سینماگران ما ذوق مردم را منحرف کرده‌اند. مردم عادت‌کرده‌اند ازفیلم های مبتذل دیدن‌کنند.

فیلمسازان ما تصورمیکنند مردم هنوز درهمان سطح‌شعور فیلم«غفلت» باقی‌مانده‌اند که دوباره‌آنرا باسم «گرداب‌گناه» به‌خورد آنها میدهند.

دراین‌مورد یکی‌ازمقصرین‌هم تماشاچی است. تماشاگر فیلم ایرانی بایدفیلم‌های بد ومبتذل‌را بایکوت‌کنند وبه‌هیچ تهیه‌کننده سود جوئی اجازه اظهار وجود ندهد ولی متأسفانه این‌گناه‌را مرتکب‌میشود. بهرحال من بعنوان یك تماشاچی علاقمند به‌اعتلای سینمای ایران به پاسخ سئوال شما مبادرت ورزیدم، فقط همین.

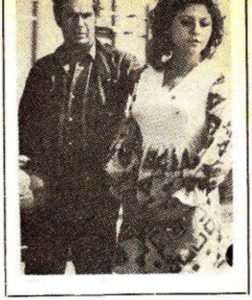
بیژن امامی (سردبیرمجله‌این‌هفته)

■ سینما بطورکلی مساله‌عرضه وتقاضاست. در این نکته هیچ تردیدی وجود ندارد که باید اثری‌تهیه‌کردکه آنرا مردم‌تحویل بگیرند، درغیر این‌صورت، اثروفایده‌ای نخواهدداشت.

زمانی بودکه مردم‌مطابق زمان «گنج قارون» را با آن‌فرم وسبك پسندیدند وبعد «قیصر» را پذیرفتند. همان موقع‌که« گنج قارون» مورداستقبال‌شدید مردم‌واقع شد،همه فیلمسازان بدنبال‌این سوژه افتادند وحالابا تهیه «قیصر» عده‌ای بفکرافتادندکه دراین زمینه فیلم‌بسازند ونتیجه‌آن‌شدکه روال فیلم ها عوض‌گردید.

درهمه دنیا اصولا همین‌طور استو نمی شود این امررا عیب‌پنداشت . سینمای‌ایتالیا پس ازجنك، بدنبال فیلم های نئورئالیستی، پس ازمدتی به‌درام های خانوادگی روی آورد وبعد به‌وسترن‌های‌زشت وحالاکمدی های‌چیچو وفرانکو...

دنباله‌ی نظریات بیژن امامی‌را در شماره آینده مطالعه کنید









موفقترین رمان دهسال اخیر در قالب یك فیلم خوب

■ سینما از نخستین سالهای شروع، از اولین وسیله‌هائی که جهت جلب اقبال بیشتر عامه بسینما بهره گرفت، استفاده از روی آثار نویسندگان بزرگ است که تاکنون درهفتاد و پنج سالی که ازعمر سینما گذشته ادامه دارد و بتدریج برگردان رمان بسینما سیر تکاملی خود را سیر میکند و هر زمان کاملتر از قبل می‌شود.

آنقدر مورد استفاده از رمان درفیلم ها زیادست که تحسیب تعداد آنها ازشمارش خارج است ودر این بین بیشتر آثار «ارنست همینگوی، جان اشتاین بك ، الکساندر دوما، اونوردو- بالزاك، ژولورن، ویلیام فاکنر، ویلیام شکسپیر، لئون تولستوی» مورداستفاده واقع‌شده است.

درشرایطی که موافقین ومخالفین این امر حدوداً هفتادوپنج سالست که به‌جدل وبحث با یکدیگر مشغولند وبرخی‌شان معتقدند که یك رمان، در سینما روح وفضای اصلی خودرا از دست میدهد وحالت تفاله‌ای‌را پیدا میکند و دسته‌ای دیگر اعتقاد دارند چنانچه کار گردان درکارش اصالتی بخرج بدهد، بسرواج فکر و ایده نویسنده کمك کرده است وبه‌زعم این‌عقاید موافق ومخالف «سینما» هرزمان که‌فرصتی بدست آورده به‌بهره‌گیری از رمان‌های موفق‌پرداخته است و«سینمای ایران» نیز از این‌قاعده مستثنی نبوده است وگاه وبیگاه (وبا مقایسه‌با سینمای سایر کشور های جهان البته‌کم) از رمان‌های موفق وپر فروش ایرانی بهره برده‌اند و اخیراً نسبت به‌بیست وچند سالی که ازعمر سینمای ایران گذشته، موردچنین استفاده‌ای بیشترشده است ویکی ازاین‌موارد «کلبه آنسوی‌رودخانه» است‌که یکی ازپرخواننده ترین پاورقی در سالهای اخیر بوده و وسیله « منوچهر مطیعی» نوشته‌شده است.

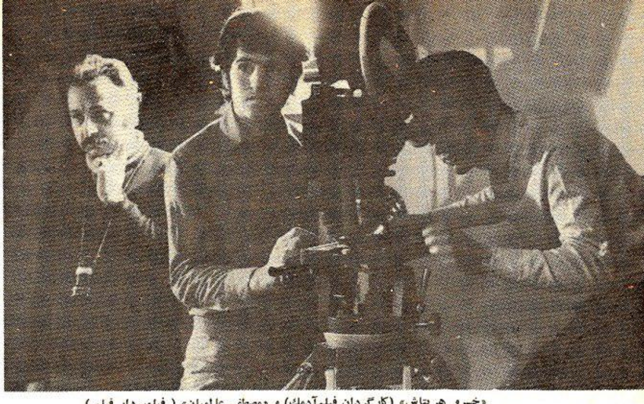
کمتر کسی‌است که‌این داستان‌جذاب رانخوانده باشد، داستان آدمهای گرفتار احساس، آدمهای گرفتار دسیسه ، آدمهای‌گرفتار عشق ،آدمهای خوب و فداکار ،آدمهای بدو فریب خورده یا فریب‌کار ، داستانی‌که روابط آدمهایش گوشه‌های واقعی از زندگی را بازگومی‌کند .

با توجه به‌این نکته‌که یك اثر ادبی وقتی بصورت فیلم درمی‌آید ، نه چیزی اضافه بدست می‌آورد ونه چیزی از دست میدهد و چنانچه بپذیریم که هرخواننده‌کتاب رابادیدخاص‌خودش می‌خواند ، تحلیل وتجسم می‌کند . پس‌فیلمساز نیزخود نظیریك خواننده بنوعی داستان را تحلیل وتجسم می‌کند واین‌بستگی به روح‌رمان و تبحرنویسنده داردکه چگونه فضا را ترسیم کرده باشد تا خوانندگانش این تجسم وتحلیل را باتصوری نزدیك بهم داشته باشند ورمان «کلبه‌آنسوی رودخانه» ازاین خصیصه بخوبی باتکاء داستانویس‌خوبی‌چون «منوچهرمطیعی» برخوردار است وبه احتمال قوی تماشاگران این فیلم به‌کثرت تعداد خوانندگان داستان خواهد بود، بخصوص‌که حتی مخالفان بهره از رمان درفیلم نیز در جرگه تماشاگران قرار خواهندگرفت چه حس کنجکاوی دراین مورد دخالت دارد و میخواهند بدانندکه‌کارگردان ، هنرپیشه و سینماشناس از پرسوناژهای مخلوق داستانویس چه ایده‌ای‌گرفته و بکار برده‌اند ، تباین وجدائی بین درك نویسنده وردك فیلمساز نیز دراین بین جالب خواهد بود .

بهرحال «کلبه‌ای‌آنسوی رودخانه» اکنون آماده نمایش شده‌است ، دراین فیلم‌که وسیله «محمد علی جعفری» تهیه شده است «ناصرملك مطیعی» زری خوشکام، همایون بهادران،ایران دفتری وآنوش» درآن نقش‌های اصلی را ایفا می‌کنند .

این فیلم که توسط «فرودین فیلم» توزیع میشود وسیله «شیرازی» کارگردانی شده است.





«خسرو هریتاش» (کارگردان فیلم‌آدمك) و «مصطفی عالمیان» (فیلمبردار فیلم)

وعده‌گاه‌ما واکیپ‌فیلمبرداری فیلم« آدمك » ، یکی ازخانه‌های واقع در خیابان تکش است :

ساعت ۴ بعدازظهر درجلوی این‌خانه ، باجوانی که ریشی توپی دارد برخورد می‌کنم و راجع به محل فیلمبرداری میپرسم بمحل فیلمبرداری راهنمائیمان‌میکندکه در طبقه‌ی سوم یك‌عمارت واقع است وما بایدآنجا باشیم:

دودوربین در پشت یك صحنه از آدمك!

گزارش از : تبسم

از در کـه وارد می‌شویم ، طبق معمول ، چیزی که بیشتر ازهرچیز جلب توجه‌میکند تعداد پروژکتورهاست‌وپیچ‌وخم درخم‌سیم‌ها در وسط سالن ! از ظاهر امر پیداست کـه هنوز کار فیلمبرداری آغاز نشده است و هنوز وسائل کار مهیا نیست .

«هریتاش» کارگردان فیلم در گوشه‌ئی نشسته وچشم به صحنه‌ی نیمه‌تاریك دوخته‌و در فکر صحنه‌ئی است که‌در پیش‌است بعداز چند دقیقه مذاکره ،کیفیت کار فیلمبرداری مشخص میشود وهـمچنیـن معلـوم می‌شود که وسایل کار تا حدوداً یك ساعت دیگر آماده می‌شود .

بایستی نشست و منتظربـود، همه در تلاشند وجنب‌وجوش میکنند .هرکسی‌مشغول کاری است.

دور یـك میز مـدور چند زن و مرد نشسته‌اندوقمار میکنند.

در وسط سالن یك میز مستطیل شکل قراردارد که عده‌ی دیگری به‌دورآن جمع شده اند . تراولینگ در کنار پروژکتورها خیلی آسوده خفته‌است! دوربین درگوشه‌ئی دیگر کاشته شده وشخصی‌باآن کلنجارمیرود ولابد آماده‌اش میکند.

یك بار در گوشه‌ی سالن‌دوم منزل که به سالن اول مربـوط است ،دیـده می‌شود شیشه‌های خالی مشروب ولیوان‌های خالی‌و نیمه‌پر روی آن جلب توجه میکندو...

«هریتاش» در سکوت وآرام‌به‌این‌طرف وآن طرف میرود وبه کارکنان فیلم دستور هائی میدهد ودر میان این افراد ، چهره‌ی آشنائی‌هم دیده میشودکه بااو ازطریق‌عکس های چاپ شده در مجله‌مان آشناشده‌ایم . «سیامك دولتشاهی» در انتظار رسیدن زمان فیلمبرداری است وهربار که کارگردان او را در مورد نقشش راهنمائی میکند، سرا پا گوش میشود.

چند دقیقه بعد،عالمیان فیلمبردارفیلم هم وارد سالن میشود. به‌طرف دوربین‌میرود به آسیستانش‌در موردجزئیات کارتوضیحاتی می‌دهد. ضمناً دستورمیدهدکه‌تراولینگ‌رااز سالن خارج کنند .

این‌طورکه پیداست در پلانی که بـاید فیلمبرداری شود، احتیاجی به تـراولینك نیست ولی چند دقیقه بعد دوباره.تراولینك را وارد می‌کنند واین‌بار لابـد لزومش‌حس شده است.

دوربین روی تراولینك تنظیم‌میشود و درمقابل بار قرار می‌گیرد . « عالمیان » مشغول تنظیم نور است «هـریتـاش» با هر گشتی‌که به‌دور سالن می‌زند، قسمتی از کار را روبراه میکند. قرار است شیشه‌های‌روی بار که تعداد زیادی‌را شامـل‌مـی شوند، به همین صورت درکادر باشند ولی «عالمیـان» به«هریتاش» پیشنهاد میکنـد کـه از تعداد شیشه‌های مشروب کم‌کنند. بعد از مقداری بحث وپس ازآنکه «هریتاش» بیشتربه‌صحنه می‌پردازد، چندعدد از بطری‌هـای مشروب را ازروی بار برمی‌دارند .

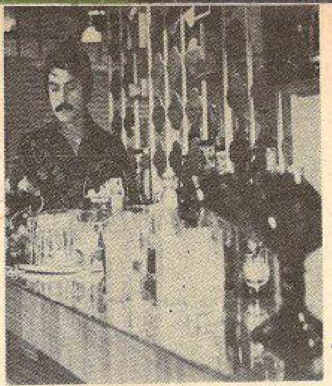
روبراه‌کـردن صحنه، دوساعـتی بطول می‌انجامد. حتی از ساعت شش‌بعد از ظهرهم چند دقیقه‌ئی‌گذشته است ولی‌هنوز عملافیلم برداری نشده است.

«هریتاش» بطرفم‌می‌آید و می‌گـوید ، **می‌بینید برای فیلمبرداری هر پلان چقدر معطل می‌شویم؟**

در این فکر هستم‌که حقیقـتاً چندین ساعت متمادی برای تنظیم جزئیات صحـنه، وقت صرف‌میشود واین‌موضوع‌درسینمای‌این مرزوبوم کمترسابقه دارد.

«هریتاش» دراین مورد توضیح‌بیشتری می‌دهد: **درممالك دیگر برای هردقیقه‌فیلم ممکن است بیش از بیست و چهـار ساعت وقت صـرف شود و فیلمبرداری یك فیلم ۹۰ دقیقه‌ئـی دقیقـاً ۹۰ روز به طـول می‌انجامد** وبعد هم اضافه می‌کندکه : **بااین حال ما بعضی روزها چهار دقیقه از فیلم راهم فیلمبرداری‌کرده‌ایم ولی این‌بستگی به موقعیت وشرایط مکانی‌آدمها وداستان دارد.** به تعداد کارکنان فیلم توجه می‌کنم . در ایران خیلی به ندرت اتفاق می‌افتدکـه مقدارکارکنان پشت صحنه تا این حـد زیاد باشد. «هریتاش» دراین مورد اینطور اشاره می‌کند: **«درآمریکا حتی‌گاهی اوقات‌چهل نفر در پشت صحنه مشغول کار هستند ولی**





شرح تصویر سمت چپ:
« خسرو هریتاش »
صحنه ای از فیلم را برای «ژاله، سیامك دولتشاهی و زری خوشکام» در فاصله دو صحنه از فیلمبرداری تشریح می کند.

یك پلان ازفیلم «آدمك» كه « سیامك دولتشاهی» بازیگر آنست ←



● اولین فرد ازسمت راست؟ازپشت صحنه فیلم «آدمك» فیلمبرداری میکرد، عالمیان پشت دوربین و «هریتاش» در تدارك يك‌صحنه ازفیلم.

البته تعدادی ازآنها هم زایدند»

در میان حاضرین کم کم سروکله‌ی «زری‌خوشکام» بازیگرنقش اول زن فیلم هم پیدا می‌شود که منتظرشروع فیلمبرداری‌است «هریتاش» توضیحات لازم را داده است و کم کم وقت تمرین فرا می‌رسد وپس از چند بار تمرین «هریتاش» دستور شروع کار را می‌دهد.

درب سالن باشتاب باز وجوانی داخل می‌شود. در همین موقع جوان دیگری که يك سینی چای به‌دست دارد وظاهرأمستخدم منزل درفیلم است، از در مجاور به جهت مخالف مسیرجوان اول حرکت می کند و لحظه‌ئی بعدآن دو درمقابل یکدیگر قرار می گیرند. مستخدم سلام می کند. جوان‌پاسخ اورا مـی‌دهد و مـی‌پرسد: **«کی‌ها اینجا هستن؟»**

ـ کات

فیلمبرداری نیمه‌کاره قطع مـی‌شود. هریتاش به جوانی که نقش مستخدم رابازی می کند می گوید که ازکنار دیوار عبورکند تا روبروی جوان اول قرار نگیرد.

دوربین مقابل بار روی تـراولینگ قرار دارد وصحنه‌ی برخورد پسر که سیامك نقش اورا ایفا می کند ومستخدم رامی گیرد.

دوربین همچنان ساکن است. يك بار دیگر نورتنظیم می‌شود.

دراین‌حال که صدای مـوتور دوربیـن فیلمبرداری دیگری به‌گوش می‌رسد که از فعالیت‌های کارگردان، کارکنان وفیلمبردار و سایرین فیلمبرداری‌می کند. اینطور که‌پیداست ازاین‌فیلمها درآینده به هنگام تهیه‌ی آنونس فیلم استفاده خواهد شد.

« هریتاش» ازنحوه‌ی بـازی مستخدم خوشش‌نمی‌آید ولبخندی به تمسخرمی‌زند و بعدازچند لحظه‌ئی مجدداً فیلمبرداری آن صحنه راآغازمی کنند. دراین‌حال، صدای‌دو دوربین‌فیلمبرداری‌به‌گوش‌می‌رسد.چه دراین فاصله فیلمبردار دوم‌نیز ازطرز فیلمبرداری فیلم، فیلمبرداری‌می کـنند؛ جوان، بعداز صحبت با مستخدم به‌طرف‌بارمی‌آید،دوربین همراه با اومی‌چرخد. ازپشت دیوار مشبك کناربار افـرادی راکـه دورمیزی نشسته و مشغول بازی باورق هستند. نگاه می کند. انگشتهایش را روی‌بارمی کوبد.

« هریتاش» سیـامك را مـخاطب قرار می‌دهد ومی گوید « **حرکت‌کن**»جوان‌لیوانی را برمی‌دارد، سه تکه یخ درآن می‌اندازدو مشروبی برای خود می‌ریزد. جرعه‌ئی‌ازآن را می‌نوشد. همراه اودوربین‌روی‌تراولینك حرکت می کند وتا نقطه‌ئی‌ازکـف سالن که علامت‌گذاری‌شده‌است‌پیش‌می‌رود. تراولینك خیلی سریعترازمعمول حرکت می کند.

« هریتاش» متوجه‌این‌سرعت غیرعادی می‌شود ودستورقطع فیلمبرداری‌را می‌دهد.

باید ازنوفیلمبرداری کرد.یکباردیگر عالمیان امورمربوط‌به‌خودرا کنترل‌می کند. دوباره صدای دوربین شنیده می‌شود وهمان حرکات قبلی‌تکرار می‌شود وسیـامك بنابه گفته‌ی هریتاش که از اوخواسـته بود موقع نوشیدن مشروب وقت راتلف نکند،سریعتر حرکت کند.لیوان‌مشروبش‌راهمراه باشیشه‌ی مشروب برمی‌دارد وبه‌طرف کاناپه‌ی کناربار می‌رود وروی‌آن می‌نشیند.این‌بارتراولینك حرکت نرم وآرامتری‌دارد.

درطول‌این‌مدت افرادی که‌دورمیز مذبور نشسته بودند کماکان مشغول‌بازی‌هستند. در میان‌آنها یکی‌دوچهره‌ی آشناهم‌دیده می‌شود ازجمله« ژاله» هنرمند رادیووسینما.

هریتاش وضع‌فیلمبرداری‌را ازعالمیان می‌پرسد وعالمیان‌توضیح‌می‌دهد که«فوکوس» خوب نبوده‌است.

یکباردیگرحرکت ازنوآغازمی‌شود.

عجیب است که‌هیچگونه اثری‌ازخستگی درسیمای حاضرین حس نمی‌شود.

دوربین بکار می‌افتد. جوانهابرخورد میکنند وحرفهای گذشته رد وبدل‌میشود.

جوان از مستخدم‌می‌پرسد**«کی‌ها اینجا هستن؟»** ومستخدم جواب میدهد: **« مینا خانوم با پدر ومادرشون تشریف‌آوردن، مادرتونم همراهشون بود.**

جوان دوباره می‌پرسد: **«کی آمدن؟»** ومستخدم پاسخ می‌دهد: **«بعداز ظهر»**. بعد از چنـد لحـظه دوبـاره بـه‌هنـگام حرکت تراولینك اختلالی دروضع عدسی‌ها پـدیـد می‌آید وبرای چندمـین بار فیـلمـبرداری تکرار میشود. بالاخره بار ششم گویا وضع رضایت بخش تراست واین‌موضوع‌ازحرفهای «هریتاش» به‌خوبی‌پیداست. بقیه‌درصفحه ۴۰

تاریخچه استودیوهای فیلمبرداری در ایران

-۵-

استودیو ایران فیلم

تا کنون در این سلسله مطالب تاریخچه استودیو های فیلمبرداری در ایران ، تاریخچه استودیو های «پارس فیلم ، میثاقیه ، عصر طلائی ومهرگانفیلم» را خوانده‌اید واینك تاریخچه یك استودیوی قدیمی دیگر ایران...

■ یکی‌ازقدیمترین استودیـوفیلمبرداری در ایران از«استودیوی‌ایران فیلم» می‌توان نـامبرد ، «استودیو ایران فیلم» در خاطرخیلی‌هـا با اولین محصول‌آن فیلم مـعروف «ولگرد» زنده میشودکـه درآن ناصرملك مطیعی و سوسن نقش‌های اصلی را بازی میکردند. ولگرددر سال ۱۳۳۰ نمـایش داده شد و پرفروش‌تـرین فیلم ایرانی درهنگام نمایش و حتی تا چند سال بعد از آن بود.

«غدیـری» مـؤسس ایران فیلم یکی ازاولین افـرادی است‌کـه برای تأسیس استودیو در کشور سرمایه‌گذاری کرده‌است و با آنکه اکنون بطورکلی ازفعالیتهای سینمائی‌بدور است همچنان دربین سهام داران استودیو ایران‌فیلم می‌باشد و درایـران فیلم سهیم است .

«غدیری» که‌باتشویق های پی‌درپی «ابوالقـاسم رضائی»، درسرمایه‌گذاری ایران فیلم اقـدام نموده بود دربدو امر وبلافاصله بعد از تهیه «ولـگرد» که «رضائـی» فیلمبردار آن بود اورا نیز در استودیو شریك نمود واین بخاطر اطلاعات‌فنی‌وتلاش‌فراوانی بودکه «رضائی» در مورد فعالیت «سینما» صـورت میداد .

«رضائی» که یکی از قدیمترین تکنیسین هـای سینمای‌ایران‌است‌وسالهای قبل از شروع تـهیه فیلم طویل سینمائی در تهران (بصورت‌رسمی)فعالیتهائی دراین زمینه داشته است ، نخست در مشهد فیلمهائی رادوبله‌کردکه بخاطرعدم وسایل‌فنی‌لازم نوارصدای دوبله شده‌با نـوار اصلی فیلم« پوزتیف» جدا بوده است وبهنگام نمایش دو نواربا علامتهائی‌که جهت تطبیق صدا روی آنـهـا گذاشته‌میشده است دستگاه ها بکار میافتاده است وچه بساکه‌بخاطراشتباه مسئول دستگاه نمایش،فیلم‌ونوار بطورجدا«ناسینك»حرکت میکردندواین‌باعث‌اختلال درنمایش‌میگردید‌بهرحال « رضائـی» بعـداز دوبله چند فیلم وتهـیه یك فیلم رنگی که نیمه‌کاره ماندددر سالهای ۲۷ ـ ۲۶ همراه « مهـدی رئیـس‌فیروز » کارگردان قدیمی فیلمهای ایرانی که‌آنزمان درمشهد درخدمت وظیفه بود و در فیلم نیمه کاره رضائی نیز بازی کرده بـود بتهران آمد نخست یکی ، دوفیلم ۱۶ میلیمتری‌رافیلمبرداری کرد وسپس‌بعدازآشنائیش با« غدیری»وتاسیس‌ایران فیلم بجرگه فـیلمسازان انگشت‌شمارآنروز«۱۳۳۰» درآمد درحالیکه درتاسیس استودیـوی دیگـری بنام « البرز» بایکی‌دونفردیگر شریك بودولی‌بعدازگسترش کارایران فـیلم استودیو البرزباکناره‌گیری«رضائی» خودبخود منحل و تعطیل شد .

درایران فیلم بعداز موفقیتی‌که اولین محصول آن «ولگرد» بدست‌آورد فیلم‌دیگری ساخته شد‌بنام « پایان رنجها » که این فیلم را نیز«رئیس‌فیروز» کارگـردانـی‌و« رضائی » فیلمبرداری نمودند و در آن مهین دیهیم ،آزاده و منوچهر زمانی نقـش‌های اصلی‌را بازی میکردند .

پایان رنجها باآنـکه از کوشش‌های‌مثبتی درآنزمان برخوردار‌بود ودرفستیوال فیلمهای ایرانی در سـال ۱۳۳۳ بـعنوان بهترین فیلم شنـاخته شـد معهذا نتوانست از نظر مالی و تجارتی‌موفقیتی‌دربرداشته باشد بهمین‌جهت «غدیری ورضائی» بعدازنمایش‌آن ترجیح دادند ایران فیلم را بیك استودیو دوبلاژ که‌آنموقع‌میرفت‌تا کاردوبله در ایران رونق پیدا کند تبدیل نمایند .

بین‌سالهای‌سی‌وچهار تاچهل دو استودیو ایران فیـلم‌یـکی‌از پـرکارترین استودیو های دوبلاژ کشور بودکه‌معروفترین‌وبهترین دوبلورهای امروز کارخود را ازایران فیلم‌آغاز کرده‌اند دراین‌استودیو طی‌سالهای یاد شده بیش‌ازصدها فیلم به فارسی دوبله شـده‌است که تامدتی« رضائـی» در دوبله‌آنها نظارت داشت و سپس‌با تـربیـت مدیران دوبلاژکارآزموده این‌وظیفه به‌آنها محول گردید .

ازسال ۴۲ که‌باردیگر کارفیلمسازی‌در کشوررونق گرفت‌استودیوایران‌فیلم‌که ازهرجهت‌مجهزوتکمیل‌بود دراختیارتهیه کنندگان با نام قرار گرفت بطوریکه در هفت سال گذشته بیش از دویـسـت فـیلم توسط این تهیه‌کنندگان درآنجا تهیه شده‌است .

استودیو ایران فیلم علاوه برمحل همیشگی و دائمی خود واقع‌درخیابان بهارکوچه بدایعی کـه در آنجا کـلیه وسـایل فـنی استودیـو مثل مـوویولا ، لابراتوار ، چاپ ، صداـ برداری ، و غیره قـرار دارد یـك محل بـزرگ پلاتو نیز درجاده شمیران دراختیار داردکه‌آنجا را چند سـال قبل صـاحبان ایران فیلم‌که از صاحبان یك استودیو ورشکست‌بنام ویلا فیلم خریداری‌نمودند از میان فیلمهائی‌که تهیه کنندگان‌مختلف‌در«ایران فیلم» سـاخته شده اینهـا هستند :

«گنج قارون، طلای سفید ، گرگهای گـرسنه ، موطلائی شهرما ، مـأمور ۰۰۰۸، امروز و فردا ، سالار مردان ، پسرزاینده رود ،آفتاب مهتاب، پنجه آهنین ، وسوسه ، چـرخ بازیگر، پهلوان‌پهلوانان رودخانه وحشی، آشوبگر، رابطه، راهی بسوی خدا ، قصه شب‌یلدا، دلاوردوران رسوا، ضـرب شست ، من شوهـرمیخوام ، وسوسه ، رستم درقرن اتم ، رنگین کمان،ماه‌عسل، شکارانسان، خداحافظ رفیق، شب‌عروسی سه‌تاجاهل، آتشپاره‌ی‌شهر، پیشتازان ، خردجـال و خیلی فیلمهای دیـگر را نامبرد. البته هما نطورکه ذکرشد تمامی این فیلمها با سرمایه تهیه‌کنندگـان دیگر بجز صاحبان اصلی خود «ایران‌فیلم» درآنجا تهیه شده‌است .

«ابوالقاسم رضائی» سه‌سال قبل‌ازمراسم حج‌در مکه شخصاًفیلمی‌ساخت‌بنام «خانه خدا» که جهت‌فیلمـ برداری و تهیه آن چند فیلم‌بردارمثل‌احمدشیرازی، عباس‌دستمالچی ، اسماعیل دین‌محمدی‌وهم‌چنین«جلال مقدم» با او به مکه سفر نمودند وبهمین‌جهت است که‌حالاگهگاه دوستان‌مثلا به «جلال مقدم» میگویند «حاجی مقدم!»

فیلم مستند خانه‌خدا توانست با استقبال زیادی در کشورهای‌اسلامی‌وهمچنین بعضی‌از کشورهای اروپائی و آسیائی مواجهه گردد . بعد از نمایش خـانه خدا بودکه « رضائی » تصمیم گرفت‌از روی کتاب‌معروف «مأموریت‌درتهران» نوشته تورج فرازمند یـك فیلم بین‌المللی‌بسازدوکارگردانی آنرا پسر اوکه تحصیلات سینمائی‌خودرادرانگلستان بپایان رسانده بود انجام دهد وهمچنین فیلم‌دیگری با شرکت نورمن ویزدام بسازد وچون مشکلاتی در این راه پیش‌آمد درنتیجه از تهیه آنها منصرف شد.



ژان پل بلموندو

اورسلا آندرس

زشت و.. ...زیبا

● یك خبرنگار ایتالیائی طی مطلبی که درباره «ژان پل بلموندو» و «اورسولا اندرس» نوشت خاطرنشان کرده است، که یك هنرپیشه زن علیرغم تمام موفقیت و محبوبیتش و علیرغم تمام بی‌اعتنائیش بمردان همیشه گرفتار عشق خواهد بود و هرگز نمی‌تواند خود را اززنجیر پولادین آن رهائی بخشد. این امراکنون واقعاً درمورد «اورسولا اندرس» صادق است و آغاز فیلمبرداری آخرین فیلم «بلموندو» تحت عنوان (زوجهای سال دوم) نگرانی شدیدی برای اورسولای زیبا بوجود آورد زیرا ژان مجبور بود برای مدتی او را ترك کند وجهت شرکت درفیلم مذکور به بخارست سفرنماید. درحقیقت این نگرانی چندان بی‌سبب نبود زیرا وجود زیباروی دیگری با نام «مارلین ژوبر» (ستاره فیلم‌های «مردی که ازباران آمد» و «قوزك پا») باعث این نگرانی شده بود وازآنجاکه «اورسولا» وجود «ژوبر» راکاملا نگران کننده یافته بود لذا راهی «رومانی» شد وتاپایان فیلمبرداری با «بلموندو» دوام آورد.

وبدین ترتیب «اورسولا» همچنان رشته های ۶ساله دوستی وعلاقه خود با «ژان» را حفظ کرد. آشنائی آندو بهنگام بازی در فیلم (گرفتاری یك چینی درچین) آغاز شد ولی بعدازاندك زمانی آن بی‌قراری که در وجود (بلموندو) بوداز بین رفت واورسولا بعد ازآن نتوانست بآسانی در کنارش زندگی کند وهمیشه میان آندوجدائی بود وژان پل بلموندو مجبور بود بخاطر حسادت بی حد اورسولا در مسافرتهایش اورانزدخانواده‌اش بگذارد شاید یکی ازعلل مهم که باعث شد ژان پل بلموندو همچنان در کنار اورسولا بماندوجود پدر ومادرش باشد. بخصوص پدرش که از مجسمه‌سازان متبحر و معروف میباشد «اورسولا» ی قشنگ را خیلی می‌پسندد و میگوید که اوزنی است زیبا و سحرانگیز، دوست‌داشتنی وخوب-متین ومؤدب، کدبانوئی است که‌خیلی خوب میتواند جای خالی «الودی» (همسر سابق ژان پل بلموندو) را نزد «ژان» پر کند.

هر چند که «اورسولا»ی زیبا هیچگاه ژان پل» زشت راتنها نمیگذارد ومیخواهد بهرقیمتی شده، حتی کناره‌گیری از «سینما»، «ژان پل بلموندو» را جهت خود حفظ کند، معهذا «ژان» عملا از «اورسولا»ی زیبا کناره گیری می کند و این شاید به جهت احساس گناهی باشد که وی با اتکاء به هوس خود و گرایش به‌سوی «اورلا آندرس» ناچار از ترك همسرش «الودی» وسه فرزندش شد وهرچند که بی‌میل نیست که «اورسولا» را رها کرده ومجدداً خانواده‌ش را جمع آورد، اما نه «اورسولا» این فرصت را برای رهائی به «ژان» می‌دهد و نه «الودی» قصد آن دارد که این فرصت را برای تزکیه نفس «ژان» ایجاد کند» !.



بچه‌رزمری (رومان پولانسکی)

ROSEMARY'S BABY

محصول سال ۱۹۶۸ کمپانی پارامونت ــ تکنی کالر ـ کارگردان رومن پولانسکی ـ بازیکنان : میافارو ـ جان‌کاساویس ـ راث گوردون ـ سیدنی بلك من ـ موریس ایوانز ـ رالف بلوی ـ آنجلادوریان ـ الیشا بوك ـ مدیر فیلمبرداری : ویلیام فریکر ـ موزیك از : کریستوفر کومدا ـ سناریست: رومن پولانسکی ـ براساس داستانی نوشته‌ی ایدالوین ـ تهیه کننده ویلیام کسل .

چقدر بعداز بیدار شدن از یك خواب غیر عادی یاخواب‌های ناخوش آیندی که دیده شده ،از اینکه همچنان‌در آن دنیای‌موهومی نیستیم، خوشحال میشویم ؟ خروج از سینما ، بعداز مشاهده « بچه رزمری» برایمان همین وضع‌را پیش می‌آورد . با این تفاوت که‌این بار رغبت دیدن این دنیای موهومی را برای دفعات بیشتر ، بازهم داریم .

تصاویر «پولانسکی» در مجموع دقیقا حکم توهمات خود ما را داراست ودرآن کلا همچون فیلم قبلی «پولانسکی» ، « ببوس ولی گازم نگیر» ،ذهنیات بامعنای کلی کلمه نهفته است .ولی همانطور که یك رویا، یك‌خواب، یك وهم ، ترکیبی از حقایق زندگی وتصور است ، فیلم «پولانسکی» نیز مرکب از دوعنصر حقیقت وتصور است بدین ترتیب کارگردان در نیمی از فیلم ،عناصر اثرش را بین‌این‌دو قطب وتضاد نگاه می‌دارد ولی سرانجام ـ بی‌اینکه لازم‌باشد داستان را از روی مسیر منطقی اش دنبال کنیم تابه سرانجامی برسیم ـ حقیقت را برتصور غالب میکند . یعنی اگر مواردی نظیر کادری که درآن ، صورت شوهر رزمری باوصفی‌وحشتناك وظاهراً زخم دیده شاید نشانه‌ئی است ازشیطان ــ در«تصور ـ حقیقت» زن دیده میشود که میتواند ، فیلم را کاملا از آن وهم وخیال زن به نظر برساند، موارد بسیار زیادی هم پیش کشیده میشود که در بطن آنها حقیقت در فیلم بر تصور چیره می‌گردد ونکته‌ی قابل تعمق فیلم‌هم ،درهمین است .

چه، ایده‌ی پولانسکی وفکر اوایجاب میکرده است که‌ماجرا های فیلم برای «رزمری» اتفاق افتاده باشدوصرفاً تصورات او نباشد وبا این‌حساب ، وقایع برای «رزمری» ناشی ازافکار زمان حاملگی نیست و درهمان شهربزرگ ووسیع و امروزی ، با ساختمانهای بلند (که پولانسکی شباهتی بینشان با ساختمانهای فیلم ببوس ولی گازم نگیر پیدا میکند) به‌وقوع می‌پیوندد.

اینبار «پولانسکی» نسبت به‌فیلم «ببوس‌ولی‌گازم‌نگیر» رو به زمینه‌ی قابل فهم‌تر ودرعین‌حال بازتری آورده است . فضای خون‌آشام‌ها اگرچه از طریق فیلمها ، فضای بالنسبه آشنائی است ولی استعاره های موجود در آن به‌زعم واضح بودن ظاهریشان ، به سختی شناسانده می‌شوند . در حالی‌که در «بچه رزمری» این استعاره‌ها، در کیفیت واضح تری قرار دارند . درحقیقت دوری زمینه‌ی فیلم «ببوس ولی‌گازم نگیر» ازمفاهیم‌آن (باوجود نزدیکی که درظاهرشان حس می‌شود) سبب می‌گردد که فیلم ، دیرتر بازشود ولی باوجود این در «بچه رزمری» نزدیکی زمینه ومفاهیم سبب توفیق اثرمی‌شود . چه ، تلفیق حقیقت وتصور مستلزم این نزدیکی بوده است .

از تلفیق حقیقت و تصور برای پولانسکی، مبارزه‌ی ماده و معنا یعنی مبارزه‌ئی‌که احتمالا ذهن خود اورا مشغول داشته است ، عاید می‌شود. به همین منظور دراستخوان بندی اثـرمتقابل یك ماده ومعنای ازلی وابدی رامی‌گنجاند (دراینجا مسلماً برای من‌معتقدات مذهبی‌خودمان مد نظرنبوده است) این ماده ومعنا ، درحقیقت‌شیطان و خدا هستند .

از دو فیلم «ببوس ولی‌گازم‌نگیر» و«بچه رزمری» اینطور استنباط می‌شودکه «پولانسکی» از یکطرف معتقد به‌وجود شیطان در وضعی‌کاملا ملموس ومادی است. یعنی عنصر مادی آثارش ، خود در حالتی مادی ظهور می‌کند. (خون‌آشامها درفیلم اول و بدن پشم‌آلود موجودی‌که هم بستر زن می‌شود درفیلم‌آخر) واز طرف دیگر نسبت به عنصر ونیروی معنوی درآثارش‌کم توجه است وحتی آن را به باد استیضاح هم می‌گیرد .

(انگشتری‌که پاپ ، درذهن رزمری به‌دست دارد وازجنس گردن بندی است‌که پیروان شیطان به‌او هدیه داده‌اند) بدین ترتیب درکنار استیلای حقیقت برتصور درفیلم ، ماده به‌معنا چیره ونتیجتاً شیطان، سمبل ماده ، محوراصلی فیلم می‌شود.

این ایده ، عیناً از شخصیت رزمری، پیاده‌شده است . یعنی ، «پولانسکی» شخصیت‌خاص «رزمری» را عملا تم فیلم خودقرار داده است وبقیه‌پرسوناژها، عناصرفرعی وکمکی هستند.

نحوه‌ی پیاده کردن ایده‌درزندگی«رزمری» یکی‌از عواملی است که‌کار پولانسکی را باارزش میکند قطب‌معنوی وگرایش رزمری به‌سمت این‌قطب درگذشته‌ی او قرارداده شده‌ولی درزمان حال‌فیلم ، شیطان ومابقی قضایا پیش پایش قرار میگیرد وبا نتیجه‌ئی‌که «پولانسکی» درپایان فیلمش ازقطب مادی میگیرد (جمع‌آمدن پیر و جوان وحتی با ملیت‌های مختلف به‌عنوان شیطان پرست) عیناً شبیه فیلم قبلیش (اجتماع خون‌آشام درپایان فیلم) حاکی از یك فکر خاص‌درمورد جوامع‌امروز است.

مرگ‌معنا وجان گرفتن ماده، (شایدبه تعبیری حتی در اخلاقیات امروزما) مد نظرپولانسکی بوده است. خون‌آشامان در « ببوس ولی‌گازم نگیر » وپیروان شیطان از «بچه‌رزمری» درواقع استعاره‌هائی میتوانند ازبرای‌بیان حال جوامع امروزباشند ولی «پولانسکی» حرفش‌را باچنان قاطعیتی بیان‌میکند که معنای‌سمبولیك کلام‌خودرا محوو پنهان میکند .

تلقی «رزمری» درمورد مذهب یکبار برسرمیز شام درکنار شوهرش و «رومن» مرد پیر شیطان پرست ویکبار دیگر دررؤیاهای

بقیه درصفحه ۴۱

درباره‌ی: سازمان سینمائی چهلستون بیشتر بدانیم.

«سازمان سینمائی چهلستون» یك سازمان تولید و توزیع جوان سینمائی کشوراست و به‌زعم جوانی این سازمان مسئولین و اداره کنندگان آنها را فکرهای با تجربه و با سابقه چندین ساله سینمائی اداره می‌کند.

مسئولین «سازمان سینمائی چهلستون» در وهله اول درصدد تهیه فیلم‌های متعدد وفراهم آوردن یك سطح کمی برای سازمان جدید‌ـ التاسیس برای شناسائی بیشتر آن بر آمدو فیلم **«قصه دلها»** بکارگردانی «حمیدمجتهدی» و با شرکت «ناصر ملك‌مطیعی و فریبا خاتمی» که در اوائل سزون سینمائی سال گذشته نمایش داده شد، شروعی براین هدف بودو بلافاصله تهیه سه فیلم دریك زمان آغاز گردید ابتدا فیلم **«زیبای جیب بر»** بکارگردانی «رضاصفائی» که باشرکت «پیمان ولی‌لی» وسپس فیلم **«آسمون بی‌ستاره»** را باشرکت «منوچهر وثوق، گوگوش، جمشید مشایخی و سپهرنیا» بکارگردانی «حمید مجتهدی» وهمچنین فیلم **«بده در راه خدا»** باشرکت «ظهوری، میری، کتایون، مختار» بکارگردانی «رضاصفائی» که این دو فیلم آخری اکنون آماده نمایش است و فیلم «زیبای جیب بر» که توفیق مادی قابل توجهی نیز بهمراه داشت چندی پیش روی پرده آمد.

در اواسط سال جاری مسئولین «سازمان سینمائی چهلستون» که کمیت حائز اهمیتی به سطح تولید سازمان خود داده بودند، تصمیم به تبدیل روش و اتخاذ راههای تازه که در بدو تاسیس سازمان زمانش ـ پیش‌بینی شده بود ـ گرفتند و در تصمیمات تازه «کیفیت» مهمترین مسئله مورد گفتگو بودو بطوریکه «حمید مجتهدی» مدیر مسئول «سازمان سینمائی چهلستون» که از جانب اعضاء شرکت مزبور برگزیده شده‌است اظهار میداشت این طریق از این پس تعقیب خواهد شد بطورکلی «سازمان سینمائی چهلستون» همانطوریکه پیش‌بینی شده بود، اقدامات و برنامه های خود راصورت‌داده و



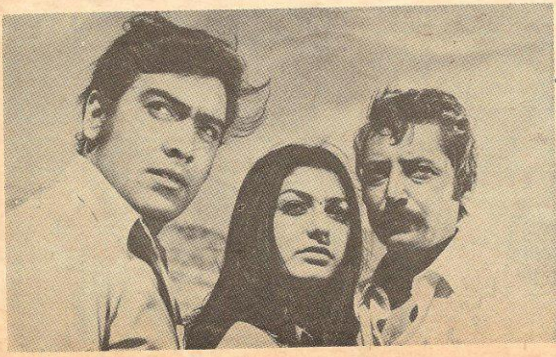
● «فردین» و «پوری بنائی» در «یك خوشگل و هزار مشکل»

از این پس دنباله فعالیت‌های خود را در تهیه و توزیع فیلمها بصورت سازمانی گسترده و کامل ادامه خواهدداد. «حمیدمجتهدی» درباره فیلم «یك خوشگل و هزار مشکل» وهمچنین برنامه های آینده این سازمان چنین اظهارداشت:

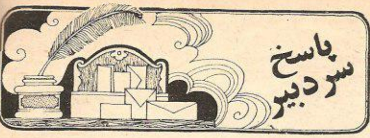
«یك خوشگل وهزارمشکل» در سینمای ایران، بعنوان یك فیلم خوب، با داستان تازه و پرداخت نوئی‌که دارد، مسلما درردیف آثار جنجالی و موفق سینمای ایران قرار خواهد گرفت «یك خوشگل وهزارمشکل» یك فیلم «سکوپ رنگی» است که در آن سرشناس‌ترین هنرمندان سینمای ایران نظیر «فردین، پوری بنائی، آرمان، خیاط‌باشی میری، علی تابش» و گروهی دیگر درآن شرکت دارند.

«سازمان سینمائی چهلستون» درحال‌حاضر فعلا آماده‌ترین پروژه‌ای که برای تهیه فیلم‌دارد اثری است با عنوان «سه یار دبستانی» که بوسیله خود من کارگردانی وفیلمبرداری خواهد شد، سناریوی این فیلم را «بهرام ری‌پور» می‌نویسد و در آن «سپهرنیا، گرشا، متوسلانی» شرکت دارند. وسایر پروژه‌ها درحال حاضر قطعی تعیین نشده و بزودی دقیقا معین خواهدشد که درزمان خود اطلاعات لازمه را باطلاع خواهیم رساند.»

● منوچهر وثوق، گوگوش، جمشید مشایخی، درصحنه‌ای ازفیلم «آسمون بی‌ستاره»







آقای حسین دانشور فرزانگان

۱- از هنرپیشگان فیلم مزبور بی‌اطلاعیم‌زیرا تاکنون‌چندبارهنرمندان آن‌عوض شده‌اند ۲-از بیك‌ایمانوردی فیلمهای دلقکها ، رستم در قرن اتم، راهی بسوی خدا ، احمد چوپون ، فاتحین صحرا ، برای‌که قلبها می‌طپد آماده نمایش است و از ملك مطیعی فیلمهای سه‌قاپ ، سالار دهکده،مشکل دخترها ۳- فیلم‌گنج قارون در حدود ۲/۰۰۰/۰۰۰ میلیون ریال درمدت‌چند سالی که از تهیه آن میگذرد فروش داشته واین بزرگترین رقم‌فروشی‌است که یك فیلم در ایران بدست آورده است .

آقای اسماعیل همتی

از طرف بیك ایمانوردی ازشما تشکر می‌کنیم. ایشان‌کمتر بدفتر مجله مراجعه می‌کنند و کار زیاده از حد فرصت نمیدهدکه بدیدار علاقمندانش موفق شود ، معهذا در فرصت مناسب ترتیب ملاقات شما را خواهیم داد ، درضمن مطلب ارسالی شما فعلاچاپش مقدور نیست .

آقایان وارطان‌آوانسیان ـ علی اصغر اصفهانی وشاهین‌جانس

۱- ازمحبت‌شما ممنونیم‌تشکرات متقابل ما را بپذیرید ۲ - نامه‌های دریافتی خوانندگان بترتیب‌نوبت پاسخ داده می‌شود، حتما نامه شمارا دریافت نکرده‌ایم ۳ - نه ، چون تا اوائل اسفند چاپ تصاویر چهره‌ها بطول‌می‌انجامد و در شماره ۳۱۸ بعلت کثرت آگهی‌چاپ صفحه مسابقات‌میسر نشد .

آقای سیدمصطفی جلیل‌زاده

حرفهای شما منطقی و مستدل بود ولی دربعضی مواقع درشرایطی قرار میگیریم که ناچار بانجام آن هستیم : درمورد مطالب آن شماره و تصاویر متعدد ملك‌مطیعی ناچاریم بگوئیم قسمتی از آنها آگهی بود و به دستور صاحب فیلم بجای چاپ آگهی عکسها را چاپ‌کردیم‌که اتفاقاً مصادف باعکس رنگی اوشد والاقصد دیگری در میان نبوده ،اما در مورد هنرپیشه‌های گمنام مقصود شما را درك نکردیم ، کسی که هنرپیشه‌است ونقش اول بازی میکند معروف است، منتهی فیلمسازان‌میکوشند که‌ازچهره‌های پولساز استفاده‌کنند ۱ ـ مصاحبه باهنرپیشگان رادیو بعلت درگیری آنان باکاررادیو سخت است ، معهذا بچشم ۲ــ آقای مختار بانتشار مجله ماهانه ستاره سینما مشغولندو فرصتی برای همکاری با ما ندارند . سایر سئوالات خود را در نامه بعدی‌مطرح فرمائید .

آقـای غلامحسین عیسـی‌زاده (تبریز)

۱- ازبررسی دقیق شماممنونیم. مادلمان میخواهدکه فیلم‌وهنر رابفرم کنونی نگاهداریم ولی اگر امکانات مادی اجازه‌دهد.درهرحال‌خوشحالیم که دوره جدید مورد قبول شما و دوستانتان قرارگرفته است . تلاش خواهیم نمود که آن را بهمین‌صورت ادامه دهیم ۲- نویسندگی ـ شعر ـ نقاشی ـ مجسمه سازی ـ تئاتر ـ موزیك‌شش هنر اولیه هستند وسینما هنرهفتم ۳-ابژکتیو(عینی) ـ استتیك (علم‌زیباشناسی) اروتیسم (مکتب طرفداران حماسه) و ایده‌ئولوژی (هدف و مقصد) است .

آقای کریم‌حاجی‌محمدی

صفحه از خوانندگان را فعلا حذف کرده‌ایم ، بنابراین مطالب‌شما مورد استفاده نیست . ما را خواهید بخشید .

آقای رسول‌قاهری

درشماره‌گذشته پیرامون‌مسابقات بتفصیل صحبت‌کردیم بآن‌مطلب‌مراجعه فرمائید . دستمزد جمشیدآریا ۸۰۰۰۰ ریال است وبیك‌ایمانوردی درحدود ۳۰ فیلم بازی‌کرده است.

سپاس و تشکر

● ازصاحبان‌سینماهای شهر طلائی ،سپیدرود، خیام ، آبشار، قصرزرین‌متشکرهستیم که‌فیلم‌هائی‌مانندرضاموتوری، پنجره، طوقی، رقاصه، لیلی مجنون، مردی ازجنوب‌شهر، راهمزمان با تهران در این شهرستان به نمایش آورده است وامیدوارم که باین روش عالی‌خودادامه دهندتاماشاهد دیدن فیلم‌هائی چون سه‌قاپ، پل، ایوب، فریاد، پهلوون‌مفرد ودرختها ایستاده‌میمیرندهمزمان با تهران باشیم.

بهرام حاتم (رشت)

آقای ناصر مرادی‌مطلق محمدعلی‌روغنی‌زاده (اصفهان) اسداله ربانی (آمل) - علی اصغر سنگی (کهریزک) - محمد افشار - صمد پیروی - افشین شریفی - اژدر نساج (مشهد) خلیل‌اله غزلی (مریوان) فضل‌اله نخیه (بهبهان) مصطفی محمدی (مراغه) - محمداسمعیل کرباسی - علی‌حسین‌خانجانی غلامرضا نظافت (مشهد) - کیومرث نوری موسی (آغاجاری) - ابوالفضل‌جوری‌آبادی (گناباد) ثناالهسمیعی (شاهی) اسداله رضوی (شیراز) - اکبر زارع بهرام‌آبادی (اصفهان) هوشنگ گودرزی - بهرام‌حاتم (رشت) - نعمت‌اله رفیعی (اصفهان) - نامه‌های‌شمارسید متشکریم، منتظر نامه‌های شما هستیم .

خانم بهجت‌زردوست

متأسفیم که نمیتوانیم آدرس منزل و تلفن بهروز وثوقی رادراختیار شما قرار دهیم ، زیرا این کار جز دردسر نتیجه‌ای برای او ندارد . اگرمایلید باوی مکاتبه داشته باشید بآدرس‌صندوق‌پستی ۱۹۴۷ نامه ارسال دیدار.

آقای آیت‌الله‌ولی‌زاده مهربانی

بارها در همین صفحه فروش فیلمهای لیلی‌ومجنون، رقاصه - طوقی رضاموتوری ومردی از جنوب شهر را نوشته‌ایم ، بشماره‌های گذشته مراجعه فرمائید فیلم فاتحین صحرارا نیز بهار آینده نمایش خواهند داد .

دوشیزه نسرین امیری - رویا شیرین و۲۱ نفردوستان

۱-فیلم کوچه‌مردها از این‌هفته بمعرض نمایش در خواهد آمد ۲ - فردین در حال حاضر پولسازترین چهره سینمای ایران است ۳- عکس و مطلب از فردین را این‌شماره‌مشاهده میفرمائید ۴- گنج قارون بزودی به مرز ۲۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال خواهد رسید .

ملك مطیعی هنرمند محبوب من

بسیارخرسند ومسرورم که کسی را بعنوان هنرمند محبوب برگزیده‌ام که واجد تمام شرایط یك بازیگرواقعی‌میباشد.

به هنرمندی عشق میورزم که نامش‌مترادف است‌بادریائی بیکران از هنرو استعداد و او جز ملك مطیعی چه کسی میتواند باشد ؟

ملك مطیعی از زمانیکه نهال سست و لرزان سینما در مملکت ما کاشته شد باآن نهال‌تازه پا تا بامروزهمگام‌بوده و در هرشرایطی مانع ازاین شده‌که تندبادی‌آن نهال کوچك‌راسرنگون سازد .

اوبودکه سبب شد سینمای ما نضج وتوسعه پیدا کرده و آن نهال‌کوچك بدرختی تناور وستبر مبدل‌گردد . و در اینمورد میتوانیم ازبازی جالب و انقلابی ملك مطیعی در فیلم معروف (ولگرد) نام ببریم که چگونه سینمای ایران‌راکه روبانحطاطو نیستی میرفت ازسقوط و ورشکستگی‌حتمی نجات داده و آبرو و اعتباری‌برای‌آن‌کسب‌نمودواستقبالیکه‌مردم‌آن زمان‌ازملك‌مطیعی کردند تاکنون درسینمای ایران بی‌سابقه بوده‌است وهیچگونه‌غلو نکرده‌ایم‌که بگوئیم « نیمی‌از سینمای فارسی مدیون ملك مطیعی است » هم طبقه روشنفکروهم طبقه عامه ونیزمنتقدین خوبمان اکثرا درباره ملك مطیعی متفق‌العقیده هستندکه وی بازیگریست بمعنای واقعی‌هنرمند. مدت یکربع قرن استکه اززندگی باشکوه وافتخارآمیز اودرسینما میگذرد. ووی همچنان محبوب‌القلوب باقی مانده وگذشت اینمدت طولانی‌نتوانسته خدشه‌ای درمحبوبیت وموفقیت او وارد سازد.

درمورد تیپها ونقشهای متنوع ومختلف این هنرمند دوست داشتنی‌باید‌گفت‌که تنها لقب مرد هزارچهره برازنده‌اوست. چه بدون شك درسینمای ما ملك مطیعی تنها هنرپیشه ایستکه هر نقشی را با مهارت زیاد ایفانموده است.

خلاصه‌کلام درباره ملك مطیعی توان گفت‌که افتخاریست برای سینمای فارسی و سینمای ما باید بخود ببالدکه هنرمندی چون او دارد . وجادارد‌که بیشتر از اینها از این مرد استثنایی سینما تجلیل‌وقدردانی بعمل‌آید.

محمد حسین علیجانی (قزوین)

«ظهوری» از سینما کناره‌گیری کرد - جراید



دربان استودیو : بازم که از اینطرفها ؟
ظهوری : اومدم دنبال ویتامین !

آقای خلیل ولی‌نژاد

۱- فیلم‌ایوب‌قراراست‌درنوروز وفاتحین صحرا دربهارآینده بمعرض نمایش در آید ۲ - آسیستان بمعنی کمك است و آسیستان کارگردان‌یعنی کمك کارگردان ۳- اولین فیلم بهروز وثوقی گل گمشده نامداشت که برای شرکت در آن ۱۵۰۰۰ ریال دستمزد گرفته بود.

آقای میرحسین‌عدالت حقی

۱۲ ریال تمبر باطل نشده و آدرس دقیق خود را ارسال داریدتا شماره مورد نظر برایتان فرستاده شود .

آقای جهانگیر بابائی

صفحه مورد علاقه شمارابزودی بصفحات فیلم وهنر اضافه خواهیم کردومطالبی پیرامون‌گروه موردنظر شما درآن چاپ خواهد شد . موفق وکامیاب باشید.

آقای افشین صادقی

دفتر کار ساموئل خاچیکیان هنوز رسماً افتتاح نشده‌که آدرس‌آن را چاپ‌کنیم. آدرس سازمان‌هائی که خواسته‌اید عبارتست از مهرگان‌فیلم (شهرآراء) ایران فیلم (خیابان‌بهار - کوی سمنان) سازمان پیام (خیابان بلوار - خیابان هما).

دودوربین در پشت یك (بقیه)

بعد ازقطع فیلمبرداری فرصتی برای استراحت کارکنان پیش می‌آید.

دراین فاصله از « هریتاش» در مورد صحنه‌های امروز می‌پرسم می‌گوید :**«تقریباً صحنه‌های آخرفیلم است»** وبعدبا کارگردان وهنرپیشه های مرد وزن اول فیلم به‌صحبت مشغول میشویم.

از «هریتاش» نظرش‌را درموردشخصیت های اول فیلم ـ دختر وپسر ـ می پـرسم. اینطور پاسخ میدهد : **« این دو ، سمبـل جوانان امروز ما هستندکه سعی‌میکنند خودشان را با محیط وفق بدهـندو در واقع با چیزهائی‌که خودشان‌نخواسته‌اند ولی برایشان خواسته شده است ، مبارزه کنند.**

هریتاش هیچگونه توضیح دیگری‌نمی دهد ومی‌گویدکه **بایستی فیلم‌را دید.**

از « زری خوشکام » در مورد شخصیتش در فیلم می‌پرسم ، ازگفته هایش پیداست‌که کاملا از نقشش راضی‌است. سیامك دولتشاهی در پاسخ همین سئوال ، اینطور می‌گوید :

« من به این شخصیت خیلی علاقمند شدم وسعی‌کردم تا آنجائی‌که ممکن‌است، همان‌کسی باشم‌که از من خواسته‌اند.»

صحبت را به‌اتمام می‌رسانیم. «عالمیان» نور را برای صحنه‌ی بعدتنظیم کردەومنتظر هریتاش است تا در مورد صحنه تذکراتش را بدهد.

«هریتاش» ، به طرف میز قمار می‌رود وبه بازیکنان می‌گویدکه چطور بنشینند. اینطورکه‌پیداست ، این‌بار دوربین‌درابتدای کار درست درمقابل میزقمار روی‌تراولینگ قرار دارد . سپس‌کارگردان به سیامك‌که در پلان بعدی نیز بازی دارد ،کیفیت نقشش‌را بازگو می‌کند.چند دقیقه‌ئی به‌طول‌می‌انجامد تا جزئیات آماده می‌شود ، حال موقع تمرین فرا می‌رسد .

«هریتاش» خودش تراولنیگ‌رامی‌راند تا حرکات دوربین نرم باشد .

عالمیان از پشت دوربین میز قمار را زیر نظر می‌گیرد وبعد در مورد جابجاشدن حاضرین پیشنهادهائی می‌کند. تمام مقدمات کار آماده است .

صدای دوربین‌کوچك به‌گوش می‌رسد ولی هنوز فیلمبرداری اصلی آغازنشده‌است. هریتاش دستور شروع‌کار را می‌دهد.

صدای دوربین اصلی به‌گوش می‌خورد.

پس از چند لحظه‌ئی‌که از فیلمبرداری میز قمار می‌گذرد تراولینگ به سمت عقب کشیده می‌شود.

دوربین از سمت میز دور می‌گرددوبعد از طی یکی دو متر ، تراولینگ نود درجه می‌چرخد وبه موازات بار حرکت می‌کند.

فیلمبرداری‌قطع‌می‌شود. گردش‌تراولینگ حرکت نرم وراحتی نداشته است .

دوباره دوربین درمحل قبلـی است . تراولینگ به سمت عقب‌کشیده میشود وبعد ازچند لحظه ، بعدازگردش نود درجه‌ئی به سمت بار پیش میرود. در کنار بار سیامك درحالی‌که‌بطری مشروب ولیوان را دردست دارد، نشسته است . به محض اینکه دوربین درمقابل او قرار می‌گیرد، ازجابلندمیشود وازراهی‌که در پلان قبل آمده بود میگذرد وبه سمت دری‌که درکنار در قبلی‌قراردارد، می‌رود وداخل محوطه‌ی دیگری میشود .

به دستور کارگردان، فیلمبرداری قطع میشود . گوئی در وضع حرکت تراولینگ اختلالی وجود داشته است.

«هریتاش» برای سیامك توضیح میدهد که‌گوئی منتظر نشسته است تا دوربین‌برسد و بعد او بلند شود و از او می‌خواهد کـه طبیعی‌تر ازجایش برخیزد. یك بار دیگـر فیلمبرداری آغاز می‌شود .

صدای دو دوربین بـه گوش می‌رسد . حرکات قبلی تکرار میشود. همه‌چیز طبیعی ومورد پسند هریتاش است و بالاخره فیلـم برداری از این پلان هم به‌پایان میرسد .

فیلمبرداری از این دوپلان درست‌پنج ساعت‌به‌طول انجامیده است واین‌کاملاعجیب است . کار، همچنان ادامـه دارد . مقدمات برای فیلمبرداری از صحنه های بعد مهیا میشود. ولی دیگر درپای ما رمقی بـرای ایستادن باقی نمانده است!

اسمعیل شنگله (بقیه)

مطرح و تجزیه و تحلیل شده‌اند . تمام بدی‌ها و پستی‌هائی که معمولا پشت صحنه‌های تئاتر ، درمیان کارگردانان و هنرـ پیشه‌ها وپارتی‌بازی‌ها و بتور زدن دختران تازه کار وجوان وجود دارد مطرح‌می‌شود.

☐ شما از چه نظر این نمایشنامـه را انتخـاب کردید ؟

■ مسائلی که درباره روابط زناشوئی و خانوادگی در آن مطرح شده ، توجهم را جلب کرد . متأسفانـه اکثـر نمایشنامه‌های «آنوی» برای فهم ودرك تماشاگر ایرانـی ، مناسب نیست ، ولی «کلمب» پیس خیلی ساده‌ای است که در آن از واقعیت‌ها صحبت شده وبرای تماشاگران ایرانی هم مناسب بنظرم رسید . نکته دیگری که درمورد این‌نمایشنامه گفتنی است ، این است که «آنوی» تکامل آدم‌ها را باگذشت زمان نمایش میدهد و ما می‌بینیم مثلا «کلمب» که یك دختر ساده و بیو است ، چطور صاحب شخصیتی میشودوازخود به دفاع می‌پردازد...

☐ چه تغییراتی درمتن پیس دادید؟

■ اگر تغییراتی درمتن آن نمیدادیم اجرای‌نمایشنامه مدت ۵ ساعت بطول می‌انجامید وما آنرا کوتاه کردیم و با آنتراکت درحدود سه ساعت طول خواهدکشید .

☐ بازیگران اصلی چه‌کسانی هستند؟

■ بازیگران اصلی عبارتند از : خوروش . شیخی ، جعفری ، علی نصیریان ، عزت‌الله انتظامی، محمدعلی کشاورز، اسماعیل داورفر، هرمز سیرتی و خودم .

■



بمعرض نمایش در خواهد آمد «رسوای عشق» نامدارد .

دوسر پل

● به‌یاری وزارت فرهنگ وهنر اصفهان برای جشنهای آبانماه نمایش ارزنده وفوق‌العاده جالب «دوسرپل» توسط گروه هاتف که سال قبل نمایشنامه داش آکل اثر صادق هدایت‌را با توفیق‌وجنجال فراوان‌در شهرستانها اجراکردند بروی صحنه آمد.

این نمایش نو و ارزشمند بوسیله‌غلامعلی عرفان‌فارغ‌التحصیل دانشکده دراماتیك نوشته و کارگردانی گردید که با شرکت: رضامحبی‌ـهوشنگ بشارت‌ـ خانم رفیعی ـ رحمت ارشادی ـ سعید محقق ـ فریبرز جهانخواه و منصور نصیری در تالارهراتی‌و خانه جوانان شیروخورشید بمدت پنج شب‌اجرا گردید وموردتوجه دانشجویان ، اساتید و مردم‌قرار گرفت. ازهمین گروه «چوب‌بدستهای ورزیل» نوشته معروف ساعدی «گوهرمراد» دردست تمرین‌است وسپس استثنا و قاعده اثر برتولد برشت اجرا خواهد شد.

چنگیز «اصفهان»

آقای حمید رضائی

۱ـ ما نمی‌توانیم درمورد بهتر بودن یك هنرپیشه بر دیگری نظر بدهیم. هر بازیگری تیپ بخصوص و کاراکتر بخصوصی را درفیلم ارائه می‌دهدکه در یك فیلم موفق و در دیگری توفیقی ندارد ۲ـ فیلم مردی از جنوب شهر و رضا موتوری نیز هرکدام در سبك بخصوصی ساخته‌شده بود و هرکدام درحد خود موفق بودند ۳ـ دستمزد بهمن مفید۲۰۰۰۰۰۰ ریال است و از دستمزد بازیگران فیلم دزد وپاسبان بطور دقیق‌اطلاعی نداریم.

آقای اصغر اطمینانی (اهواز)

برای فیلم صندلی الکتریکی شماره مخصوص منتشرکرده‌ایم،شماره مخصوص لیلی ومجنون دردفتر مجله موجود است با ارسال ۱۵ ریال‌تمبر باطل نشده می‌توانید آن را دریافت دارید.

آقای ر . شهبازی

در ایران‌کلاس‌کارگردانی‌وجود ندارد که شما وارد آن شوید ، بهتر است با خرج خودفیلمهای ۸میلیمتری کوتاهی تهیه کنید و از راه مراجعه باستودیوهای ایرانی ترتیبی دهیدکه بعنوان کمك کارگردان از وجود شما استفاده شود که بتدریج موفقیت شما تثبیت و در صورت امکان کارگردانی بشما واگذار نمایند.

گاراژ قبلی ـ سینمای‌فعلی

● شهرستان محلات یکی‌ازشهرهای گمنام استان مرکزاست پیش‌ازاینکه در آبادان مشغول کار بشوم درشهرستان خودمان آرزو داشتم صاحب سینماباشم یا اینکه‌کسی دیگر صاحب سینما باشد تا منهم ازآن استفاده کنم تاشش ماه پیش محلات سینما نداشت و هم اکنون میخواهم اولین‌سینمای شهر خودم را برای شما تشریح کنم درماه خرداد امسال‌یکی ازدوستانم‌برایم نوشت آرزوی‌تو بر آورده شد وسینما محلات افتتاح گردید خیلی‌ازاین خبرخوشحال‌شدم و بخود میبالیدم که شهرمن زادگاه من سینما دارد درشهریور بود که برای مدتی‌به محلات رفتم سینما نگوبهشت بگو درخیابان ششم بهمن‌گاراژی بود بنام‌گاراژ ملاعلی‌درب گاراژ را سوراخ کردند و گیشه درست‌کردند یکطرف گاراژرا سفید کردند که‌بحساب خودشان پرده سینماست صندلی‌های چوبی‌مخصوص بلیط ۲۰ ریالی حلب‌های روغن‌نباتی‌مخصوص‌بلیط های ۱۵ ریالی یك فیلم ۱۰۰ دقیقه‌ای‌را در ۱۶۰ دقیقه نمایش‌میدهند به‌این‌علت‌که فیلم چند مرتبه پاره میشودآپاراتچی‌سینما یکی ازدوستان خودم که صبح به دبیرستان میرود وبعدازظهرها آپاراتچی‌است آخراین‌هم شدسینما که مردم محلات دلشان راخوش کرده‌اند ؟...

غ‌ـ امیری

آقای ناصر حسن‌پور (بابل)

برای آفرین و منوچهر وثوق بآدرس صندوق‌پستی ۱۹۴۷ نامه‌ارسال دارید و عکس تازه‌ای از او بزودی در مجله چاپ خواهد شد در مورد

پاسخ‌های ارسالی شما برای مسابقات، به‌مطالب‌صفحه‌مسابقات این‌شماره‌مراجعه فرمائید.

آقای محمد رضا ابوالحسنی

۱ـ صفحه ازخوانندگان‌را حذف



کرده‌ایم ، منتها بصورتی دیگر در صفحات پاسخ‌سردبیر گنجانده‌ایم‌ومطالب خوب خوانندگان را درآن چاپ می‌کنیم ۲ - شماره های درخواستی شما موجود است می‌توانید با ارسال ۳۶ ریال تمبر باطل نشده و آدرس دقیق خود آنها را دریافت دارید ۳ - بیك ایمانوردی فعلا از بازی در فیلمهای ایتالیائی صرفنظر کرده است و مسئله تهیه فیلمهای مزبور منتفی است .

آقای سید صالح معتمدی شلمزاری (امیدیه)

پیشنهادات شمارا تماماً میکوشیم جامه عمل بپوشانیم ، از توجه خاصی که بفیلم وهنر دارید بی‌نهایت‌ممنون وسپاسگزاریم .

آقایان وارطان آوانسیان - علی اصغر اصفهانی - شاهین جانس

۱- دوست عزیز غصه نخورید آن فیلم‌هم ازروی یك‌فیلم‌تلویزیونی اقتباس شده بود ۲ - بجای نوری کرائی در فیلم‌پنجره «خانم‌چایچی» صحبت‌کرده بود ۳- خبربازی فردین وبهروز در یك فیلم صحت ندارد.

آقای مجید غفرانی (ساری)

۱- ایوب، یك خوشگل و هزار مشکل ، همای سعادت- مشروطه ، باباشمل - قلندر و جاهل جاهلها فیلمهائی هستندکه از فردین دردست تهیه است یاقرار است ساخته شود ۲- مقصود شمارا از بهترین هنرپیشه سالهای ۴۳ - ۴۴ - ۴۵- ۴۶ متوجه نشدیم ۳- پرفروش‌ترین فیلم ایرانی گنج‌قارون بوده‌است ۴- برای فردین می‌توانید به‌آدرس‌صندوق پستی۱۹۴۷ نامه ارسال دارید .

آقای‌فریدون گریزان(قوچان)

نامه سراپا احساس شمارا که حاکی از علاقه قلبی شما بسینمای ایران و فردین بود مطالعه‌کردیم . طی نامه‌ای بمدیر سینما شهرشما ، خواستار انجام نظریات شما شدیم و نامه شمارا بفردین دادیم . بنظر ما بهتر است اگر اشکال برایتان ایجاد می‌شود از رفتن بمشهد برای دیدار فیلمهای‌فردین بدون اجازه‌پدرومادر خودداری کنید،حتماً فیلم‌های‌هنرمند محبوب شما را در آن شهرستان‌نشان خواهند داد.

آقای حسین‌مصدق‌سوادکوهی

۱- فریدون فرخزاد بازیگر نقش اصلی فیلم دلهای بی آرام‌است ۲- خبر بازی فردین و بهروز در یك فیلم صحت ندارد ۳- از فیلمهای آماده شمی‌کاپوروسارا بانو بی‌اطلاعیم ۴- بهترین فیلم ایرج قادری‌کوچه مردها وجدائی است.

دوست یابی

● با طرفداران فردین ملك مطیعی و دوستداران صدای عارف - گوگوش-عهدیه وهمچنین مخالفان بهروز وثوقی حاضر بمکاتبه‌ام .

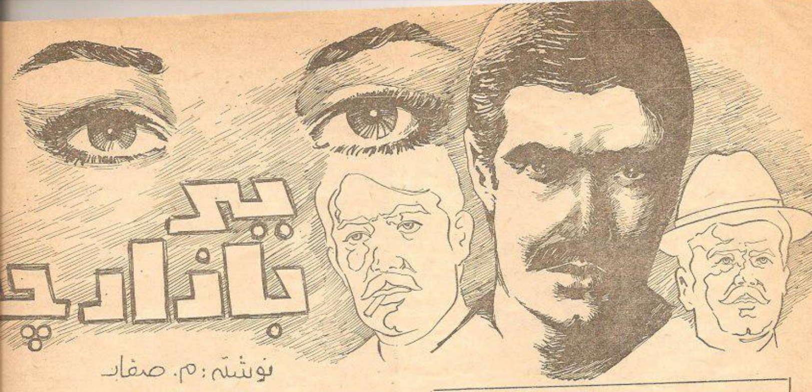
تهران - خیابان خیام-مقابل پارك شهر- شماره ۷۴۱- علی محمد دائی زاده

● مایلم باعلاقمندسر-سخت؛خالقینی چون - دیوید لین - ویلیام وایلر- ریچارد بروکز - تاوین - کیمیائی- مهرجوئی - ساتیاجیت رای‌و هنرمندان‌قابل‌تحسینی چون بهروز وثوقی - انتظامی - بیك ایمانوردی - ملك‌مطیعی ایرج قادری- جولی کریستی- برت لنکستر - آنتونی کوئین رداستایگر-چارلز برونسون- رابرت میچام - مارلون براندو- دلیپ کمار - شمی کاپور - راج کاپور ومهستی و گلپایگانی وگوگوش وفیلم‌های با ارزش وسوسه‌شیطان- روسپی - قیصر - جدائی - رقاصه - دلهره - رومئو - ژولیت - دکتر ژیواگو - گناهکار نیویورك - آوازه‌خوان نه آواز - از اینجا تا ابدیت - بن‌هور - وقت - سنگام - جنجال یك‌عشق‌مکاتبه داشته باشم.

تهران - خیابان شوش دبیرستان وحیدط ر۶ اکبر مهاجرانی

● مایلم با دوستداران هنرمند ارزنده و بی رقیب بهروز وثوقی‌که واقعاً او را دوست دارند و مخالفین سرسخت فردین‌میباشند مکاتبه کنم.

بابل - مسجد جامع - جنب مقبره سید العلماء - پلاك ۱۱ - محمد حسن فرماندار



نوشته: م. صفا

(۵)

درشماره پیش خواندید که:

«رضا» که در بازارچه «قوام‌الدوله» تهران سکونت دارد، عاشق دختری میشود باسم «طوبی». اما برادر «طوبی» بوسیله چهارتن از دوستان خود رضا را بباد کتك میگیرد و سپس می‌گریزند.

محسن، علی و اکبر که از یاران صمیمی و باوفای رضا بشمار میروند او را بخانه میرسانند و رضا از مادرش میخواهد که صبح روز بعد حتماً بخواستگاری «طوبی» برود.

مادر رضا که پیرزن رنجوری است بخواستگاری «طوبی» میرود، اما در این‌هنگام قاسم سرمیرسدو بمادررضا میگوید که «طوبی» رامیخواهند به شخص دیگری شوهر بدهند.

پیرزن درحالیکه اشك درچشمانش حلقه‌بسته به نزد پسرش باز میگردد وماجرا را تعریف‌میکند...

دراین‌موقع محسن وعلی هم که درقهوه‌خانه اصغرقهوه‌چی ایستاده بودند، خودرا بجمع آنها رساندند ودرباره خواستگاری او از «طوبی» سوال‌کردند.

اما رضا حرف نمیزد، مثل گرگ تیرخورده، بخودش می پیچید وازناراحتی خون‌بصورتش دویده بود، رضا بمادرش که‌مضطربانه اورا مینگریست گفت:

- مادر، توبرو منزل، من‌میام!

مادررضا رو به‌دوستان او کرد:

- تورا بخدا، شما مواظبش باشید، اون حالیش نیست که چیکار میکنه...

بعد مادررضا رفت وآنهاداخل قهوه‌خانه شدند.

اصغر قهوه‌چی فوراً چهار تا چائی قند پهلو جلوی آنها گذاشت و گفت:

- دیزی‌هم میخورید؛

یکی ازبچه‌ها گفت:

- نه. قربون دستت!

علی، اکبرومحسن، رضا را درچارچوب سئوالات خود قرار دادند، از او دلداری‌میکردند وبزخمی که به قلبش‌خورده‌بود مرهم مینهادند.

علی‌درحین‌اینکه مسلسل‌وار حرف میزد تا ناراحتی ناشی‌از ازدواج او وطوبی را از دلش دربیاورد، گفت:

- بنظرمن هرچی باشه، زیرسرداداش‌طوبی‌ست.

رضا ازجا پرید:

- چطورمگه.

- آخه یه ساعت پیش برادرش اینجابود، همچی‌که بهش خبر دادن‌که مادرتو رفته خونه شون، عین گلوله از جا پرید و بخونه رفت.

محسن گفت:

- پس‌یه‌کاسه‌ای زیرنیم کاسه است.

اکبر گفت:

- پس بایدکار برادر طوبی باشه.

رضا ازعلی پرسید:

- دیگه چه خبر؟

علی‌جواب داد:

- من‌شنیدم که برادرطوبی گفت داغشوبدل‌رضا میذارم.

رضا مثل یك شیر خشگمین ازجا جست وگفت:

- توهمین بازارچه خونشو می‌ریزم، هرجاکه ببینم با چاقو تیکه تیکه‌ش میکنم.

اکبروقتی هیجان رضا را دید، گفت:

- ازخرشیطون بیا پائین.

- بمولا اگه‌بذارم آب خوش‌ازگلوش‌پائین بره،هنوز جای‌مشت دیشبی که زیرچشمم‌زدن درد میکنه. دیگه صبرم تموم‌شده، اگرجوابشو ندم خیال میکنه ترسیدم.

رضا چائی‌خود را خورد، درحالیکه‌قهوه خانه را ترك‌میگفت رو به دوستانش کرد:

- امروزعصر همینجا باشین.

محسن پرسید:

- که چی؟

- بریم دعوا. هرکی‌هم دلش خواست میتونه نیاد!

رضا باگفتن این جمله راهش را کشید وبخانه رفت‌تودلش غوغائی بپا شده بود، چندبار زیر لب تکرارکرد:

- خدایا، شکرت.

رضا ازخشم‌وغضب داشت می‌ترکید. هرموقع بیاد می‌آورد که «طوبی» ممکن است زن شخص دیگری شود و در آغوش او لخت و عریان بخوابد، بدنش داغ می‌شد وخون چشمهایش را می‌گرفت. او دوست داشت حکمران مطلق قلب «طوبی» باشد.

مادرش هرچه رضا را دلداری میداد، او بیشتر جری میشد عاقبت زردی خورشید رو به کمرنگی نهاد، و خورشید رفته رفته از مقر همیشگی خودش پائین آمد ودرسیاهی فرورفت .

رضا هیجان زده به صندوقخانه‌ای که در اطاق قرار داشت رفت وچاقوی ضامن‌داری راکه بالای رفه نهاده بود درجوراب پایش پنهان کرد واز منزل خارج‌شد .

مادرش چند بار بدنبال او دوید وصدا زد :

- رضا ، اگر منو دوست داری خودتو بااونادرننداز .

اما رضا کور شده بود ، کرشده بود، هیچ چیز را نمیدید و نمی‌شنید . از پیچ کوچه گذشت ووارد بازارچه شد.

دوستان رضا : علی، اکبر ومحسن توی قهوه خانه نشسته بودند .

رضا بمحض این که وارد قهوه‌خانه شد ، آنها بلند شدند و به نزدش رفتند.

رضا پرسید :

- هنوز نیومده؟

اکبر جواب داد :

- هنوز که نه!

اصغر قهوه‌چی نگاهی بآنها انداخت و گفت،

- شنیدم می‌خوای پوست بکنی آقرضا!

رضا پوزخندی بر لبانش نشست،

- اصغر آقا ، جواب نامردارو باید با نامردی داد ، مگه نه ؟

اصغر قهوه چی دستمالش را بگردن انداخت و آمد جلوی آن‌ها :

- آره ، باید تواین دوره و زمونه نامردی کرد . به هرکسی خوبی کنی، جوابتو با بدی میده . بهر کی بگی سلام ، میگه زهرمار!

رضا سرش را بعلامت تصدیق تکان داد و گفت ،

- اوهوم ... باید کاردیش کرد ؟

محسن هراسان پرسید ،

- چی ؟ باکارد؟

- نه ،با چاقو ...

بعد رضا خندید،

- آره، اینطوری بیشتر دلم خنك میشه !

اکبر گفت،

- ولی می‌گیرنمون ! اونوقت باید آب خنك بخوریم.

رضا غرید،

- خدا بزرگه ، هرچی که نبشت پیشونی‌مون باشه همونه . نمیشه از زیر دست سرنوشت فرار کرد . اگر قرار باشه امروز بمیری ، باید همین امروز بمیری ، وگرنه فردات‌سیاهه . آره...

علی دست رضا راگرفت ،

- من با حرف‌رضاموافقم ، بایدزد وبرد.

اکبر گفت :

- ولی من نیستم، من می‌ترسم ، چهار سال تو زندون بودم بسه .دیگه دلم نمیخواد گذرم اونطرفا بیفته .

رضا حرفش را برید،

- خوش اومدی اکبرآقا، هرطور دلت میخواد باش، آره...

اصغر قهوه‌چی یك قدم جلوتر گذاشت وآهسته‌گفت،

- آقارضا ، بجوونی‌خودت هم رحم‌کن، شماهاخیلی کله‌شقین حرف تو این‌گوشاتون فرو نمیره ، اگه قاسم، برادر طوبی ، تورو ناکارکرد چی، اگر باکارد زد وسط قلبت‌چی؟

رضا نفسی‌کشید :

- اونوقت راحت میشم !

بعد رضا در دنباله حرفش ادامه داد:

- اصغرآقا، بهتره‌بکارت برسی، خوش ندارم این‌جورحرفارو گوش بدم .

رضا ازقهوه‌خانه بیرون‌رفت. نگاهی به زیربازارچه‌انداخت و پرسید :

- پس چرا قاسم نیومد؟

اصغر قهوه‌چی که گوشهایش تیز شده بود، گفت:

- یه ساعت به ظهر مونده با برو بچه‌ها قرار مدار گذاشت که امشب برن کافه «مشعل» اما شما ازمن نشنیده بگیرین، وگرنه کاسه کوزم درهم ریخته میشه .

رضا دستی به‌پشت اصغر قهوه‌چی زد و گفت،

- مثل اینکه توهم خیلی خوشت میاد که قاسم کتك بخوره.

- ولی ترا بخدا نگو که من گفتم !

- خاطر جمع باش اصغرآقا، ما از اونا نیستیم که روحرفمون پا بذاریم، وقتی که‌گفتم نمیگم. یعنی نمیگم!

رضا برگشت ورو به دوستانش کرد:

- خب بچه‌ها ، کی بامن میادکافه مشعل؟

علی ومحسن پیشقدم شدند ، اکبر هم بدنبال آنها راه افتاد.

رضا از اکبر پرسید :

- تصمیمت عوض شد ؟

- آره ! نمیتونم ترو تنها بذارم .

- قربون تو اکبر ، هیچوقت این محبت تورو فراموش‌نمی‌کنم ، بچه‌ها راه بیفتین .

هر چهار نفر براه افتادند. اصغر قهوه‌چی بدنبال آنها از قهوه‌خانه بیرون آمد وسرش را بالاکرد :

- خدایا ، خودت نگهدارشون باش .

رضا پیشاپیش دوستانش ، با قدمهای بلند ، درحرکت‌بود ، وآنها نیز درحالیکه به لبهایشان مهرسکوت خورده بود بدنبال راهی که رضا میرفت ، قدم برمیداشتند . آدمهائی که از زیر بازارچه در حرکت بودند ، حس کردند که باید خبری شده باشد . صورت رضا ، محسن ، اکبر وعلی چنان خشمگین وآکنده از غضب بود که هرکسی را متوجه آنها میکرد .

هر چهار نفر وقتی به‌میدان شاهپور رسیدند بانتظار تاکسی ایستادند .

رضا جلوی یك تاکسی خالی راگرفت :

- آقا ، قربونت ، ما خیابون لاله‌زار میریم ،کافه مشعل‌رو که بلدی ؟ همونجا .

- سوار شید .

هر چهار نفر سوار شدند وتاکسی بحرکت درآمد.

راننده از محسن پرسید :

- دارید میرید عشق !

اکبر خندید :

- نه ، داریم میریم‌کتك بخوریم !

راننده خنده بلندی سرداد وگفت :

- کتك خوردن ازدست خوشگلا لذت داره ... خوش‌بحالتون من که از صبح تابوق سگ باید توخیابونا پلاس باشم وآخرشم برم کپه لالا بذارم .آخه اینم شدکار ؟

رضا پوزخندی لبانش رااز هم‌گشود :

- شکر خداکن .

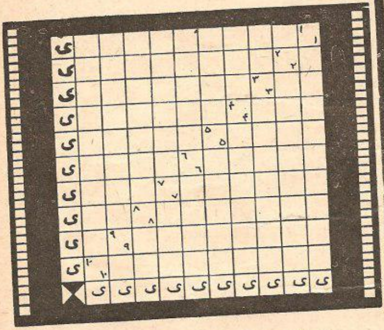
راننده فوراً جواب داد :

- همیشه چاکرش بودم وهستم . اما نمیدونم چراآخدامارو دوس نداره ، چرا پول بمانمیده ، هرچی هم که میده ، باونائی پول میده که‌خیلی خرپولن ونمیدونن چه‌جوری‌خرجش کنن . **ادامه دارد**

مسابقات؟

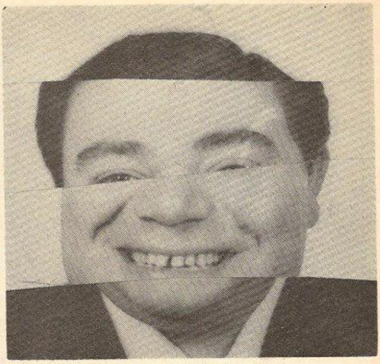
درطی هفته‌های گذشته گروه زیادی ازما خواستار چاپ جدول سینمائی بوده‌اند که از این هفته اقدام بچاپ آن خواهیم کرد. علاقمندان جدول می‌توانند درصورت علاقه، جدول برای این صفحه طرح وارسال دارند تا بنام خودشان چاپ شود.

جدول سینمائی



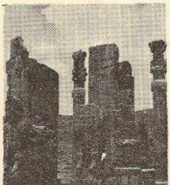
● **افقی:** ۱ - نقش آفرین فیلمهای پدرعروس ونیزه شکسته ۲ - ستاره فیلمهای بانی لیك گمشده، جویندگان لذت وبازگشت به پیتون۳ - کارگردان فیلم کسوف، حادثه ۴ - ... نوشت فیلمی بودبا شرکت جیمز استوارت۵ - نام کوچك کارگردان فیلمهای درشهر، بسته مرموز ومعما۶ - نام کوچك هنرپیشه فیلمهای نقاب انتقام، باد وحشی است وسایه‌های سپید۷ - کنیه هنرپیشه فیلمهای زمانی که دزد بودم واین دختر مال من است وزنی که زیاد میدانست۸ - از آثار کارگردان با ارزش سینما ویلیام وایلر فیلمی باشرکت لارنس الیویر۹ - کنیه آکتور کمدین فیلمهای رنگ پریده ودرراه هنگ کنگ ۱۰ - نام کوچك هنرپیشهٔ که بخاطر بازی درفیلم کت بالو موفق بدریافت اسکار گردید.

● **عمودی:** ۱- هنرپیشه‌ئی که بتازگی فیلم دود لندن را به اتمام رسانیده وفیلم راهنمای وظیفه شناس را از اومشاهده کردیم۲ - هنرپیشه سری فیلمهای دراکولا۳ - فیلمی که بخاطر بازی درآن برت لنکستر اسکار درجه اول دریافت کرد ۴ - ستاره فیلمهای طوفان عشق وتامی و دکتر۵ - نام کوچك کارگردان فیلم لولیتا باشرکت جیمز میسون۶- نام کوچك کارگردان فیلمهای سیمارون، یك وجب خاك خدا ومردی از غرب۷ - نام فیلمی از آلفرد هیچکاك باشرکت شون کانری۸ - پل رودخانه آن فیلمی بود باشرکت ویلیام هولدن۹ - نام کوچك ستاره فیلمهای سامسون ودلیله، دسیسه گران۱۰ - نام کوچك ستاره فیلم روزهای شراب و گل سرخ باشرکت جك لمون.



چهره شماره ۲۱

● کمدین معروف و موفقی است که تا کنون بیش از چهل فیلم بازی‌کرده است . چندبار برای بازی درفیلم بترکیه سفرکرده‌که هنوزیکی دو فیلم او بمعرض نمایش درنیامده است. وی ازدواج کرده و دارای دوفرزند است . ومدتی‌است‌که در فیلمی بازی نکرده است . وی در زمینه درام هنرپیشه موفقی است و بخاطر همین امرجایزه‌ای دریافت‌کرده است .



«مش» و «پاتون» در لیست بهتـرین ده فیلم سال

● مجله «تایم» در لیستی که اخیراً از ده فیلم برگزیده سال ۱۹۷۰ منتشر ساخته است ، دو فیلم از محصولات سال گذشته کمپانی فوکس قرن بیستم را نیز در لیست خود منظور کرده است . این دوفیلم «پاتون» و «مش» هستند که به ترتیب توسط «فرانکلین شافنر» و « رابرت آلتمن» ساخته شده‌اند.

در ضمن فیلم «پاتون» اخیراً به موفقیتی دیگر دست یافت ، چه «جورج سی. اسکات» موفق به دریافت جایزه بهترین آکتورسال از جانب مجمع منتقدین فیلم نیویورك شد.

بچه رزمری (بقیه)

او روی رختخواب در حالی که دوربین از جلوی بدن عریان شوهرش گذشته است (وشانه‌های اورا نشان می‌دهد که هنوز علامتی روی آن گذاشته نشده است) بیان می‌شود اما او بر اثر حوادث مختلف وبعد از فرار از دست شیطان پرست‌ها و اینکه به هر حال یك شیطان زاده را در خود پرورده است ، بدون آگاهی قابل تشریحی ، به سمت قطب مادی ، گرایش پیدا کرده است. «پولانسکی» این ایده‌های خاص‌را در طول فیلم به دفعات بیان می کند . یکبار در مطب دکتر ، «رزمری» مجله «تایم» را ورق می‌زند. روی جلد این مجله جمله‌ی Is God) Dead?) «آیا خدا مرده است ؟» دیده می‌شود . خود جمله به رنگ قرمز وزمینه‌ی حروف سیاه رنگ است .

«پولانسکی» از ایده‌ی ناشرین مجله ، در مورد شخصیتش ، استفاده می‌برد . بدین ترتیب در طول فیلم ، ما لباسهای مختلفی از «رزمری» می‌بینیم که به رنگ‌های سیاه وسرخ هستند ، یکبار به‌هنگام ورود پیر زن همسایه و یك زن شیطان پرست دیگر ـ که در اجتماع پایان فیلم هم دیده می‌شود ـ دختر ، بلوز سیاه ودامنی که‌از پارچه‌ی چهار خانه‌ی سیاه وسرخ دوخته شده ، به تن دارد ویکبار دیگروقتی که برای ملاقات «هاچ» در خیابان دیده می‌شود ودرچندقسمت‌دیگر، این نوع لباس و یا با همین رنگ و از نوع دیگر به تن دارد وکلا رنگ‌های‌سرخ‌وسیاه از «رزمری»جدانشدنی هستند. این‌نوع‌هماهنگی‌ها مختص یك نکته‌ی ؛ خصوصی نمی‌شود و در مورد بیشتر نکات فیلم تعمیم پیدا می کند.

پرداخت

« رومن پولانسکی » ، برای بیان این ایده‌ها با محتوی فیلم چنان درهم آمیخته و مرکب‌شده است که تفکیك آنها به سهولت امکان پذیر نیست .

این نکته‌هاوریزه کاریهای وصف‌نشدنی دراین مختصر که‌تماماً درراه‌بیان‌ایده‌ها، فضاهای‌شوم‌وذهنی کمك‌میکنند فیلم «بچه‌رزمری»، را تا حد یك شاهکار مسلم‌تاریخ سینما پیش می‌برد .

رضا سهرابی

حرفهائی از فیلم (بقیه)

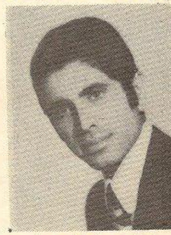
■ بعد از «کوچه مرد ها» چه نقشه‌ای دارید ؟

□ تعقیب همین رویه فیلم سازی، انتخاب داستان‌های خوب وارائه‌فیلم‌های عمقی که تماشاگر را به‌فکرکردن بکشاندو در این مسیر نه‌افراط می‌کنیم نه تفریط، نه به روالی روی می کنیم که تماشاگر رغبت به‌دیدارآن نداشته باشد ونه این هدف را فراموش می‌کنیم که بایستی تماشاگر خوب تربیت‌کنیم، قصد ما ایجاد فیلم های خوب وتماشاگر خوبست.

موزیك

از : کاوش

شهرام وصفحات جدید او



■ «شهرام غواصی» یکی از جدیدترین خوانندگان رادیو که مدت کوتاهیست که فعالیت هنری خودرا آغازکرده وتاکنون دو ترانه از اونیز ازرادیو پخش گردیده است، بتازگی دو آهنگ جدید اجراکرده است بنام های **«مگه دل تو سنگه»** که ازرادیو پخش‌گردیده و **«عشق بی چك و چونه»** که هر دو آهنگ توسط کمپانی فانوس‌آبی‌صفحه‌شده‌است.

و چنین پیش‌بینی میشودکه آهنگ های مزبور بـا استقبال مردم روبرو شود.

کنسرت فریدون فرخزاد

■ یکشنبه هفته آینده «فریدون‌فرخزاد»درسینما گلدیس کنسرتی خواهدداشت. قصدازاین کنسرت کمك به‌کودکان بی‌بضاعت بمناسبت‌فرارسیدن‌ایام‌نوروزاست

ترانه های تازه

■ جدیدترین ترانه هائی که منتشر و یا اخیراً از رادیو پخش شده اینهاست :

« **خدا حافظ** » و **«چشمم ترا گرفته»** که هردو ترانــه را **«پرتو»** خوانده است .

«سلسله مو» که‌خواننده‌آن **«ایرج»** است.

« **بازگشت بـه شهر** » و **«منتظرم کـه فریاد بزنم تو را دوست دارم»** دوترانه فرانسوی **«گوگوش»** که بااجرای آنهـا در فستیوال «میدم‌کان» برنـده جایزه اول این فستیوال شد.

ترانه های « **دیوانه تر از دیوانه»** و « **باغ آئینه** » از **«عارف»** .

ترانه « **دنیای بیگانه** » از «عهدیه» .

ترانه « **شمع سحری** » از «پوران» .

ترانه**«زمستان»** از**«گروه‌کر»**

ترانه « **اینها همه‌ش کار دله»** از «کوروس» .

انجمن فیلارمونیك تهران

● انجمن فیـلارمـونیـك تهران «برنامه‌خود را ازدوازدهم بهمن الی‌نهم‌اسفندرا بدین‌ترتیب اعلام‌داشت:

دوشنبه‌دوازدهم‌بهمن(دیروز) رسیتال‌ویلن‌وپیانو(دنیز زیگموند، انالیزه‌نیس) اجرا شد.

دوشنبه‌نوزدهم‌بهمن: کنسرت گروه فلورانس « بـرنامه‌ای از موتسارت، هیندمیت وروتا» .

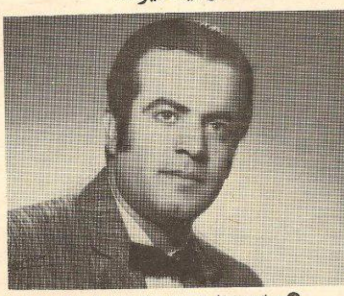
چهارشنبه۲۱ بهمن:رسیتال «ویولنسل‌وپیانو» گرهاردمانتل، آمریکا فریزر ــ بـرنامــه‌ای از بتهوون، شوبرت، بریتن‌وفرانك.

شنبه ۲۴ بهمـن : رسیتال «پیانو» پیترافلر ــ برنامه‌ای از بتهـوون ، برامـس ، شوپن و استراونیسکی.

سه‌شنبه ۱۴ اسفند : رسیتال «ویولنسل ــ پیانـو » سیمـون و فرنسواپیرات.

محل تمام رسیتالها درتالار دانشکده هنرهای‌زیبا دردانشگاه تهران اجرا میشود.

رضا بهنام ، یك چهره موفق در موزیك ایران



● برنامه پهلوانان از جمله برنامه‌های موفق تلویزیونی است که هرهفته روزهای جمعه ازساعت ۹/۵ تا ۱۰/۵ بعدازظهر از تلویزیون ملی ایران پخش میگردد . جالب‌این‌که این نمایشنامه دارای موزیك متن میباشد که فقط بوسیله‌ریتم ضرب تنظیم و نواخته میگردد. تنظیم واجرای موزیك متن این سریال تلویزیونی بعهده رضا بهنام نوازنده بـاسابقه تلویزیون‌میباشد. رضا بهنام ازشاگردان بنام‌استادحسین تهرانی می‌باشد که‌ابتکار تنظیم واجرای ریتم‌های بخصوصی برای خویش دارد . ازجمله کارهای بسیار جالب بهنام تشکیل ارکسترضرب میباشدکه سخت موردتوجه محافل هنری قرار گرفته است.

نقاشی



● نمایشگاهی از آثار محمد یولادی (نقاشی برای بچه‌ها) روز پنجم بهمن با همکاری تلویزیون ملی ایران در خیابان شاه ــ چهار راه یوسف آباد ــ کوچه کلانتری آغاز گردید و در دیدار این نمایشگاه گروه کثیری از علاقمندان، نویسندگان‌ومخبرین جراید حضور داشتند.

این نمایشگاه تا روز پانزدهم بهمن ادامه خواهد داشت .

● دیگر نمایشگاه های نقاشی اینهاست :

ــ انجمن ایران‌وآمریکا: نمایشگاهی‌ازنمایشگاه‌هنرمندان جوان ایرانی .

ــ گالری‌بورگز: نمایشگاهی از آثار صادق تبریزی.

ــ خانه‌آفتاب: نمایشگاهی از آثار «صفائیان».

ــ تالارقندریز: نمایشگاهی از آثار نقاشی‌وطراحی«جمال بخش‌پور» .

ــ پارك‌شهر : نمایشگاهی از آثار نقاشی وکارهای‌دستی کودکان .

و یك خبر از کتاب

■ ازکتابهای تازه‌ای که در زمینه تئاتر و نمایش اخیراً منتشرشده این‌کتابها هستند : « تراژدی ژانژنه وکلفت‌ها» ــ «بسوی تآتربی‌چیز» از «یرژی گروتـوفسکی» ــ « ویس و رامین» نوشته «مهین تجدد»و نمایش‌نامه « آدمهای مـاشینـی» از « کارل چاپك».

تئاتر

از : جمشید ارمیان

خبر ها

ریل

■ «اکبر زنجان‌پور» با همکاری تنی‌چند از دانشجویان رشته تئاتر دانشگاه از جمله «ایرج امامی ، رضا بابك ، علی زرینی ، پرویز ظهوری و علیرضا هدایتی» نمایشنامه «ریل» نوشته «محمود دولت آبادی» را از روز یازدهم بهمن‌ماه بمدت چند روز (۱۱، ۱۳، ۱۴ و ۱۵ بهمن) در دانشکده هنرهای زیبا روی‌صحنه آورده است. قرار بود قبلا این نمایشنامه از هفتم دیماه اجرا بشود که بعللی به‌عقب‌افتاد.

تئاتر در هچرود !



■ بمناسبت هفدهم دیماه روز آزادی زنان برنامه هنری در سالن دبستان نظامی هچرود واقع در ۱۰ کیلومتری چالوس برگزار گردید که بمدت ۳ شب با استقبال اهالی نیز روبرو شد بدین‌مناسبت نمایشنامه «عروسك کوکی» بکارگردانی «بهروز رشاد» با شرکت ارسطو شجاعی - خلیلی - حبیبی و کشاورز و نمایشنامه کمدی انتقادی «دنیای عوضی» بکارگردانی «ارسطو شجاعی» با شرکت کشاورز - خلیلی - محمودپور - زند کریمی - فقیه - جمشیدی و ارسطو شجاعی اجرا گردید.



گفتگوی کوتاهی با: اسماعیل شنگله

درباره نمایشنامه «کلمب»

اثر : «ژان آنوی»

■ از هفتم بهمن‌ماه (فردا) نمایشنامه «کلمب» اثر «ژان آنوی» درام‌نویس معاصر فرانسوی در تالار موزه به بازی سازی «شنگله» روی صحنه میآید . بی‌مناسبت ندیدیم که در این‌باره گفتگوئی با کارگردان آن ترتیب بدهیم که درذیل می‌خوانید :

□ ابتدا مقداری درباره نویسنده نمایش‌نامه کلمب حرف بزنیم.

■ ژان آنوی متولد بردو فرانسه است . در۸سالگی با دیدن یك برنامه تئاتر سخت تحت تأثیر آن قرارمیگیرد . در ۱۲ سالگی به پاریس میآید تا به تحصیل ادامه بدهد. تحصیل او در رشته حقوق ناتمام می‌ماند و دریك بنگاه نشر کتاب کاری بدست می‌آورد و این کار، موجب می‌شود که با تئاتر نزدیکی بیشتری بدست آورد. بعدها موفق می‌شود با «لوئی ژووه» هنرپیشه و کارگردان بزرگ فرانسوی همکاری کند و «سکرتر» او بشود.

با دیدن نمایشنامه «لوئی‌زیگفرید» اثر «ژانژیرودو» تحت تاثیر قرار می‌گیرد . خودش میگوید : «تا آن زمان مثل آدمی بودم که دراجتماع تئاتری گیج وسرگردان باشم ولی پس از دیدن‌این نمایشنامه راه اصلی خودرا پیداکردم» اما این تحت تأثیرقرارگرفتن، موجب آن نگردید که «آنوی» از او تقلید نماید . از معروف‌ترین نمایشنامه‌های او باید از «آنتی گون، قاقم ، دعوت به قصر ، مسافر بدون توشه ، لئوکادیا وکلمب» را نام ببریم.

□ کلمب چگونه نمایشنامه‌ئی است ؟

■ این پیس یکی‌از ساده‌ترین و بهترین نمایشنامه‌های اوست که می توان سبك ژان آنوی را در آن یافت . آنوی در این نمایشنامه بنظر من کار شگفت آوری انجام داده و آن ، جابجا کردن پرده اول با پرده آخر آن است ، یعنی پرده چهارم را بجای پرده اول آورده ودر واقع ما با یك‌جور «فلاش بك» یا رجعت به گذشته در آن مواجه‌میشویم.

همانطورکه گفتم «کلمب» پیس خیلی ساده‌ای است و هیچ فلسفه‌ای در آن مطرح نمی‌شود.واقعه‌ای است که دریك تئاتر اتفاق می‌افتد ، در واقع یك «تئاتر در تئاتر» است . در این نمایشنامه آدمها وروابطی که میان آنها وجود دارد

بقیه در صفحه ۴۰

خبر ها

فعالیت‌های کارگاه نمایش

■ درکارگاه‌نمایش وابسته به‌تلویزیون ملی‌ایران اینك غیراز اجرای «بکت۵» چندتن ازکارگردانان جوان‌مشغول‌تمرین چند نمایشنامه ایرانی وخارجی هستند.

نمایشنامه اول «صندلی‌کنار پنجره بگذاریم و بنشینیم و به‌شب دراز وتاریك خاموش سرد بیابان نگاه کنیم»! نام‌دارد که نوشته «عباس نعلبدیان» است وخود او کارگردانی آنرا برعهده دارد . این برنامه آخر بهمن ماه روی صحنه می‌آید.

نمایشنامه‌دوم «نگهبان مقبره» اثر «کافکا» است‌که «ایرج انور» آنرا کارگردانی میکند ودر اسفندماه‌آماده‌اجرا خواهد شد . نمایشنامه سوم «پروته» اثر «اشیل» است‌که «خانم خردمند» روی آن کار میکند وبالاخره آخرین نمایشنامه‌که «حالت چطوره مشرحیم» نام دارد ونوشته «اسماعیل خلج» استو بکارگردانی خود او اجرا میشود.

این برنامه‌آخر پس ازاتمام «بکت ۵» از ۱۶ بهمن ماه بمدت چهارشب در کارگاه نمایش روی‌صحنه خواهدآمد.

اسکوریال

■ «مصطفی دالی» کارگردان فرانسوی از روز ۱۲ بهمن نمایشنامه «اسکوریال» اثر «میشل‌گلدرود» را در خانه نمایش گروه هنرملی که در محل اداره تئاتر بناگردیده، روی صحنه می آورد. در این نمایشنامه «جمشید لایق» ایفاگر نقش حساسی ازآن است. نمایش این‌برنامه مدت۱۵روز بطول‌می‌انجامد.

نمایشنامه

■ «آنجاکه‌ماهی‌هاسنگ میشوند» نام نمایشنامه‌ای است از «خسرو حکیم رابط» فارغ‌التحصیل دانشکده هنر های دراماتیك‌که بتازگی نوشته، این‌نمایشنامه را انتشارات ابن سینای تبریز منتشر کرده است.

رویدادها (بقیه)

ستاره‌ای عروس شد !

● هفته‌گذشته «شیلا» زوج‌سینمائی «وحدت» که باشرکت درفیلم ماجرای شب ژانویه دو سال‌قبل ستاره سینما شد خیلی بی سرو صدا وبی‌خبر بخانه بخت رفت وپای سفره عقدنشست داماد که «پیمان‌کار شرکت نفت » است «عطاءاله ورجاوند » نامدارد.

از «شیلا» هم‌اکنون فیلمهای زندگی وارونه ،نوبر اصفهان وشوهر پاستوریزه شده آماده نمایش است.

ایــن دومین باریست کــه «شیلا» ازدواج میکند و بطوریکه به خبرنگار ما اظهار داشته است وی خیال ندارد فعلا به فعالیت‌های سینمائی خود ادامه بدهد وترجیح‌میدهد لااقل برای مدت یکسال از سینما دور باشد .

«فخری‌خوروش» میهمان هفته

■ صبح جمعه ایــن هفته «فخری خوروش» هنرپیشه سینما وتئاترمیهمان‌برنامه واریته‌رادیو ایران خواهد بود ومصاحبه‌ای درموردکارهای هنری او بــاوی بعمل خواهدآمد.

«خوروش» کارخودرا از تئاتر آغاز کرده است و بعد از بازی درپیسهای مختلفی که اغلب در تئاتر پارس اجرا میشد بــا دعوت‌تهیه‌کنندگان‌فیلمهای‌ایرانی منجمله مستشارجزیره، جنوب‌شهر، لات جوانمردو آسمون‌جل بازی نمود سپس به اداره هنرهــای دراماتیک‌رفت وکار هنری خــود را در تئاتر درآنجا دنبال نمود وچون کارش در اداره مزبــور مورد توجه واقع شد ازکاربازی‌گری درسینماکناره‌گرفت تاآنکه از سال گذشته باشرکت در چند فیلم خوب ایرانی مثل طلوع و آقای هالو مجدداًفعالیت‌سینمائی خود رانیز دنبال نمود.خوروش هم‌اکنون درتلویزیون‌نیزفعالیت‌هائی‌درزمینه بازیگری‌وکارگردانی دارد .

قضیه کلاه ناصر!

■ اینروها «نــاصر ملــك مطیعی» بحث‌شدیدی‌را بابعضی‌از تهیه‌کنندگان‌که اصرار دارند او در فیلمهائیکه قرارداد مــی‌بندد «کلاه» بگذارد آغاز نموده‌است. ملك مطیعی معتقد است سالی یکی، دو فیلم بیشتر باکلاه بازی نماید کافی است وفعلا از او بــا این تیپ و کاراکتر فیلم کاکــو آماده است وصلاح نیست تامدتی دوباره در فیلم تازه‌ای از کــلاه استفاده نماید.

«قصاص» جلوی دوربین

■ جهت تهیه محصول تازه استودیو نقش جهــان مــوسوم به «قصاص» اکیپی بنواحی قــزوین سفر خواهندکرد تا قسمتهائی از این فیلم را در آنجا تهیه نمایند دراین‌فیلم که‌سناریست وکارگردان آن نظام فــاطمی وفیــلمبردارش عزیزرفیعی است ناصرملك‌مطیعی پوری بنائی ، سرکوب ،آراسته و بظن قوی‌آفرین شرکت‌خــواهند داشت. سرمــایه‌گــذاران قصاص نصرت‌الله وحدت ورحیم‌حسامیان میباشند .

«سامانتا» ردکرد

■ سازندگان فیلم باباشمل برای ایفای یکی ازنقشهای‌عمده فیلم مزبور مذاکراتی با «شهناز تهرانی»رقیه‌ویابقولی«سامانتا»ی برنامــه تلویزیــونی اختــاپوس نمودند ولی وی چون قراردادی با پرویز صیاد داردکه‌بدون‌اجازه او نمیتواند فعالیت‌هنری‌دیگری داشته باشد وصیاد نیز با ایــن پیشنهاد مخــالف بــود با تمــام علاقه‌ای‌که خود «شهناز تهرانی» برای بازی درفیلم مزبور داشت «خصوصاً آنکه‌رل مقــابل او را کمدین هنرمندی مثل «همایون» بازی میکرد» آنرا ناچــارا رد کرد.«اینومیگن بدبیاری».



برنامه امشب سینماهای :

اونیورسال
میامی
آسیا
پاسیفیک
ایران
ساینا
تیسفون
مارلیک
مونت کارلو
پانوراما
آستارا
و سیلوانا

همزمان باسینماهای تهران درشهرستانها :

اصفهان (چهارباغ ـ مایاک ـ مهتاب ـ پارس) **مشهد** (فردوسی ـ هما ـ مولن‌روژ) **شیراز** (پارامونت ـ مترو ـ پرسپولیس) **آبادان** (شیرین ـ ایران ـ متروپل) **اهواز** (آپادانا) **کرمانشاه** (دیانا)**تبریز**(کریستال ـ سعدی) **بروجرد** (آریا)

حرفهائی بر فیلم کوچه مردها

گفتگوئی با :

امین امینی

تهیه کننده کوچه مردها



کوچه مردها

نمونه یك تلاش دسته‌جمعی است درجهت ایجاد یك فیلم خوب

■ «کوچه‌مردها» یکی از محصولات تبدیل و تحول تازه «استودیوعصرطلائی» است ، درباره‌اش چه‌دارید بگوئید :

□ «کوچه مردها» نمونه یك تلاش دسته‌جمعی است درجهت ایجاد یك فیلم‌خوب و کوشش‌همه اکیپ از «فردین» موفقترین و محبوب‌ترین هنرمندسینمای‌ایران که مثل‌همیشه بادرایت واطلاعات وسیعی که درکارش داردمؤثرترین یار اکیپ درهنگام تهیه فیلم «کوچه مردها» بود ولازمست‌در این فرصت ازوی وهمکاری‌هایش تشکر کنم وهم چنین از یکایك همکاران دیگر فیلم «سعیدمطلبی» که برای اولین‌بار بعنوان کارگردان ،فعالیتش را بافیلم«کوچه مردها»آغازکرده‌ودرتجربه‌نخستین خود استعداد و تسلطش رابثبوت رسانید،از«فریدون‌گله»که‌داستان خوبش اساس فیلم را بناکرد.از «فریدون‌ری‌پور»که‌با فیلمبرداری خوبش به‌این‌داستان جذاب فضای زنده‌ای داد، ازیکایك بازیگران فیلم بخصوص «فردین» و«پوری بنائی» و «ایرج قادری» که با بازی خوبشان در نقش‌های محوله پایه‌های استواری‌جهت قالب‌فیلم شدند و موزیك خوب«واثقی»که روحی تازه به فیلم دمید ونتیجه فیلم خوبی به تصدیق‌همگان ـ با نام «کوچه مرها» شدوروال‌کار «استودیوعصرطلائی» ازاین پس بهره از برجسته‌ترین مهره‌های فیلم‌سازی ، محبوب‌ترین‌وبرترین بازیگران است برای پدیدآوردن فیلمهائی که ازجهت کیفیت چون کمیتش ارزشمندباشند.

■ «کوچه‌مردها» چه نوع فیلمی است؟

□ «کوچه مردها» به دسته و یا طبقه‌ای تعلق ندارد ، «کوچه مردها» فقط خواسته‌است یك فیلم‌خوب وقابل‌پسندتماشاگر واقعی سینما باشد وتحقیقاً به‌این هدف دست یافته است.

«کوچه‌مردها» هیچ‌موضوع غیر واقع وغیرقابل لمسی‌در خود ندارد ، داستان گوشه هائی از زندگی‌مردم‌کوچه وبازارخودمان است ، داستان گیرا وجذابی از عشق، دوستی، فداکاری، دسیسه و جوانمردی های چندتا آدم یك کوچه ...که با کارگردانی حساب شده و دقیق ، بازیهای خوب ، موزیك دلنشین و فیلمبرداری با عمق در دسته فیلم های خوب سینمای ایران است ومن مطمئن هستم یکی ازموفق‌ترین فیلم های سال جاری خواهد بود.

بقیه در صفحه ۴۰




فیلم و هنر

دوره جدید ـ شماره ۲۳ (۳۲۱)
پنجشنبه پانزدهم بهمن ماه ۱۳۴۹
۱۵ ریال

شماره مخصوص فیلم

کوچه مردها



«اسفندیار منفردزاده» از «مرتضی حنانه» شکایت کرد.

■ بطوریکه اطلاع پیدا کردیم مصاحبه هفته گذشته «مرتضی حنانه» با «فیلم‌وهنر» و عنوان این مسئله که‌موزیك متن «قیصر» ازآن یك فیلم توقیف شده فرانسوی و «میکیس تئودوراکیس» است باعث شد که «منفردزاده» از « مرتضی حنانه » به عنوان اینکه به او تهمت زده است به دادگستری شکایت کند.

هم اکنون این شکایت مورد بررسی مراجع قضائی است.

در « مردی در آئینه » نیز این هنرمندان بازیگر نقش‌های اصلی فیلم هستند ، « رضا بیك ایمانوردی، لی‌لی ، مری‌آپیك ، حسین‌پور ، ملاقاسمی و آرمان».

فیلم‌های «قلاب» و « مردی درآئینه»را «ساموئل‌خاچیکیان» کارگردانی و « کمال مطیعی » فیلمبرداری خواهد کرد .

مسخره ها

■ « نصرت الله وحدت » که هم اکنون دو فیلم « نوبر اصفهان» و «زندگی وارونه» را آماده نمایش و فیلم « شوهر پاستوریزه » در مراحل فنی (دوبلاژ) دردست تهیه دارد ، از هفته آینده فیلمبرداری فیلم جدیدی را دراستودیو نقش‌جهان آغازخواهدکرد بانام «مسخره‌ها» که درآن علاوه بر«وحدت» قرار است «ارحام صدر ، علی تابش ، پوری بنائی» شرکت‌داشته‌باشند. فیلم «مسخره‌ها»را«وحدت» کارگردانی و « عزیز رفیعی » فیلمبرداری خواهدکرد.

بهروز حاضر نشد باپوری همبازی شود!

■ همان‌طورکه شماره قبل خبری داشتیم‌درمورد همکاری مجدد پوری بنائی وبهروزوثوقی بطوریکه اطلاع یافتیم بهروز وثوقی برای این‌همکاری رضایت نداده است ودر این مورد به «مقدم» اظهار داشته‌که «من هیچ گونه مخالفتی با پوری بنائی ندارم ولی فعلا بعد ازآن همه جنجال فعلا صلاح نیست که باین زودی بایکدیگر همکاری‌نمائیم» همان‌طوریکه اطلاع داریم بر خلاف‌نظر«بهروز» (پوری‌بنائی) برای این همکاری رضایت داده بود.

بهر جهت کار فیلمبرداری «تله» با مراجعت بهروز وثوقی ازسفر شیراز با شرکت او، نوری کرائی و داود رشیدی شروع خواهدشد. برای فیلمبرداری تله اکیپی بنواحی‌جنوب سفرخواهند کرد.

سینماهای نیاگارا و رویال درگروه فیلم‌های ایرانی؟

■ این‌هفته زمزمه‌هائی در محافل سینمائی بود دراین مورد که‌گویا بعد از نمایش فیلم «عروس بیانکا» قرار است‌سینما های «نیاگارا» و «رویال» با گروه سینماهای سهیلا، شهرتد، سیلورسیتی برای نمایش فیلمهای ایرانی همکاری نمایند تا بدین ترتیب گروه وضع استوارتری بخود بگیرد ودر صورتیکه این امر واقعیت داشته‌باشد«نیاگارا» و«رویال» ابتدا فیلم«سه قاپ» و سپس « شب اعدام »را نمایش خواهند داد.

لطفا ورق بزنید

جنجال عید نوروز!

■ پس‌از چندسال که ایام نوروز باماه محرم وروز های سوگواری مصادف میشد امسال ایام سوگواری قبل از آغاز سال ۱۳۵۰ خواهدبود و نوروز فرصت خوبی برای نمایش فیلمهای ایرانی است بهمین‌سبب نیز فیلمسازان ایرانی باوجود محدود بودن گروه‌های نمایش دهنده سخت در تلاش هستند تا بعضی از محصولات خویش را بروی اکران بفرستند .

بجز سازمان سینمائی چهل ستون که فیلم « **یك خوشگل و هزار مشکل** » و سازمان سینمائی زورك که فیلم «**ایوب**» را از آغاز شروع کاندید نمایش‌درنوروز امسال کرده‌اند ، شش فیلم دیگرنیزتوسط‌سایرفیلمسازان برای نوروز دارد آماده میگردد.

این فیلمها عبارتند از **ماه پیشونی** « محصول پارس فیلم» **شوهر پاستوریزه** «محصول نقش جهان»**درختها ایستاده میمیرند** « محصول میثاقیه» **خوشگلترین‌زن‌عالم** «محصول فردوسی‌فیلم»**همای سعادت** «محصول آریانا فیلم و **قالیچه حضرت سلیمان** «محصول‌سازمان سینمائی‌پیام» حالا معلوم نیست سرنوشت تعطیلات نوروز بکجا خواهد انجامید .

● «جمیله» و «پیمان» در صحنه‌ای از فیلم «دختر ظالم بلا»



● «رضا بیك‌ایمانوردی» و «مرجان» در صحنه‌ای از فیلم «قلاب»



دینامیک وسون بویز



« دینامیک » چهره تازه‌ای است در میان خوانندگان ایرانی که اولین‌بار بروی صحنه کاباره مولن‌روژ فعالیت هنری خود راآغاز نموده . وی با تیپ کاملا تازه‌ای‌که دارد ، درعرض این مدت بخوبی برای خویش طرفدارانی بدست‌آورده واکثرا باجرای‌آهنگهای روز وجازمی‌پردازد. « دینامیک » درحال‌حاضر بایک‌گروه ۷ نفری که ارکستر او را تشکیل میدهند و « سون بویز » نامدارد باجرای برنامه می‌پردازد . نکته جالب‌آنکه اکثر نوازندگان ارکستروی را اعضاء ارکستر گوگوش تشکیل میدهند .

تاخیر درشروع

اکیپ سازندگان فیلم «بابا شمل» محصون تازه «سپیرا فیلم» که‌قرار بود از این هفته برای شروع فیلم نامبرده راهی «یزد» شوند به جهت فوت مادر «علی‌حاتمی» نویسنده‌و کارگردان فیلم تهیه‌آن‌را برای‌مدتی‌بتعویق انداختند.

بهمین جهت «ناصر ملك مطیعی» که قرار بود برای بازی دراین فیلم بمسافرت برود برای بازی درفیلم‌تازه‌ای‌قراردادمنعقد نموده است.

جمیله یك دختر ظالم‌بلا

جمیله بتدریج ازکسوت رقص‌درفیلمها خارج شده وبصورت یك ستاره درمی‌آید . وی بعداز موفقیت خاصی که در رقص در فیلمهای‌ایرانی بدست‌آورد، ببازی درفیلم پرداخت ودنیای‌آبی اثر صابررهبر استعداد بازیگری او را نمایان ساخت، ازآن پس وی طبق قراردادی ببازی درفیلمهای فردوسی فیلم پرداخت ونقش نخست کلیه‌آنها را ایفا نمودکه دخترظالم بلا ازجمله‌آنها است

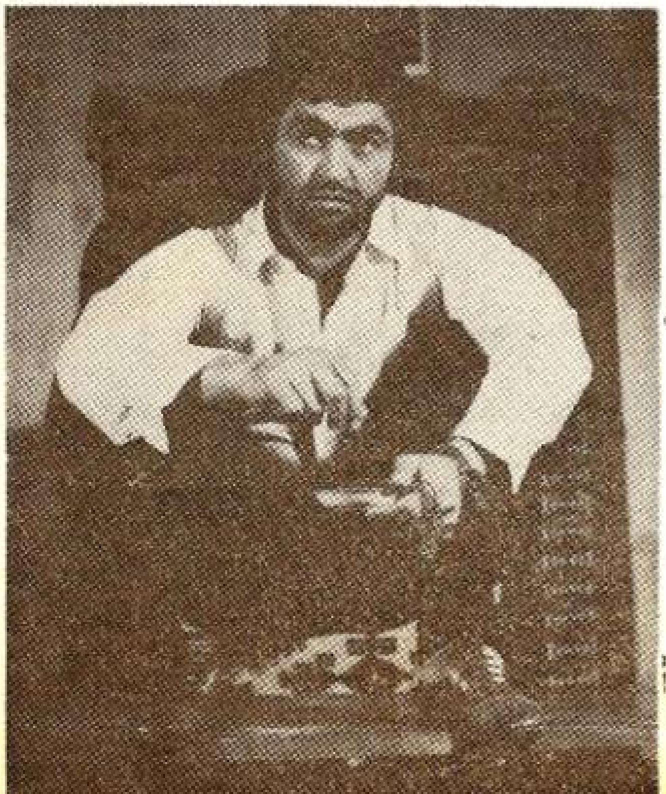
جمیله دراین فیلم علاوه بر چند رقص متنوع بار دیگر استعداد خود را درایفای نقش نخست فیلم نشان داده است. نکته جالب درباره این‌فیلم‌آنکه‌محمد کریم ارباب تهیه کننده فیلم بخاطر‌بازی ماهرانه ماروتیان یکی از هنرمندان فیلم۵۰۰۰۰ ریال بوی هدیه نموده‌است .

فاضلی یك لوطی دیگر

«رضا فاضلی» که بایداو را هنرپیشه بین‌المللی‌ایران‌نامید وگاهی در ایتالیا ، گاهی در پاکستان ،گاهی درترکیه وگاهی، در ایران بشرکت در فیلمها می‌پردازد ، پس از اتمام کلیه مراحل آخرین‌فیلمش که‌درپاکستان ساخته بود، اینك در نظر دارد کلیه فعالیت خود را در تهران متمرکز کند وبتهیه و بازی در فیلمها بپردازد. وی علاوه‌برقرار داد شرکت دریکی از محصولات آینده ژورك فیلم اخیرآباهمکاری کمال دانش‌بتهیه وبازی درفیلمی مشغول شده بنام «خردجال» که توسط دانش‌کارگردانی میشود .

نکته جالب‌آنکه وی دراین فیلم بنقش یك لوطی ظاهرمی‌شود وبهمین سبب ریش خود را مدتی است نمی‌تراشد. فاضلی درگذشته یك بار دیگر نیز نقش یك‌لوطی کلاه مخملی را درفیلم بامعرفتها بازی‌کرده بود .

«فاضلی» درصحنه‌ای ازفیلم «خردجال»



صدابرداری کلبه آنسوی رودخانه

هفته گذشته صدابرداری فیلم « کلبه آنسوی رودخانه » زیر نظر «ابوالحسن تهامی» در استودیو مهرگانفیلم انجام شد و این فیلم تا اواخر همین ماه آماده نمایش خواهدشد.در کلبه‌ای آنسوی رودخانه که سناریوی آن براساس داستانی نوشته منوچهر مطیعی تنظیم گردیده ، زری خوشکام ، همایون بهادران آنوش، حالتی،روشنك،مهران و ناصر ملك‌مطیعی ـ شرکت دارند سازنده‌ی این فیلم رنگی که‌توسط فرودین فیلم پخش‌میگردد احمد شیرازی است .

«بهزادی ، کلانی» نشد!

چون مذاکرات جعفری بایکی از سه فوتبالیست مشهور «بهزادی، کلانی‌ووفاخواه» برای شرکت‌درفیلم«تاجهنم راهی‌نیست» بنتیجه نرسید لذا برای ایفای نقش مزبور ازیك چهره جدید بنام «سعید راد» برای‌ایفای‌نقش فوتبالیست بهره برده‌است.

تا کنون حدود پنجاه دقیقه از فیلم «تاجهنم‌راهی‌نیست» بکارگردانی جعفری توسط « سعید نیونوی» فیلمبرداری شده دراین فیلم «جعفری، زری‌خوشکام، آزیتا لاچینی،حالتی، نقشینه‌وسعیدراد» شرکت دارند .

توضیحی بریك متارکه، تصادف و ازدواج



بعد از درج خبری در همین صفحه تحت‌عنوان «متارکه، تصادف، ازدواج» درباره پروین نارنجیها (مریم) در شماره‌گذشته، ایشان توضیحی درباره این خبر داده‌اند در این حدودکه اولا اخیراً نام ایشان «مریم پروین» است (بعد از متارکه) دوماً علاوه براینکه هنرپیشه سینماست، دوبلور می‌باشد و نیز یکسال است که در رادیو نیز فعالیت دارد ـ سوماً علت جدائی وی از «نارنجیها» مورد عشق بین او وامیر فخرالدین نبوده و جدائی وی از همسر سابقش قبل از بازی در فیلم ماه پیشونی صورت گرفته. چهارماً تصادف در جاده قزوین اتفاق افتاده و در اتومبیل ایشان آقای شاپور یاسمی. آقای رخك وهنرپیشه‌ای‌که بدل خانم‌نازی را بازی میکردکه در حال مراجعت از فیلمبرداری به‌تهران بودند وبالاخره اینکه ایشان حالا خیال ازدواج با «امیرفخرالدین» ندارند!

ریش همایون!!

اینروزها همایون کمدین سنگین وزن فیلمهای‌ایرانی‌برای ایفای نقش یك «ملا» درفیلم‌بابا شمل ریش توپی و جالبی گذاشته است.

فردین، فروزان، همایون، بهمن مفید، سرکوب، نادره و ناصرملك‌مطیعی‌در بابا شمل رلهای اصلی رابعهده‌دارند. نخست‌قرار بودبجای‌همایون، نصرت‌الله کریمی نقش«ملا» را در باباشمل بازی نماید که بجهاتی همایون‌عهده‌دار نقش مزبور گردید.

«وحدت» در سفر

از روز بیستم بهمن‌ماه وحدت، علی تابش علی محزون و مقبلی برای اجرای نمایشنامه «بیا پائین کارت‌دارم» به مناطق نفت خیزجنوب سفر خواهندکرد تاپیس مزبوررا برای کارمندان شرکت نفت بازی نمایند.

وحدت سال‌گذشته نیز در چنین ایامی پیس«اطاق‌طبقه‌بالا» را برای کارمندان شرکت نفت با همکاری‌تابش‌اجراء کرده‌بود.

این دو پیس سال‌ها قبل در تئاتر دهقان نمایش داده شده است.

بقیه‌درصفحه ۴۴

«خیاطباشی» محکوم شد!

«خیاطباشی» سال گذشته طی تصادف، فرزندش را از دست‌داد وهمسرش نیز از ناحیه پا مجروح‌شد، همسر وی‌دربیمارستان میثاقیه‌مورد معالجه قرارگرفت و بابت معالجه‌نیز سفته پرداخت‌ولی چون‌یك‌پای‌همسر وی کوتاه‌تر ازپای‌دیگرش‌شد، «خیاطباشی» به نظام پزشکی‌شکایت کرد و مسئولین بیمارستان میثاقیه که سفته‌های واخواست شده «خیاطباشی» رادردست‌داشتند به‌مراجع قضائی شکایت‌بردند وهفته گذشته «خیاطباشی» محکوم به پرداخت‌هفتادهزار ریال‌شد.

ازدواج

جمشیدشیبانی کارگردان وتهیه کننده فیلمهای ایرانی روز شنبه‌آینده که مصادف‌است با«عید قربان» بادختر مورد علاقه‌اش ازدواج خواهدکرد.

مراسم عروسی‌شیبانی‌وهمسر او درباشگاه بانك‌سپه درحضور عده‌ای ازهنرمندان، خبرنگاران جراید واقوام ودوستان عروس‌و داماد انجام خواهدشد.

وحدت هم عشقی‌شد!

هفته گذشته وحدت بدعوت جمشید شیبانی‌درصحنه‌ای ازفیلم‌تازه اوموسوم‌به «عشقی‌ها» بطورافتخاری‌شرکت کرد. وحدت که‌این روزها بصلك‌تهیه کنندگان نیز پیوسته است، درنظر دارد دو فیلم تازه جلوی‌دوربین ببرد.



«لادن» چهره‌ای است‌که درسینمای ایران‌ناشناس مانده است واین‌بخاطرحجب خاصی است که اودرزندگی‌خود دارد وکمتر بمحافل هنری واستودیوها می‌رود. وی با تیپ شرقی خود بازی خوبی درفیلم تار عنکبوت نشان داد ولی بعللی مدتی از فعالیت‌درکار سینما کنار کشید، پس‌ازمراجعت در فیلم‌های متعددی به ایفای نقش‌های دوم فیلم پرداخت و توانست‌در۱۳فیلم شرکت‌کند. وی‌اخیراً دامنه فعالیت‌خویش را گسترش داده و در نظر دارد در فیلمهای بیشتری شرکت کند.

«لادن» برای ایفای یکی از نقشهای فیلم جدیدساموئل خاچیکیان مردی درآینه کاندید است‌که بزودی بازی درآن‌را آغاز خواهدکرد.

حاشیه‌نشین

این روز ها اغلب در بحث‌ها و گفتگوها، اصرار و ابرام شدیدی از جانب مباشران و کار گزاران سینمای ایران به‌تشویق و تائیددولت ازسینمای داخلی هست، تشویق و تائیدی که بالمآل بایستی صورت حمایت مادی پیدا کند، حالا چرا؛ این‌خود جای‌حرف دارد!

بنظر ما سینمای ایران نباید تشویق شود یالااقل ازاین‌پس نباید تشویق شود.چه هیچ‌چیز باندازه تشویق بیش از حد موجب نثرشدن این سینما نشده است، این سینما که ابتدا به‌جهت برخورداری از کلام و زبان فارسی مورد توجه بود، بعدها وقتی نتوانست با خواست پیشرو مردم خودرا تطبیق بدهد واز نظرمادی ومعنوی نزول کرد دست بگله وشکایت برد که‌بایستی دولت کمك کندوفلان وبهمان، غافل از اینکه در همه جای دنیا دولت‌بی‌حساب و کتاب‌به‌صنعت سینمای‌داخلی کمك نمیکند. اگر قرار باشد که کمکی صورت گیرد، معطوف فیلمهای واجد کیفیت عالی است، فیلمهائی که برای دولت، برای ملت و برای یك سرزمین اعتبار وحیثیتی کسب کند نه فیلمهائی که با اتکاء بسلیقه‌روز از پسند سطحی مردم بهره برداری کرده‌اند درحالی که تأثیر غائی آنها ازفرهنك‌اجتماع بسیار مخرب‌بوده است.

به‌تجربه‌ثابت‌شده که‌سینمای هر کشوردر کنارتشویق(تائیدعامه)توبیخ‌و کنترل‌دولت‌را نیز نیاز دارد وسینمای هیچ کشوری بدون این عامل پیشرفت نداشته وسینماگران ما بجای این که در تعقیب جلب نظر موافق دولت(ازجهات‌مادی) باشند بایستی‌بکیفیت کار خود بیاندیشند وتأثیر ابتذال‌را بتدریج از حدود این‌سینما خارج سازند، امیدواریم که انشاءالله این «امید» درحدود لفظ باقی نماند.

در اکثر سینماهای مامتأسفانه به این حقیقت توجه نمی‌شود که بی اعتنائی به‌منافع تماشاگران فیلم،درواقع لطمه‌ایست که به‌منافع خودسینماواردمیشود بیشتر این سینماها ظاهر آراسته‌اندوبطن‌از هم پاشیده وسرگردانی دارندوصرفاً به‌منافع روز می‌اندیشند وآنرابه منافع آتی ترجیح داده ومی‌دهند،وبرای‌آنها ابداً مطرح‌نیست که صندلی‌های ناراحت، طول نمایش زیاده ازحد آگهی‌های تبلیغاتی ، وضع‌بدنمایش و و...در تماشاگر نسبت به‌سینما بدبینی‌بوجود می‌آورد ، بالفرض«حاشیه‌نشین»شخصاً بعضی از سینماهای پرتودور ازمحل کار و یا خانه‌اش را بسینمای دم دست ترجیح میدهد پس‌بدین‌ترتیب‌سینماها بایددررفع‌نقایص‌خود که‌نتیجه‌اش‌بنفع‌خودآنها تمام‌میشود، بکوشند اماچون باصطلاح بایستی توی‌خرج بیافتند وصرف نمی‌کند ترجیح می‌دهند که‌به نوعی وضع‌را سرهم کنند ودر این احوال مقامات مسئول‌نیز در حدوداین‌سینماها کمترتوجهی میکنند ودر این بین تماشاگری که‌تفریحی جز سینماندارد همچنان درظلمی که‌باومیشود بی‌پناه و بی‌اتکاءبایستی‌سه‌تومان‌خرج‌سینمای زواردررفته‌درشرایطی‌بکند که‌سینماهای‌معدود وخیلی‌خوب‌ماهم همین‌وضع‌وارزش‌بلیط‌دارند که جادارد مسئولین اقدامی‌درراه توجه به منافع تماشاگر نیزبکنندولااقل‌باپائین آوردن ارزش بلیط سینماهای بی‌توجه به‌وضع خود، اهمیتی برای توجه‌ای که بعضی ازسینماها به وضع خود میکنند ، قائل‌شوند.

کار قضاوت فیلم دراینجا به‌دستگاهی سپرده‌شده،مثل‌همه کشورهای‌دیگر ـ و این‌کار نیز در حدود صلاحیت و قدرت این دستگاه است واگر بنده ویاشخص سومی که‌احیاناً سنجش وارزیابی فیلم‌درحاشیه حرفه‌مان است نظری بدهد. قاعدتاً چون نه مجال‌کافی و نه‌صلاحیت‌وافی جهت مطالعه در ارزش های اخلاقی و اجتماعی فیلم داریم پس یك‌نظر میماند و این دستگاهست که بایستی همه توجه‌اش به اینکار معطوف باشد که هست اما گاهی‌می‌بینیم که درباره‌این‌محك وسنجش حرف در می‌آید وچرا ؟..

بعقیده ما در وهله اول این‌کافی نیست که بالفرض هرماه یك فیلم را برای‌جوانان کمتر از هجده سال ممنوع شود ، تازه آنهم فیلمی که همه‌صحنه‌هایی که‌تماشاگربالای‌هجده می‌تواند هضمش کند ! قبلا از فیلم حذف‌شده است که در اینصورت در خود این‌کارهم‌حرف درمی‌آید که اگر دیدار فیلم برای هجده‌سال بپائین‌ممنوع‌است پس‌چرا‌صحنه‌های‌فیلم‌حذف میشودوچنانچه بایستی‌حذف‌شود پس‌ممنوعیت دیدار برای تماشاگر کمتر از هجده سال چه معنی در این‌جا دارد.

قصد،ایرادگیری‌نیست‌بلکه پیشنهادراهی است که‌سینماهای‌کشورهای‌جهان بدان‌توسل جسته و با طبقه بندی فیلمها به حسب سنین مختلف تماشاچیان سینما ، وضع‌منظم‌ومرتبی به آن داده‌اند وهرطبقه فیلمی‌راکه بسته به خصوصیات‌اخلاقی‌واجتماعی‌شان‌مشخص‌میشود، می‌بینندوتنها در این صورت است که میشود شاهدوضع‌خوبی‌در امر نمایش بود.

وضع قابل‌تاسفی‌است، ازهرزاویه‌ای که‌به آن‌نگاه کنیم، صنعت سینمای‌ماشده‌است یك مراقب وحشتزده ونگران که با ترس ودلواپسی چشم‌به‌تماشاچی‌خودش‌دوخته تا تماشاچی‌کدام ادارا می‌پسندد که اوسراز پا نشناخته همان ادارا دربیاورد،سازوآواز سکس، دلقك‌بازی ، این سه عامل رسالت سینمای ما راخلاصه می کند ، یك سینمای مضطرب وبیجان، سینمائی که اختیارکار از دستش‌دررفته‌است وباید‌بهرسازی که‌تماشاچی میزندکله معلق‌بزند .

فیلم‌های محاکمه‌ای‌ـ اخلاقی‌ـ کمدی‌ـ قصه‌ای‌ـ زیربازارچه دیگر گذشته، تماشاچی که نفوذ خود را روی یك سینمای ضعیف خوب حس‌کرده است نسبت به فیلم‌هائی که چند روزه سرهم‌بندی شده نمی‌تواند مدت زیادی خوشبین‌بماند ـ تنها راهش‌اینست که سینمای ما جلوبیفتد ، سینمای ماجلوتر و بالاترازسلیقه تماشاچی کار کند به‌عوض‌دنباله رو بودن ، پیشرو باشد ـ سینمای فارسی در ظرف این‌مدت بیست‌وسه سال‌حیات‌چیزی که بحساب نیاورده رسالت هنری‌سینماست،حالا موقعش است که مباشران سینما بدانند که غیرازاین‌اداها «حرف» هم می‌شود زد، حالا چرا «حرفی» برای‌زدن‌نداریم، مسئله‌ایست.



مطالبی درباره‌ی:

سومین جشنواره سپاس

اقدام شایسته ومناسب هیئت اجرائی سومین‌جشنواره سپاس در مورد تعیین یك کمیته انتخاب وبررسی همه جانبه و دقیق درفیلم‌های نمایش‌داده‌شده، جهت برگزیدن کاندیداهای بهترین های‌سال ۱۳۴۹ درهمه محافل ومجامع هنری مورد بحث وگفتگو بود وازاینکه‌چنین راه‌حل مناسبی‌برای اینکه حقوق حقه برخی از دست اندرکاران فیلمسازی در زمینه‌های مختلف ازکف نرود ، مورد تحسین.

در دوره گذشته که‌تنها دوازده فیلم برای‌هیئت ژوری‌برگزیده شده بود، گرچه به جهات و به دلیل خصیصه‌هائی فردی و انتزاعی‌کار بالفرض‌کارگردان، فیلمبردار ویا بازیگر ویا زمینه‌های‌دیگرانتخاب گردیده بود ولی عنوان‌نشد ودرنتیجه ایرادهائی‌وارد شدکه بالفرض چرا فلان فیلم انتخاب شده وفیلم‌بهمان که از نظرکلی‌با ارزش‌تر از فیلم اول‌مینموده دربین کاندیداها نیست .

ایراد حساس واساسی‌بود ودرنتیجه هیئت اجرائی سومین جشنواره سپاس درکنارحل‌معضل‌ها و رفع ایرادات دوره‌گذشته،ابتدا این‌مهم‌را پیش کشیدو بلافاصله نیز تائیدنمودو همانطوریکه شاهدبودید درشماره‌گذشته ازبین‌چهل‌وهشت فیلم نمایش داده ـ هفده فیلم کاندید شدکه درنزد برخی‌ازآنها تنها یك رشته ویا معدود رشته‌هائی‌کاندید شدند وفیلم‌های‌بعدی که‌دراین‌لیست وارد شود، همین‌روال درموردشان تعقیب خواهدشد وبدینصورت‌اعضای ژوری فرصت‌بیشترودیددقیقتری دربررسی‌کاندیداهای اعلام شده خواهند داشت .

گذشته‌از کیفیت‌این کارکه‌مسلمادرامرتعیین برندگان‌واقعی‌سپاس بی‌تاثیرنخواهدبود،وضعیت‌انتخاب نیزمورد تائید اکثریت هنرمندان سینمای ایران ، صاحبنظران وخوانندگان مجله بود وحتی یك مورد اعتراض نیز پیش نیامد و این بدون شك نشانه بی‌نظری و دقت دید اعضای کمیته‌انتخاب است که درهمین زمینه درشماره های‌آتی باآنها گفتگوخواهد شد.

بنا به پیشنهاد چندتن از فیلمسازان وهم چنین خوانندگان مجله طی مکاتبه، تذکرات تلفنی‌و عنوان‌کردن بصورت شفاهی، برگزار‌کنندگان«سومین جشنواره‌سپاس» جلسه‌ای ترتیب‌داده‌ودستور جلسه، پیشنهاد این‌گروه‌که مبنی‌برافزودن‌مواد ورشته‌های دیگر فیلمسازی، برای دریافت جایزه در ردیف کاندیداها بود .

جلسه مذاکره برگزارکنندگان که متشکل از یك عضو از هیئت اجرائی ، یك عضو از کمیته انتخاب و یك عضو از ژوری دومین جشنواره سپاس (سال ۱۳۴۸) و دبیر عامل جشنواره سپاس بیش‌از چهار ساعت بطول انجامید وطی این جلسه تصمیم‌گرفته شد که‌اولا در مواد انتخابی سومین جشنواره‌سپاس،ماده‌تازه‌ای‌افزوده نشود (ماده‌پیشنهادی «تیتراژ فیلم» ،سناریوی اریژینال ، نورپردازی بود) که درمورد «تیتراژ فیلم »دلیل‌شرکت‌کنندگان جلسه فقدان فیلم هائی بوده که در آن تیتراژ تدوین شده باشد، دربین چهل‌ونه فیلم نمایش داده‌شده تنها فیلمهای «آقای هالو ودزدوپاسبان» تیتراژ تدوین شده مخصوص خود داشتند ، و دلائل اعضاء برای رد چیزی باسم «سناریوی اریژینال» (تقریباً در هیچیك از فیلم های ما وجود ندارد)و«نورپردازی»نیز معمولا وسیله فیلمبرداران صورت میگیردو متخصص وفرد معینی در این رشته وجود ندارد.

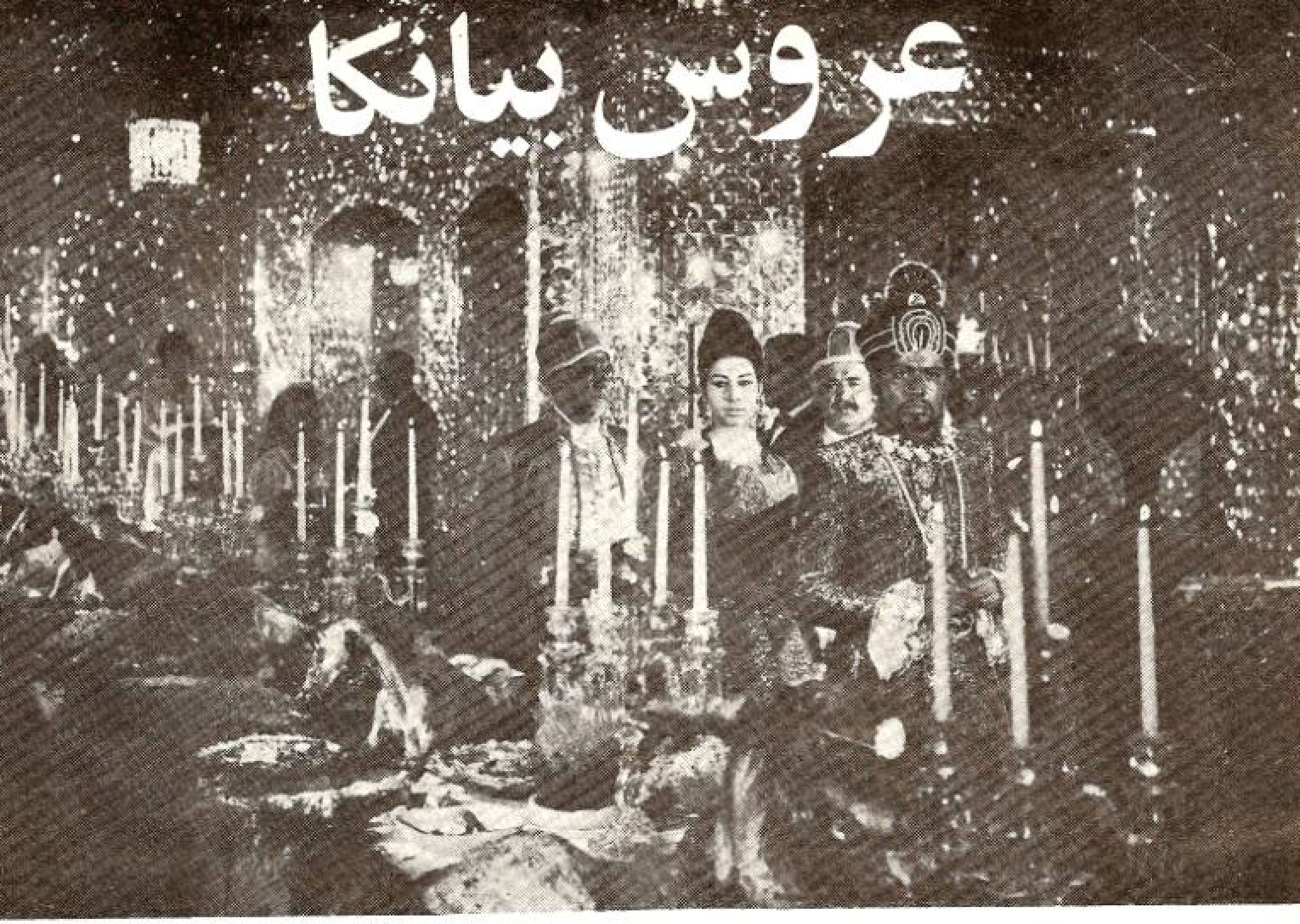
وبدین ترتیب درسومین‌دوره جشنواره سپاس جوائزبه‌ترتیب ذیل به برندگان اهداء خواهدشد.(بهترین‌فیلم ـ بهترین‌کارگردانی بهترین فیلمبرداری‌رنگی ـ بهترین فیلمبرداری سیاه‌وسفید۔بهترین بازیگر نقش اول‌مرد ـ بهترین بازیگرنقش اول‌زن۔ بهترین‌بازیگر نقش دوم‌مرد۔ بهترین بازیگر نقش دوم‌زن۔بهترین‌سناریو۔بهترین موزیك متن ساخته‌شده برای فیلم) .

در حال حاضرگروه تعیین‌شده ازبین‌هیئت‌اجرائی. کمیته انتخاب، یك عضواز هیئت داوران دومین جشنواره سپاس‌ودبیرعامل‌جشنواره، مشغول تعیین وانتخاب هیئت ژوری سومین جشنواره سپاس میباشند که قرار است نظیر سال‌گذشته هفت‌تن واز بین نویسندگان، استادان دانشگاه،آهنگساز، فیلمساز، منتقد، نقاش‌انتخاب‌شوند (اعضاءژوری دومین جشنواره سپاس اینها بودند، دکتر محمد جعفر محجوب۔عباس پهلوان ـ دکتر هرمز فرهت۔ بهرام ری‌پور۔ محمد علی جعفری ـ دریابیگی واسماعیل نوری‌علاء).

کم‌وبیش ترکیب ژوری سومین جشنواره سپاس تعیین شده است وباعرض معذرت ازحضورخوانندگان، مادامیکه نمایش‌فیلمهای کاندید برای‌اعضای‌ژوری‌آغاز نشده‌است، ازذکراسامی این‌هیئت‌معذور هستیم، قطع مسلم اینکه از اعضای ژوری سال گذشته سپاس در این دوره تقریباًکسی حضورنخواهد داشت، چه بیشتراعضای‌آن خودچون به کار فیلم روی آورده ودر زمینه‌های مختلفش فعالیت می‌کنندخود در زمینه های مختلف فیلمسازی (کارگردانی، سناریو ،آهنگ متن) مدعی دریافت سپاس می‌باشند .

مذاکره بین اعضای معین شده، برای تعیین ترکیبی بی نظر ، آگاه و وارد نظیر ژوری سال گذشته همچنان ادامه دارد .

عروس بیانکا



اثر عظیم و استثنائی استودیو میثاقیه بمعرض نمایش درمی آید .

● سازمانهای فیلمسازی ، درکنارمحصولات متعددی که در طی سال تهیه می کنند، گاه و بیگاه فیلمی را جلوی دوربین می برند و بتهیه آن اقدام می کنند که پیوسته درشمار آثار با ارزش و استثنائی قرارگرفته وبصورت یك اثرخیره‌کننده خودنمائی میکند . « عروس بیانکا » ازآن جمله است، فیلمی که بعدازیکسال فعالیت یك گروه فعال‌سازنده اکنون آماده و بمعرض نمایش درمی آید .

استودیو میثاقیه که پیوسته تهیه کننده محصولات پرسروصدا و جنجالی برای سینمای ایران می باشد وخاطره آثار قابل توجهی راکه تابحال تهیه کرده ازاذهان محونگردیده است ، از روی یك داستان کاملا بدیع واستثنائی که درسینمای ایران بیسابقه است فیلمی بطریقه رنگی ساخته است که یکی از تجارتی‌ترین محصولات امسال شناخته خواهد شد.

یکی ازشاهزادگان کشوربیانکا(که یك کشور آفریقائی خیالی است) بجستجوی عشق ودست یافتن بدخترمحبوب خویش راهی سفری دورودراز میگردد ودرسر راه خود بایران میرسد . درایران دراثر تصادفی عشق بسراغش می آید ومحبوب خویش را پیدا می کند دختری زیبا که دست تصادف بعلت فقراورا بکارهای سخت واداشته است. پرنس بیانکا ، ایده آل خویش را دروجود دخترك می یابد ومیکوشداورا بهرصورت که هست بدست آورد وبرای رسیدن بمقصود از هرکاری روگردان نیست . لباس فاخرشاهزادگی را بخاطرعشق بدورمی افکندو چون دخترك کارگری ساده و بینوا میشود بدون آنکه ازاین ماجرا کسی اطلاع داشته باشد تابالاخره...

داستان این فیلم که براساس خواست تماشاگرایرانی نوشته شده بود، برگردانش بفیلم سخت مشکل مینمود، زیرا ایجاد آتمسفر لازم برای ارائه وبازگو کردن داستان ، درراس هرکاری قرارداشت و میثاقیه برای آنکه این کاربخوبی انجام گردد «شاپورقریب» رابرگزید شاپورقریب بیش از ۱۰ بار داستان فیلم رامطالعه کرد تا دریابد بچه ترتیب میتوان برای فیلمی که کارگردانیش باو واگذار شده محیط لازم را فراهم آورد وپس ازآن بکارپرداخت.

قبل ازهرچیز امکانات بازیگران باو فرصت داد که بتواند در رهبری آنان بکوشد . فروزان ومنوچهروثوق که زوج محبوبو پولسازی را تشکیل داده بودند، بازیگران نخست فیلم شدند. فروزان بنقش یك دخترفقیرایرانی ومنوچهروثوق بنقش پرنس بیانکا و این دو



● «منوچهروثوق» دربین خیل زیبارویان !



● «منصورسپهرنیا»، «جنتی» و«حبیب‌اله بلور» درصحنه‌ای ازفیلم

● «فروزان» و «منوچهروثوق» ، «ابراهیم فخار» و « اسداله یکتا» دریک‌صحنه جالب ازفیلم «عروس بیانکا»



درکنارهم شایدبتوان‌گفت دراین فیلم بهترین بازی خویش‌را ارائه داده‌اند .

آنچه جالب است آنکه منوچهر وثوق برای فرورفتن درجلد شاهزاده بیانکا هرروز ازساعت ۷ صبح تا ۹صبح زیردست گریمور می‌نشست تا بصورت‌یك شاهزاده سیاه‌آفریقائی‌درآید .

استودیومیثاقیه بخاطرعظمت وایجاد یك فیلم بزرگ ازهیچ کوششی‌برای تهیه عروس‌بیانکا فروگزار نکرده است و بودجه‌ای‌که برای ساختن‌آن پیش‌بینی‌شده بود، درحدود هشت میلیون‌ریال‌بودکه درپایان‌کاربده میلیون ریال‌رسید، بعضی‌ازصحنه‌های‌فیلم‌دارای‌آنچنان شکوه وعظمتی است‌که چشمها راخیره خواهد ساخت‌ودرباره شاهزاده بیانکا، آنطورکه درافسانه ها آمده است ، بخوبی درفیلم تجسم یافته است .

بعد از فروزان ومنوچهر وثوق یك‌خیل‌بزرگ‌ازهنرپیشگان صاحب نام بازیگران نقشهای دیگر فیلم شدند ، بطوریکه دراین‌فیلم میتوان‌گفت نقش‌کوچك وجود دارد ولی هنرپیشه‌کوچك وجودندارد. حبیب‌الله بلور ــ سونیا ــ ابراهیم فخار ــ شهروز دامتین ــ اسدالله یکتا ــ جنتی شیرازی و بالاخره‌کمدین معروف منصور سپهرنیا هر کدام بتناوب نقشی را درفیلم برعهده دارند واین بجزگروه‌بیشماری ازسیاهی‌لشگرها است‌که بفراخور در صحنه‌های مربوطه مورداستفاده قرارگرفته‌اند.

برای انجام امور فیلمبرداری فیلم از قدرت‌الله احسانی استفاده شد ، فیلمبرداری‌که‌درکار تکنیك ونورپردازی مهارت‌خودرا بارها بثبوت رسانیده و سال‌گذشته جایزه سپاس بهترین فیلمبردار سیاه و سفید را دریافت نمود.

وی با استفاده از نور ، در تکنیك سینماسکوپ ، افه های تصویری درخشانی‌کسب‌کرده است‌که درخلق‌محیط وکاراکترهابخوبی نقش داشته است.

شاپور قریب ،کارگردانی که‌هنر کارگردانی فیلم را با تجارب فیلم درهم آمیخته و آثار موفقی ارائه داده است ، در عروس بیانکا یك‌بار دیگر توانسته است لحظات‌سینمائی درخشانی بیافریندوداستان را باوج التهاب واحساس کشاند .

این اولین باری است‌که شاپور قریب فیلمی‌را بطریقه‌سینما سکوپ ورنگی‌کارگردانی میکند وبخوبی توانسته است برای‌خلق یك اثر پرشکوه در پرده عریض سینما سکوپ موفق‌گردد .

استودیو میثاقیه‌که از فعالترین سازمانهای فیلمسازی کشور است «عروس بیانکا» را جنجالی‌ترین وعظیمترین‌محصول‌سال۱۳۴۸ و۱۳۴۹ خود میداند وبا دقت و خرجی‌که برای این فیلم شده است تصور میرود با اقبال عمومی روبرو شود وسخت مورد توجه تماشاگر فیلم‌های صنعت سینمای ملی ایران قرارگیرد. ■



نظام فاطمی
«کارگردان فیلم مرید حق»

تحلیل و بررسی فیلمهای ایرانی

فیلم «مرید حق» در بوته نقد و بررسی

از : جمشید ارمیان

ابتدا از سناریو و داستان فیلمتان شروع میکنیم فیلم شما اصولا فاقد یک داستان گیرا ، بکر و محکم است و استخوان‌بندی این داستان که درقالب یك سناریوی ضعیف و غیر مدون قرارگرفته، بی‌اساس است ، در این باره‌چه نظری دارید ؟

نظام فاطمی : کاملا قبول دارم که این فیلم فاقد داستان است. اما اگر توجه داشته‌باشید پرداخت فیلم‌هم متناسب باداستان آن است.

این داستان ، فقط از یك خط سوژه تشکیل میشد که‌ابتدا امین امینی برای من و رئیس فیروز تعریف کرد و بعدمن با تفاق رئیس فیروز نشستیم و روی داستان مقداری کار کردیم و بدون نوشتن دیالوگ آنرا صحنه‌بندی کردیم و بعد آن‌را به فریدون گله دادیم که بصورت سناریو در آورد .

«گله» البته درخلال نوشتن این داستان ، تغییرات بسیار کوچك و گاهی نه چندان خوب در آن داد که از این قبیل است صحنه‌های آخر فیلم که‌مال‌خودش است .

من چون اصولا « سالار مردان» را ساخته بودم و «مرید حق» هم یکجور دنباله روی از «سالارمردان» داشت، شایق‌نبودم که بهمان شکل باشد و از آنجا که سالهاست با ناصرملك مطیعی دوست هستم و دلم میخواست‌همیشه با او کار کنم، مایل بودم داستان فیلم دوم خودرا که با او میسازم ، داستان نوتر و بکر تری باشد .

ولی بهرحال اگر این داستان را درشرایط دیگری بمن میدادند ، آنرا به‌جائی پرت میکردم که اثری ازآن پیدا نشود !!

آنطور که ما از فیلم برداشت‌کردیم، تم فیلم درباره جوانمردی‌ها و لوطی گریهای مردی است بنام « علی » . اما پرورش این « تم » و شناخت واقعی آن باضعف صورت‌گرفته و آنطور که باید و شاید این «ایده» توجیه‌نمیشود و ویژگی هائی‌که معمولا یك لوطی باید دارا باشد ، لوطی فیلم شما فاقد آن است...

نظام فاطمی: ما هیچ‌منظور خاصی از نشان دادن این لوطی نداشته‌ایم و نخواسته‌ایم فی المثل نشان بدهیم که او ویژه‌گی های خودش را از دست داده . اصولا کلیه‌کارهائی که این مرد انجام می دهد بر پایه جوانمردی قرار دارد . ما او را در صحنه اول اینطور معرفی کردیم که او با بردن لوبیا و گوشت نذری برای آدمهای فقیر(که این را عمداً نشان‌ندادیم) جوانمردی و خیر بودن ولوطی گری خویش را اثبات میسازد.

این صحنه‌برای آن بود که تماشاچی آمادگی ذهنی برای پذیرفتن‌جوانمردی‌بعدیش‌بخاطر گذشتن از عشق پروانه(شیلا) داشته‌باشد.

اما وجود این صحنه اولیه کافی نیست،یعنی رسانیست وما صفات جوانمردی اورا از ورای حرفهای دیگران بیشتر می‌شنویم تا از ورای تصویر و عمل...

نظام فاطمی: بله، اگر می خواستیم‌صحنه‌هائی‌راکه علی در آن به دستهای بی نیازی که از درون خانه‌ها بیرون آمده، کمك ومساعدت میکندو خوراکی‌وپول میدهد، نشان بدهیم زیاده ازحد طولانی میگردید .

با توجه به‌آنکه‌زمان و محیط حادثه امروزی است ، لوطی فیلم شما با این دوعامل مقداری اصطکاك و ناهم‌آهنگی پیدا میکند، فی‌المثل شما جلوه های تکنیکی مدرن این عصر را وارد زندگی اوکرده اید: تلویزیون!

نظام‌فاطمی: امروزه‌درشهر های کوچك ما حتی تلویزیون جزء لاینفك زندگی‌ماشینی‌امروز شده است، بطورکلی من‌فکر می کنم‌که هدف ومنظورخاصی‌دراین کار وجودندارد: وهنوز هم امکان دارد که‌دراین‌عصروزمان‌آدم‌خوب وکاملاخوب‌هم پیدا بشود.

در مورد دیالوگ‌های سناریو باید بگوئیم‌که مقداری ازآنها اصولا نماینده شخصیت کاراکتر پرسوناژهای فیلم‌نیست بعبارت دیگر زبانی‌که برایشان معین شده به آنها تعلق ندارد. یکی از موارد بدآن ، قربون و صدقه رفتن مادر علی است . وهمینطوردیالوگهائی‌که برای تیپ «یدالله» دلال درنظر گرفته شده است ..

نظام فاطمی : مادر علی ، یگانه امیدش همین فرزندش‌است علی ، یك فرزند تنها است و تنها نان‌آور خانواده و چشم وچراغ مادرش است و بهمین خاطر مادر قربون وصدقه چنین پسر مثلا دیلاقی هم میرود ! پسر هم باو محبت دارد واحترام میگذارد - اصولا تیپ‌های قدیمی این کاررا می‌کنند و عواطف مادر فرزندی هنوز درنسل قدیم به‌اصطلاح فرو کش نکرده است.

در مورد بقیه دیالوگها باید بگویم‌که پنجاه درصد ازدیالوگ های علی را خود ناصر ملك مطیعی درست‌کرده .

ملك مطیعی بی‌شك درارائه چنین‌کاراکتری همتا ندارد و بعلاوه ازآنجائی‌که‌آدم با سواد و واردی است، دیالوگها را خودش فقط یك بار می‌شنید وبعدبه‌سلیقه خود تغییرمیداد ولی نمیگذاشت مفهوم جمله ازمیان برود و بعد ادا میکرد .

در این فیلم البته مقداری دیالوگ‌هم وجود داردکه قشنك وروان است . در مورد دیالوگ های «یدالله» آنطورکه‌بایدوشاید نتوانستیم آنهارا اصلاح کنیم ما منظورمان این بودکه تیپ «غلط اندازه» را برایش جورکنیم‌ولی متأسفانه در نوشتن این‌تیپ‌تبحر نداشتیم وآنطورکه بایدوشاید ، از کار در نیامد.

یکی از موارد ضعف سناریو وشاید هم کارگردانی عدم ارتباط منطقی و عاطفی پرسوناژهای فیلم است دراین مورد چه توضیحی دارید؟

نظام فاطمی : در مورد پرورش پرسوناژها این‌امر بمن ارتباطی ندارد. این‌مربوط‌میشود به سناریو، من می‌خواهم اینجا یك جمله معترضه بیان کنم‌و‌آن این است که‌اگر فیلمی خوب از آب درآمد وخوب فروش کرد دیگران، هزاران عامل‌را باعث خوب شدن‌آن می‌پندارند،امااگر بداز کار درآمد، هیچ عاملی را

مریدحق، یکجور دنباله روی از «سالار مردان» است!

در ایران، همه کارگردان را مسئول بدی یك فیلم قلمداد می‌کنند!

ما اگر یك «همینگوی» در ایران داشته باشیم یك «پیرمرد و دریا» هم‌خواهیم داشت.

جز کارگردان قبول ندارند و همه کاسه‌و کوزه‌ها راسر کارگردان می‌شکنند!

میخواهم بگویم که اصولا امکانات و عوامل موجوددرمحیط کار یك فیلمسازهم در خوبی یا بدی یك فیلم دخالت دارد. باید یك کارگردان رادر ساختن فیلمی خوب آزاد بگذارند و برایش آسایش فکری بوجود آورند و البته باید اذعان کنم که‌استودیو عصر طلائی تا آنجا که امکان داشته ،در این مورد از همکاری دریغ نداشته‌است.

بعضی‌از پرسوناژهای داستان دست‌وپاگیر وزیادی هستند و اصولا کاری برای پیشبرد مسیر داستان انجام نمیدهند مثل «دائی».

نظام فاطمی: این مورد کاملا صحیح است و بشماحق‌میدهم اما بعللی نمیتوانم‌توضیحات کافی در این باره بشما بدهم.

موزیك‌فیلم یك‌دست‌نیست گاه درصحنه هائی از «ضرب» استفاده شده و گاه از سایر آلات‌موسیقی،ودرآن‌یکنواختی موجود است.

نظام فاطمی: ما روی‌موزیك اصلا تکیه‌نکردیم واگر درآن یکنواختی وجوددارد، علتش آن است‌که موزیك‌متن بخصوصی برایش ساخته نشده. ما سعی کردیم ازضرب جاهائی استفاده کنیم‌که ناصر(علی) هنوز شکست نخورده، هنوز بدنام نشده ودر قسمت‌های دیگر که درآن‌شکست «علی» مشهود است، سعی کردیم‌از موزیك بهره بگیریم.

بهترین افه تصویری فیلم شما، پرواز کلاغ‌ها همراه با پچ‌پچ زنهای همسایه است‌اما وجود چنین‌صحنه‌ای‌کافی‌نیست. این، تنها اثر ونشانه وجود فیلمساز در این‌فیلم است.

نظام فاطمی: برای فیلم برداری این‌صحنه تا «دینگه امام» درجاده قزوین‌رفتیم. کلاغ ها تا دوربین‌را می‌دیدند، هراسان شده وفرار میکردند!

درسناریو جهت این تصویر چندصحنه‌مختلف فیدو آنشه‌میشد ویراژ دیالوگ مردم بود. من دیدم تکرار این‌صحنه ها از نظر فیدوآنشه مشکل‌است وابتدائی خواهد بود وفکر کردم بهترین کاربه تصویر درآوردن مثل‌«یك کلاغ چهل کلاغ کردن» است.

نکته خیلی مهمی که باید ابتدا تذکر میدادیم،مساله فضای فیلم‌تان‌است. فضای‌مورد لزوم‌بهیچوجه درفیلم شما حس ولمس نمیشود.

نظام فاطمی: کاملا درست است، چراکه عواملی راکه باید فضارا ایجادکند، من در اختیار نداشتم.

دوربین در بعضی از صحنه ها، اصلا تحرك ندارد مثل پلان قصابی، تریا و چند صحنه دیگر.

نظام فاطمی: کاملا درست است‌اما ماجای مناسبی برای‌این کار نداشتیم وبعلاوه این امر مربوط به فیلمبردار فیلم‌میشود. درثانی من معتقدم فیلمساز های ایرانی برای تماشاگر ایرانی نباید درفیلم هایشان با حرکات دوربین، عملیات محیرالعقولی سبب بشوند. مردم ایران زندگی پر تحرك و پر جنب و جوشی ندارند و فقط دوست دارند یك قصه را بروالی ساده ببینند. من در فیلم‌هایم بیشتر روی‌میزانسن وحرکت هنرپیشه‌ها تأکید میکنم تا روی دوربین و حرکات آن و این امر بخاطر تجربه ای است که در این مدت بدست آورده‌ام.

شما دربعضی از صحنه ها تحت تأثیر قیصر بوده اید، گمان‌ما، بعقیده‌شما صائب‌است؟

نظام فاطمی: قیصر تحت تأثیر سالار مردان بوده. منظور شما از پلان راه‌روی بیمارستان است، ولی من از قیصر تقلید نکردم چون قیصر اصولا فیلم موفقی نبوده است.



«ناصر ملک مطیعی» و «شیلا» درصحنه‌ای از فیلم «مریدحق»

سینمای ایران، موقعیت فعلی آن و راه حل های موجود از دید سردبیران مطبوعات


ح. الهامی


بیژن امامی

ح. الهامی: از کارگردانان روشنفکر هم باید قطع امید کرد!

بیژن امامی: کارگردان اینک نقش سازنده درسینمای ایراندارد.

ح. الهامی (سردبیرمجله روشنفکر)

■ سینمای ایران اولا نسبت به یك سینمای ۲۳ ساله که باید جوان برومندی باشد، یك بچه دبستانی، لوس ونُنر، از خود راضی و نازك نارنجی است. این بچه تربیت پذیرهم نیست وتنبیه‌اش‌هم نمیشود کرد، چون بزرگترهایش باچماق پشت‌سرش‌ایستاده‌اند، مقصودم آقایان سرمایه‌داران سینمای فارسی هستند که دارندبه‌آن چشم غره‌میروند.

من خودم بعنوان سردبیر روشنفکر، تلاش‌هائی کرده‌ام و سعی کردم راه حل‌ها و درمانی‌پیدا بشود. تلاش‌من از آن‌جهت بوده که خودکارگزاران سینمادرایران‌بیایند ودورهم جمع بشوندو دردهایشان رابرزبان‌بیاورند، چون ابتدا باید دردها را شناخت و بعد به درمان‌آنها پرداخت.

در میزگرد اولیه ما درست موقعی که میخواستیم درد واقعی‌را پیداکنیم، هنرپیشه ها ازشرکت درآن خود داری کردند. آنها تهدید شده بودند، تهدید به‌بیکاری‌واخراج‌از سینما. روی این‌اصل‌بحث ما ناتمام ماند و هنوز که هنوز است‌خواننده‌ها نامه میفرستند وعلت‌آنرا می‌پرسند.

باید خود عوامل و کارگزاران سینما بنشینند وراه چاره‌ای بیندیشند. من قبول ندارم که تماشاگر ایرانی مطلقا فیلم سنگین نمی‌پسندند، چون‌بکرات تجربه شده ودیدیم که پسندیده‌اندولی‌خواهش‌میکنم ۸ر۵فلینی را مثال نیاورید که باعدم استقبال روبرو گردید. ولی‌ازفیلم‌های دیگرخارجی که‌هنری وسنگین‌بودند مثل «کسوف» استقبال‌شد ومن شاهد بوده‌ام که برای این‌قبیل فیلمها بازار سیاه پیدا شد وبلیطها رابه قیمت حتی ۱۰ تومان خریداری میکردند. مردم این‌فیلم‌ها را می‌پسندنداماچون‌سینماگران‌ما نمی‌توانند مثل «هیچکاك» فیلم بسازند، گناهش را به گردن تماشاچی میاندازند.

آنها میگویند من بلدم فیلم سنگین و هنری بسازم ولی‌تماشاچی‌نخواهد پسندید. اشتباه فیلمسازان‌ما درهمین‌است که مردم‌را تحویل‌نمی‌گیرند وفکرمی‌کنند آنها چیزی نمی‌فهمند.

ازکارگردانان روشنفکر خودمان‌هم باید قطع امیدکرد مثل‌فیلم‌پنجره که‌میشود چشم‌بسته سه‌ربع آنرا دور ریخت‌بدون‌آن‌که هیچ‌لطمه‌ای به‌فیلم‌بزند. یا «مسعودکیمیائی» را دارند گمراه میکنند، گولش میزنند، مسعود کیمیائی آن آدمی نیست که دارند نشانش‌میدهند.

«مهرجوئی» هم با «هالو» نشان‌داد که با «مهرجوئی» گاو تفاوت‌زیادی‌دارد. اودر هالوهمه‌جا اسیربازی نصیریان وانتظامی‌بود وازخودش اراده‌ای نداشت.

راه‌منطقی که جهت درمان درد های سینمای ایران‌من میتوانم پیشنهاد بکنم آن است که تهیه کنندگان باشهامت پیدا بشوندو ساختن فیلمهای خوب را ادامه بدهند. کارگردان مجبور نشود بخاطر بازارو تهیه کننده مبتذل ساز، افت کند وبعدازیك فیلم خوب، یك‌فیلم‌بد بسازد.

سینماگران ما ذوق مردم را منحرف کرده‌اند. مردم عادت کرده‌اند ازفیلم های مبتذل دیدن کنند.

فیلمسازان ما تصورمیکنند مردم هنوز درهمان سطح‌شعور فیلم«غفلت» باقی‌مانده‌اند که دوباره‌آنرا باسم «گرداب گناه» به خورد آنها میدهند.

دراین‌مورد یکی‌ازمقصرین‌هم تماشاچی است. تماشاگر فیلم ایرانی بایدفیلم های بد ومبتذل‌را بایکوت کنند وبه‌هیچ تهیه کننده سود جوئی اجازه اظهار وجود ندهد ولی متأسفانه این‌گناه‌را مرتکب‌میشود. بهرحال من بعنوان یك تماشاچی علاقمند به‌اعتلای سینمای ایران به پاسخ سئوال شما مبادرت ورزیدم، فقط همین.

بیژن امامی (سردبیرمجله‌این‌هفته)

■ سینما بطورکلی مساله‌عرضه وتقاضاست. در این نکته هیچ تردیدی وجود ندارد که باید اثری‌تهیه کرد که آنرا مردم‌تحویل بگیرند، درغیر این‌صورت، اثروفایده‌ای نخواهدداشت.

زمانی بود که مردم‌مطابق زمان «گنج قارون» را با آن‌فرم وسبك پسندیدند وبعد «قیصر» را پذیرفتند. همان موقع که «گنج قارون» مورداستقبال‌شدید مردم‌واقع شد، همه فیلمسازان بدنبال‌این سوژه افتادند وحالابا تهیه «قیصر» عده‌ای بفکرافتادند که دراین زمینه فیلم‌بسازند ونتیجه‌آن‌شد که روال فیلم ها عوض گردید.

درهمه دنیا اصولا همین‌طور است‌و نمی شود این امررا عیب‌پنداشت. سینمای‌ایتالیا پس ازجنگ، بدنبال فیلم های نئورئالیستی، پس ازمدتی به‌درام های خانوادگی روی آورد وبعد به‌وسترن‌های‌زشت وحالاکمدی های‌چیچو وفرانکو...

دنباله‌ی نظریات بیژن امامی‌را در شماره آینده مطالعه کنید









موفقترین رمان دهسال اخیر در قالب یك فیلم خوب

■ سینما از نخستین سالهای شروع، از اولین وسیله‌هائی که جهت جلب اقبال بیشتر عامه بسینما بهره گرفت، استفاده از روی آثار نویسندگان بزرگ است که تاکنون درهفتاد و پنج سالی که ازعمر سینما گذشته ادامه دارد و بتدریج برگردان رمان بسینما سیر تکاملی‌خود را سیر میکند و هر زمان کاملتر از قبل می‌شود.

آنقدر مورد استفاده از رمان درفیلم ها زیادست که‌تحسیب تعداد آنها ازشمارش خارج است ودر این بین‌بیشتر آثار «ارنست‌همینگوی، جان اشتاین بك، الکساندر دوما، اونوردو-بالزاك، ژول‌ورن، ویلیام‌فاکنر، ویلیام‌شکسپیر، لئون تولستوی» مورداستفاده واقع‌شده است.

درشرایطی که موافقین ومخالفین این امر حدوداً هفتادوپنج سالست که به‌جدل وبحث با یکدیگر مشغولند وبرخی‌شان معتقدند که یک رمان، در سینما روح وفضای اصلی خودرا از دست میدهد وحالت تفاله‌ای‌را پیدا میکند و دسته‌ای دیگر اعتقاد دارند چنانچه کار گردان درکارش اصالتی بخرج بدهد، بـرواج فکر و ایده نویسنده کمك کرده است وبه‌زعم این‌عقاید موافق ومخالف «سینما» هرزمان که‌فرصتی‌بدست آورده به‌بهره گیری از رمان‌های موفق‌پرداخته است و«سینمای ایران» نیز از این‌قاعده مستثنی نبوده است وگاه وبیگاه (وبا مقایسه‌با سینمای سایر کشور های جهان البته کم) از رمان‌های موفق وپر فروش ایرانی بهره برده‌اند و اخیراً نسبت به‌بیست وچند سالی که ازعمر سینمای ایران گذشته، موردچنین استفاده‌ای بیشترشده است ویکی ازاین‌موارد «کلبه آنسوی‌رودخانه» است که یکی ازپرخوانده ترین پاورقی در سالهای اخیر بوده و وسیله «منوچهر مطیعی» نوشته‌شده است.

کمتر کسی است که‌این داستان‌جذاب رانخوانده باشد، داستان‌آدمهای گرفتار احساس، آدمهای گرفتار دسیسه، آدمهای‌گرفتار عشق، آدمهای خوب و فداکار، آدمهای بدو فریب خورده یا فریب‌کار، داستانی که روابط‌آدمهایش‌گوشه‌های واقعی از زندگی را بازگومی کند.

با توجه به‌این نکته‌که یك اثر ادبی وقتی بصورت فیلم درمی‌آید، نه چیزی اضافه بدست می‌آورد ونه چیزی از دست میدهد و چنانچه بپذیریم که هرخواننده کتاب رابادیدخاص‌خودش می‌خواند، تحلیل وتجسم می‌کند. پس‌فیلمساز نیزخود نظیریك خواننده بنوعی داستان را تحلیل وتجسم می‌کند واین‌بستگی به روح‌رمان و تبحرنویسنده داردکه چگونه فضا را ترسیم کرده باشد تا خوانندگانش این تجسم وتحلیل را باتصوری نزدیك به‌هم داشته باشند ورمان «کلبه‌آنسوی رودخانه» ازاین خصیصه بخوبی باتکاء داستانویس‌خوبی‌چون «منوچهرمطیعی» برخوردار است وبه احتمال قوی تماشاگران این فیلم به‌کثرت تعداد خوانندگان داستان خواهد بود، بخصوص‌که حتی مخالفان بهره از رمان درفیلم نیز در جرگه تماشاگران قرار خواهندگرفت چه حس‌کنجکاوی دراین مورد دخالت دارد و میخواهند بدانندکه‌کارگردان، هنرپیشه و سینماشناس از پرسوناژهای مخلوق داستانویس چه ایده‌ای‌گرفته و بکار برده‌اند، تباین وجدائی بین درك نویسنده ودرك فیلمساز نیز دراین بین جالب خواهد بود.

بهرحال «کلبه‌ای‌آنسوی رودخانه» اکنون آماده نمایش شده‌است، دراین فیلم‌که وسیله «محمد علی جعفری» تهیه شده است «ناصرملك مطیعی» زری خوشکام، همایون بهادران، ایران دفتری وآنوش» درآن نقشهای اصلی را ایفا می‌کنند.

این فیلم که توسط «فرودین فیلم» توزیع میشود وسیله «شیرازی» کارگردانی شده است.



وعده‌گاه‌ما و اکیپ فیلمبرداری فیلم« آدمك »، یکی از خانه‌های واقع در خیابان تکش است :

ساعت ۴ بعدازظهر درجلوی این‌خانه ، باجوانی که ریشی‌تویی دارد برخورد می‌کنم و راجع به محل فیلمبرداری میپرسم بمحل فیلمبرداری راهنمائیمان‌میکندکه در طبقه‌ی سوم یك‌عمارت واقع است وما بایدآنجا باشیم:



«خسرو هریتاش» (کارگردان فیلم‌آدمك) و «مصطفی عالمیان» (فیلمبردار فیلم)

دو دوربین در پشت یك صحنه از آدمك!

گزارش از : تبسم

از در کـه وارد می‌شویم ، طبق معمول ، چیزی که بیشتر ازهرچیز جلب توجه‌میکند تعداد پروژکتورهاست‌وپیچش‌خم درخم‌سیمها در وسط سالن ! از ظاهر امرپیداست کـه هنوز کار فیلمبرداری آغاز نشده است و هنوز وسائل کار مهیا نیست .

«هریتاش» کارگردان فیلم در گوشه‌ئی نشسته وچشم به صحنه‌ی نیمه‌تاریك دوخته‌و در فکر صحنه‌ئی است که‌در پیش‌است بعداز چند دقیقه مذاکره ، کیفیت کار فیلمبرداری مشخص میشود وهـمچنیـن معلـوم می‌شود که وسایل کار تا حدوداً یك ساعت دیگر آماده می‌شود .

بایستی نشست و منتظربـود، همه در تلاشند وجنب‌وجوش میکنند .هرکسی‌مشغول کاری است.

دور یـك میز مـدور چند زن و مرد نشسته‌اندوقمار میکنند.

در وسط سالن یك میز مستطیل شکل قراردارد که عده‌ی دیگری به‌دورآن جمع شده اند . تراولینگ در کنار پروژکتورها خیلی آسوده خفته‌است! دوربین درگوشه‌ئی دیگر کاشته شده وشخصی‌با آن کلنجارمیرود ولابد آماده‌اش میکند.

یك بار در گوشه‌ی سالن‌دوم منزل که به سالن اول مربـوط است ،دیـده می‌شود شیشه‌های خالی مشروب ولیوان‌های خالی‌و نیمه‌پر روی آن جلب توجه میکندو...

«هریتاش» در سکوت و آرام به‌این‌طرف و آن طرف میرود و به کارکنان فیلم دستور هائی میدهد ودر میان این افراد ، چهره‌ی آشنائی‌هم دیده میشود که با او ازطریق‌عکس های چاپ شده در مجله‌مان آشناشده‌ایم . «سیامك دولتشاهی» در انتظار رسیدن زمان فیلمبرداری است وهربار که کارگردان او را در مورد نقشش راهنمائی میکند، سرا پا گوش میشود.

چند دقیقه بعد،عالمیان فیلمبردارفیلم هم وارد سالن میشود. به‌طرف دوربین‌میرود به آسیستانش‌در موردجزئیات کارتوضیحاتی می‌دهد. ضمناً دستورمیدهد که‌تراولینگ‌رااز سالن خارج کنند .

این‌طور که پیداست در پلانی که بـاید فیلمبرداری شود، احتیاجـی به تـراولینك نیست ولی چند دقیقه بعد دوباره.تراولینك را وارد می کنند واین‌بار لابـد لزومش‌حس شده است.

دوربین روی تراولینك تنظیم‌میشود و درمقابل بار ، قرار می‌گیرد . « عالمیان » مشغول تنظیم نور است «هـریتـاش» با هر گشتی‌که به‌دور سالن می‌زند، قسمتی از کار را روبراه میکند. قرار است شیشه‌های‌روی بار که تعداد زیادی‌را شامـل‌مـی شوند، به همین صورت درکادر باشند ولی «عالمیـان» به«هریتاش» پیشنهاد میکنـد کـه از تعداد شیشه‌های مشروب کم کنند. بعد از مقداری

بحث وپس ازآنکه «هریتاش» بیشتر به‌صحنه می‌پردازد، چندعدد از بطری‌هـای مشروب را ازروی بار برمی‌دارند .

روبراه‌کـردن صحنه، دوساعـتی بطول می‌انجامد. حتی از ساعت شش‌بعد از ظهرهم چند دقیقه‌ئی‌گذشته است ولی‌هنوز عملافیلم برداری نشده است.

«هریتاش» بطرفم‌می‌آید و می‌گـوید ، **می‌بینید برای فیلمبرداری هرپلان چقدر معطل می‌شویم؟**

در این فکر هستم‌که حقیقـتاً چندین ساعت متمادی برای تنظیم جزئیات صحـنه، وقت صرف‌میشود واین‌موضوع‌درسینمای‌این مرزوبوم کمترسابقه دارد.

«هریتاش» دراین مورد توضیح‌بیشتری می‌دهد: **درممالك دیگر برای هردقیقه‌فیلم ممکن است بیش از بیست و چهـار ساعت وقت صـرف شود و فیلمبرداری یك فیلم ۹۰ دقیقه‌ئـی دقیقـاً ۹۰ روز به طـول می‌انجامد** وبعد هم اضافه می کندکه ، **با این حال ما بعضی روزها چهار دقیقه از فیلم راهم فیلمبرداری‌کرده‌ایم ولی این‌بستگی به موقعیت وشرایط مکانی‌آدمها وداستان دارد.** به تعداد کارکنان فیلم توجه می کنم . در ایران خیلی به ندرت اتفاق می‌افتدکـه مقدارکارکنان پشت صحنه تا این حـد زیاد باشد. «هریتاش» دراین مورد اینطور اشاره می کند: **«درآمریکا حتی‌گاهی اوقات‌چهل نفر در پشت صحنه مشغول کار هستند ولی**





شرح تصویر سمت چپ :
«خسرو هریتاش» صحنه ای از فیلم را برای «ژاله، سیامک دولتشاهی و زری خوشکام» در فاصله دو صحنه از فیلمبرداری تشریح می کند .

یك پلان ازفیلم «آدمك» که «سیامك دولتشاهی» بازیگر آنست ←



● اولین فرد ازسمت راست؟ازپشت صحنه فیلم «آدمك» فیلمبرداری میکرد، عالمیان پشت دوربین و «هریتاش» در تدارك یك صحنه ازفیلم .

البته تعدادی از آنها هم زایدند»

در میان حاضرین کم کم سروکله‌ی «زری‌خوشکام» بازیگرنقش اول زن فیلم هم پیدا می‌شود که منتظرشروع فیلمبرداری‌است «هریتاش» توضیحات لازم را داده است و کم کم وقت تمرین فرا می‌رسد وپس از چند بار تمرین «هریتاش» دستور شروع کار را می‌دهد .

درب سالن باشتاب باز وجوانی داخل می‌شود. در همین موقع جوان دیگری که یك سینی چای به‌دست دارد وظاهرأمستخدم منزل درفیلم است، از در مجاور به جهت مخالف مسیرجوان اول حرکت می کند و لحظه‌ئی بعدآن دو درمقابل یکدیگر قرار می گیرند. مستخدم سلام می کند. جوان‌پاسخ اورا مـی‌دهد و مـی‌پرسد : **«کی‌ها اینجا هستن ؟»**

- کات

فیلمبرداری نیمه‌کاره قطع می‌شود . هریتاش به جوانی که نقش مستخدم رابازی می کند می گوید که از کنار دیوار عبور کند تا روبروی جوان اول قرار نگیرد .

دوربین مقابل بار روی تراولینگ قرار دارد وصحنه‌ی برخورد پسر که سیامك نقش اورا ایفا می کند ومستخدم رامی گیرد.

دوربین همچنان ساکن است. یك بار دیگر نورتنظیم می‌شود .

دراین‌حال که صدای موتور دوربین فیلمبرداری دیگری به‌گوش می‌رسد که از فعالیت‌های کارگردان، کارکنان وفیلمبردار و سایرین فیلمبرداری‌می کند. اینطور که‌پیداست ازاین‌فیلمها درآینده به هنگام تهیه‌ی آنونس فیلم استفاده خواهد شد.

«هریتاش» ازنحوه‌ی بازی مستخدم خوشش‌نمی آید ولبخندی به تمسخرمی‌زند و بعدازچند لحظه‌ئی مجددأ فیلمبرداری آن صحنه راآغازمی کنند. دراین‌حال، صدای‌دو دوربین‌فیلمبرداری‌به گوش‌می‌رسد،چه دراین فاصله فیلمبردار دوم‌نیز ازطرز فیلمبرداری فیلم، فیلمبرداری‌می کنند : جوان ، بعداز صحبت با مستخدم به‌طرف بارمی آید،دوربین همراه با اومی‌چرخد. ازپشت دیوار مشبك کناربار افرادی راکه دورمیزی نشسته و مشغول بازی باورق هستند . نگاه می کند . انگشتهایش را روی‌بارمی کوبد.

«هریتاش» سیامك را مخاطب قرار می‌دهد ومی گوید « **حرکت‌کن**»جوان‌لیوانی را برمی‌دارد، سه تکه یخ درآن می‌اندازدو مشروبی برای خود می‌ریزد. جرعه‌ئی ازآن را می‌نوشد. همراه اودوربین‌روی‌تراولینك حرکت می کند وتا نقطه‌ئی ازکف سالن که علامت گذاری شده‌است پیش می‌رود. تراولینك خیلی سریعتر ازمعمول حرکت می کند.

«هریتاش» متوجه‌این‌سرعت غیرعادی می‌شود ودستورقطع فیلمبرداری‌را می‌دهد.

باید ازنوفیلمبرداری کرد. یکباردیگر عالمیان امورمربوط‌به‌خودرا کنترل‌می کند. دوباره صدای دوربین شنیده می‌شود وهمان حرکات قبلی تکرار می‌شود وسیامك بنابه گفته‌ی هریتاش که از اوخواسته بود موقع نوشیدن مشروب وقت راتلف نکند،سریعتر حرکت کند.لیوان‌مشروبش‌راهمراه باشیشه‌ی مشروب برمی‌دارد وبه‌طرف کاناپه‌ی کناربار می‌رود وروی آن می‌نشیند. این‌بار تراولینك حرکت نرم وآرامتری‌دارد.

درطول‌این‌مدت افرادی که‌دورمیز مذکور نشسته بودند کماکان مشغول‌بازی‌هستند . در میان آنها یکی‌دوچهره‌ی آشناهم‌دیده می‌شود ازجمله‌« ژاله» هنرمند رادیووسینما.

هریتاش وضع‌فیلمبرداری‌را ازعالمیان می‌پرسد وعالمیان‌توضیح‌می‌دهد که«فوکوس» خوب نبوده‌است .

یکباردیگرحرکت ازنوآغازمی‌شود . عجیب است که‌هیچگونه اثری‌ازخستگی درسیمای حاضرین حس نمی‌شود.

دوربین بکار می‌افتد . جوانهابرخورد میکنند وحرفهای گذشته رد وبدل‌میشود.

جوان از مستخدم‌می‌پرسد«**کی‌ها اینجا هستن؟**» ومستخدم جواب میدهد : « **مینا خانوم با پدر ومادرشون تشریف‌آوردن، مادرتونم همراهشون بود.**

جوان دوباره می‌پرسد، «**کی آمدن ؟**» ومستخدم پاسخ می‌دهد، «**بعداز ظهر**». بعد از چند لحظه دوباره به‌هنگام حرکت تراولینك اختلالی دروضع عدسی‌ها پدید می‌آید وبرای چندمین بار فیلمبرداری تکرار میشود. بالاخره بار ششم گویا وضع رضایت بخش تراست واین‌موضوع ازحرفهای «هریتاش» به‌خوبی پیداست. بقیه‌درصفحه ۴۰

شماره نوروز ۱۳۵۰ ، بهترین و کامل‌ترین شماره مخصوص «فیلم و هنر» ...

تاریخچه استودیوهای فیلمبرداری در ایران

-۵-

استودیو ایران فیلم

تا کنون در این سلسله مطالب تاریخچه استودیو های فیلمبرداری در ایران، تاریخچه استودیو های «پارس فیلم، میثاقیه، عصر طلائی ومهرگانفیلم» را خوانده‌اید واینك تاریخچه یك استودیوی قدیمی دیگر ایران...

■ یکی ازقدیمترین استودیـوفیلمبرداری در ایران از«استودیوی ایران فیلم» می‌توان نـامبرد، «استودیو ایران فیلم» در خاطرخیلی‌هـا با اولین محصول آن فیلم معروف «ولگرد» زنده میشودکه در آن ناصرملك مطیعی و سوسن نقش‌های اصلی را بازی میکردند. ولگرددر سال ۱۳۳۰ نمایش داده شد و پرفروش‌ترین فیلم ایرانی درهنگام نمایش و حتی تا چند سال بعد از آن بود.

«غدیری» مـؤسس ایران فیلم یکی ازاولین افرادی است کـه برای تأسیس استودیو در کشور سرمایه‌گذاری کرده‌است و با آنکه اکنون بطورکلی ازفعالیتهای سینمائی‌بدور است همچنان دربین سهام داران استودیو ایران‌فیلم می‌باشد و درایـران فیلم سهیم است.

«غدیری» که‌با تشویق های پی‌درپی «ابوالقاسم رضائی»، درسرمایه‌گذاری ایران فیلم اقـدام نموده بود دربدو امر وبلافاصله بعد از تهیه «ولـگرد» که «رضائـی» فیلمبردار آن بود اورا نیز در استودیو شریك نمود واین بخاطر اطلاعات‌فنی وتلاش‌فراوانی بودکه «رضائی» در مورد فعالیت «سینما» صـورت میداد.

«رضائی» که یکی از قدیمترین تکنیسین هـای سینمای‌ایران‌است‌وسالهای قبل از شروع تـهیه فیلم طویل سینمائی در تهران (بصورت‌رسمی) فعالیتهائی دراین زمینه داشته است، نخست در مشهد فیلمهائی رادوبله کردکه بخاطرعدم وسایل‌فنی‌لازم نوارصدای دوبله شده‌با نـوار اصلی فیلم «پوزتیف» جدا بوده است وبهنگام نمایش دو نواربا علامتهائی که جهت تطبیق صدا روی آنـهـا گذاشته‌میشده است دستگاه ها بکار میافتاده است وچه بسا که‌بخاطر اشتباه مسئول دستگاه نمایش، فیلم‌ونوار بطورجدا «ناسینك» حرکت میکردندواین باعث اختلال درنمایش‌میگردید‌بهرحال «رضائـی» بعداز دوبله چند فیلم وتهیه یك فیلم رنگی که نیمه‌کاره ماندور سالهای ۲۷ - ۲۶ همراه «مهدی رئیس‌فیروز» کارگردان قدیمی فیلمهای ایرانی که‌آنزمان درمشهد درخدمت وظیفه بود و در فیلم نیمه کاره رضائی نیز بازی کرده بـود بتهران آمد نخست یکی، دوفیلم ۱۶ میلیمتری‌رافیلمبرداری کرد وسپس‌بعدازآشنائیش با «غدیری» وتاسیس‌ایران فیلم بجرگه فیـلمسازان انگشت‌شمارآنروزه «۱۳۳۰» درآمد درحالیکه درتاسیس استودیـوی دیگـری بنام «البرز» بایکی‌دونفردیگر شریك بودولی‌بعدازگسترش کارایران فـیلم استودیو البرزباکناره گیری «رضائی» خودبخود منحل و تعطیل شد.

درایران فیلم بعداز موفقیتی که اولین محصول آن «ولگرد» بدست‌آورد فیلم‌دیگری ساخته شدبنام «پایان رنجها» که این فیلم را نیز «رئیس‌فیروز» کارگـردانـی‌و «رضائی» فیلمبرداری نمودند و در آن مهین دیهیم، آزاده و منوچهر زمانی نقش‌های اصلی‌را بازی میکردند. پایان رنجها باآنـکه از کوشش‌های‌مثبتی درآنزمان برخورداربود ودرفستیوال فیلمهای ایرانی در سـال ۱۳۳۳ بـعنوان بهترین فیلم شـناخته شـد معهذا نتوانست از نظر مالی و تجارتی‌موفقیتی‌دربرداشته باشد بهمین‌جهت «غدیری ورضائی» بعدازنمایش‌آن ترجیح دادند ایران فیلم را بیك استودیو دوبلاژ که‌آنموقع‌میرفت‌تاکاردوبله در ایران رونق پیدا کند تبدیل نمایند.

بین‌سالهای‌سی‌وچهار تاچهل دو استودیو ایران فیـلم‌یکی‌از پرکارترین استودیو های دوبلاژ کشور بودکه‌معروفترین‌وبهترین دوبلورهای امروزکارخود را ازایران فیلم‌آغاز کرده‌اند دراین‌استودیو طی‌سالهای یاد شده بیش‌ازصدها فیلم به فارسی دوبله شـده‌است که تامدتی «رضائـی» در دوبله‌آنها نظارت داشت و سپس‌با تـربیـت مدیران دوبلاژ کارآزموده این‌وظیفه به‌آنها محول گردید.

ازسال ۴۲ که‌باردیگر کارفیلمسازی‌درکشوررونق گرفت‌استودیوایران‌فیلم‌که ازهرجهت‌مجهزوتکمیل‌بود دراختیارتهیه‌کنندگان با نام قرار گرفت بطوریکه در هفت سال گذشته بیش از دویـسـت فـیلم توسط این تهیه‌کنندگان درآنجا تهیه شده‌است.

استودیو ایران فیلم علاوه برمحل همیشگی و دائمی خود واقع‌درخیابان بهارکوچه بدایعی کـه در آنجا کـلیه وسایل فـنی استودیـو مثل مـوویولا، لابراتوار، چاپ، صدا- برداری، و غیره قـرار دارد یـك محل بـزرگ پلاتو نیز درجاده شمیران دراختیار داردکه‌آنجا را چند سـال قبل صـاحبان ایران فیلم‌که از صاحبان یك استودیو ورشکست‌بنام ویلا فیلم خریداری‌نمودند از میان فیلمهائی‌که تهیه کنندگان‌مختلف‌در «ایران فیلم» سـاخته شده اینهـا هستند:

«گنج قارون، طلای سفید، گرگهای گـرسنه، موطلائی شهرما، مـأمور ۰۰۰۸، امروز و فردا، سالار مردان، پسرزاینده رود، آفتاب مهتاب، پنجه آهنین، وسوسه، چـرخ بازیگر، پهلوان‌پهلوانان رودخانه وحشی، آشوبگر، رابطه، راهی بسوی خدا، قصه شب‌یلدا، دلاوردوران رسوا، ضـرب شست، من شوهـرمیخوام، وسوسه، رستم درقرن اتم، رنگین کمان، ماه‌عسل، شکاراسان، خداحافظ رفیق، شب‌عروسی سه‌تاجاهل، آتشپاره‌ی‌شهر، پیشتازان، خردجال و خیلی فیلمهای دیگر را نامبرد. البته هماطورکه ذکرشد تمامی این فیلمها با سرمایه تهیه‌کنندگـان دیگر بجز صاحبان اصلی خود «ایران‌فیلم» درآنجا تهیه شده‌است.

«ابوالقاسم رضائی» سه‌سال قبل‌ازمراسم حج‌در مکه شخصاً‌فیلمی‌ساخت‌بنام «خانه خدا» که جهت‌فیلم- برداری و تهیه آن چند فیلم‌بردارمثل‌احمدشیرازی، عباس‌دستمالچی، اسماعیل دین‌محمدی‌وهمچنین «جلال مقدم» با او به مکه سفر نمودند وبهمین‌جهت است که‌حالاگهگاه دوستان‌مثلا به «جلال مقدم» میگویند «حاجی مقدم!»

فیلم مستند خانه‌خدا توانست با استقبال زیادی درکشورهای‌اسلامی‌وهمچنین بعضی‌ازکشورهای اروپائی و آسیائی مواجهه گردد. بعد از نمایش خـانه خدا بودکه «رضائی» تصمیم گرفت‌از روی کتاب‌معروف «مأموریت‌درتهران» نوشته تورج فرازمند یـك فیلم بین‌المللی‌بسازدوکارگردانی آنرا پسر اوکه تحصیلات سینمائی‌خودرادرانگلستان بپایان رسانده بود انجام دهد وهمچنین فیلم‌دیگری با شرکت نورمن ویزدام بسازد وچون مشکلاتی در این راه پیش‌آمد درنتیجه از تهیه آنها منصرف شد.



ژان‌پل بلموندو — اورسلا آندرس

زشت و.. ...زیبا

● یك خبرنگار ایتالیائی طی مطلبی که درباره «ژان‌پل بلموندو» و «اورسولا اندرس» نوشت خاطرنشان کرده است، که یك هنرپیشه زن علیرغم تمام موفقیت و محبوبیتش و علیرغم تمام بی‌اعتنائیش بمردان همیشه گرفتار عشق خواهد بود و هرگز نمی‌تواند خود را از زنجیر پولادین آن رهائی بخشد. این امر اکنون واقعاً درمورد «اورسولا اندرس» صادق است و آغاز فیلمبرداری آخرین فیلم «بلموندو» تحت عنوان (زوجهای سال دوم) نگرانی شدیدی برای اورسولای زیبا بوجود آورد زیرا ژان مجبور بود برای مدتی او را ترك کند وجهت شرکت درفیلم مذکور به بخارست سفر نماید. درحقیقت این نگرانی چندان بی‌سبب نبود زیرا وجود زیباروی دیگری با نام «مارلین‌ژوبر» (ستاره فیلمهای «مردی که از باران آمده» و «قوزك پا») باعث این نگرانی شده‌بود واز آنجا که «اورسولا» وجود «ژوبر» را کاملا نگران کننده یافته‌بود لذا راهی «رومانی» شد و تا پایان فیلمبرداری با «بلموندو» دوام آورد.

وبدین ترتیب «اورسولا» همچنان رشته های ۶ساله دوستی وعلاقه خود با «ژان» را حفظ کرد. آشنائی آندو به‌هنگام بازی در فیلم (گرفتاری یك چینی درچین) آغاز شد ولی بعدازاندك زمانی آن بی‌قراری که در وجود (بلموندو) بود از بین رفت و اورسولا بعد از آن نتوانست بآسانی در کنارش زندگی کند وهمیشه میان آندو جدائی بود وژان‌پل بلموندو مجبور بود بخاطر حسادت بی حد اورسولا در مسافرتهایش اورا نزدخانواده‌اش بگذارد شاید یکی ازعلل مهم که باعث شد ژان پل بلموندو همچنان در کنار اورسولا بماند وجود پدر ومادرش باشد. بخصوص پدرش که از مجسمه‌سازان متبحر و معروف میباشد «اورسولا» ی قشنگ را خیلی می‌پسندد و میگوید که اوزنی است زیبا و سحرانگیز، دوست‌داشتنی وخوب ـ متین ومؤدب، کدبانوئی است که خیلی خوب میتواند جای خالی «الودی» (همسر سابق ژان‌پل بلموندو) را نزد «ژان» پر کند.

هر چند که «اورسولا»ی زیبا هیچگاه «ژان‌پل» زشت راتنها نمیگذارد ومیخواهد بهرقیمتی شده، حتی کناره‌گیری از «سینما»، «ژان‌پل بلموندو» را جهت خود حفظ کند، معهذا «ژان» علاقه «اورسولا»ی زیبا کناره گیری می کند و این شاید بجهت احساس گناهی باشد که وی باآنکه بهوس خود و گرایش بسوی «اورلا آندرس» ناچاراز ترك همسرش «الودی» وسه فرزندش شد وهرچند که بی‌میل نیست که «اورسولا» را رها کرده ومجدداً خانواده‌ش را جمع آورد، اما نه «اورسولا» این فرصت را برای رهائی به «ژان» می‌دهد ونه «الودی» قصد آن دارد که این فرصت را برای تزکیه نفس «ژان» ایجاد کند»!.



بچه رزمری (رومان پولانسکی)

ROSEMARY'S BABY

محصول سال ۱۹۶۸ کمپانی پارامونت ـ تکنی کالر ـ کارگردان رومن پولانسکی ـ بازیکنان : میافارو ـ جان‌کاساویتس ـ راث گوردون ـ سیدنی بلك من ـ موریس ایوانز ـ رالف بلوی ـ آنجلادوریان ـ الیشا بوك ـ مدیر فیلمبرداری : ویلیام فریکر ـ موزیك از : کریستوفر کومدا ـ سناریست: رومن پولانسکی ـ براساس داستانی نوشته‌ی ایدالوین ـ تهیه کننده ویلیام کسل .

چقدر بعداز بیدار شدن از یك خواب غیر عادی باخواب‌های ناخوش آیندی که دیده شده ،از اینکه همچنان‌در آن دنیای‌موهومی نیستیم، خوشحال میشویم ؛ خروج از سینما ، بعداز مشاهده « بچه رزمری» برایمان همین وضع‌را پیش می‌آورد . با این تفاوت که‌این بار رغبت دیدن این دنیای موهومی را برای دفعات بیشتر ، بازهم داریم .

تصاویر «پولانسکی» در مجموع دقیقا حکم توهمات خود ما را داراست ودرآن کلا همچون فیلم قبلی «پولانسکی» ، « ببوس ولی گازم نگیر» ،ذهنیات بامعنای کلی کلمه نهفته است .ولی هماطور که یك رویا، یك‌خواب، یك وهم ، ترکیبی از حقایق زندگی وتصور است ، فیلم «پولانسکی» نیز مرکب از دوعنصر حقیقت وتصور است بدین ترتیب کارگردان در نیمی از فیلم ،عناصر اثرش را بین‌این‌دو قطب وتضاد نگاه می‌دارد ولی سرانجام ـ بی‌اینکه لازم‌باشد داستان را از روی مسیر منطقی اش دنبال کنیم تابه سرانجامی برسیم ـ حقیقت را برتصور غالب میکند . یعنی اگر مواردی نظیر کادری که درآن ، صورت شوهر رزمری باوصفی وحشتناك وظاهراً زخم دیده شاید نشانه‌ئی است ازشیطان ــ در«تصور ـ حقیقت» زن دیده میشود که میتواند ، فیلم را کاملا از آن وهم وخیال زن به نظر برساند، موارد بسیار زیادی هم پیش کشیده میشود که در بطن آنها حقیقت در فیلم بر تصور چیره می گردد ونکته‌ی قابل تعمق فیلم‌هم ،درهمین است .

چه، ایده‌ی پولانسکی وفکر اوایجاب میکرده است که‌ماجرا های فیلم برای «رزمری» اتفاق افتاده باشدوصرفاً تصورات او نباشد وبا این‌حساب ، وقایع برای «رزمری» ناشی ازافکار زمان حاملگی نیست و درهمان شهربزرگ ووسیع و امروزی ، با ساختمانهای بلند (که پولانسکی شباهتی بینشان با ساختمانهای فیلم ببوس ولی گازم نگیر پیدا میکند) به‌وقوع می‌پیوندد.

اینبار «پولانسکی» نسبت به‌فیلم «ببوس‌ولی‌گازم‌نگیر» رو به زمینه‌ی قابل فهم‌تر ودرعین‌حال بازتری آورده است . فضای خون‌ـ آشام‌ها اگرچه از طریق فیلمها ، فضای بالنسبه آشنائی است ولی استعاره های موجود در آن به‌زعم واضح بودن ظاهریشان ، به سختی شناسانده می‌شوند . در حالی‌که در «بچه رزمری» این استعاره‌ها، در کیفیت واضح تری قرار دارند . درحقیقت دوری زمینه‌ی فیلم «ببوس ولی‌گازم نگیر» ازمفاهیم‌آن (باوجود نزدیکی‌که درظاهرشان حس می‌شود) سبب می‌گردد که فیلم ، دیرتر بازشود ولی باوجود این در «بچه رزمری» نزدیکی زمینه ومفاهیم سبب توفیق اثرمی‌شود . چه ، تلفیق حقیقت وتصور مستلزم این نزدیکی بوده است .

از تلفیق حقیقت و تصور برای پولانسکی، مبارزه‌ی ماده و معنا یعنی مبارزه‌ئی‌که احتمالا ذهن خود اورا مشغول داشته است ، عاید می‌شود. به همین منظور دراستخوان بندی اثرمتقابل یك ماده ومعنای ازلی وابدی رامی‌گنجاند (دراینجا مسلماً برای من‌معتقدات مذهبی‌خودمان مد نظرنبوده است) این ماده ومعنا ، درحقیقت‌شیطان و خدا هستند .

از دو فیلم «ببوس ولی‌گازم‌نگیر» و«بچه رزمری» اینطور استنباط می‌شودکه «پولانسکی» از یکطرف معتقد به‌وجود شیطان در وضعی‌کاملا ملموس ومادی است. یعنی عنصر مادی آثارش ، خود در حالتی مادی ظهور می‌کند. (خون‌آشامها درفیلم اول و بدن پشم‌آلود موجودی‌که هم بستر زن می‌شود درفیلم‌آخر) واز طرف دیگر نسبت به عنصر ونیروی معنوی درآثارش‌کم توجه است وحتی آن را به باد استیضاح هم می‌گیرد .

(انگشتری‌که پاپ ، درذهن رزمری به‌دست دارد وازجنس گردن بندی است‌که پیروان شیطان به‌او هدیه داده‌اند) بدین ترتیب درکنار استیلای حقیقت برتصور درفیلم ، ماده به‌معنا چیره ونتیجتاً شیطان، سمبل ماده ، محوراصلی فیلم می‌شود.

این ایده ، عیناً از شخصیت رزمری، پیاده‌شده است . یعنی ، «پولانسکی» شخصیت‌خاص «رزمری» را عملا تم فیلم خودقرار داده است وبقیه‌پرسوناژها، عناصرفرعی وکمکی هستند.

نحوه‌ی پیاده کردن ایده‌درزندگی«رزمری» یکی‌از عواملی است‌که‌کارپولانسکی را باارزش میکند قطب‌معنوی وگرایش رزمری به‌سمت این‌قطب درگذشته‌ی او قرارداده شده‌ولی درزمان حال‌فیلم ، شیطان ومابقی قضایا پیش پایش قرار می‌گیرد وبا نتیجه‌ئی‌که «پولانسکی» درپایان فیلمش ازقطب مادی میگیرد (جمع‌آمدن پیر و جوان وحتی با ملیت‌های مختلف به‌عنوان شیطان پرست) عیناً شبیه فیلم قبلیش (اجتماع خون‌آشام درپایان فیلم) حاکی از یك فکر خاص‌درمورد جوامع‌امروز است.

مرگ‌معنا وجان گرفتن ماده، (شایدبه تعبیری حتی در اخلاقیات امروزما) مد نظرپولانسکی بوده است. خون‌آشامان در « ببوس ولی‌گازم نگیر » وپیروان شیطان از «بچه‌رزمری» درواقع استعاره‌هائی میتوانند ازبرای‌بیان حال جوامع امروزباشند ولی «پولانسکی» حرفش‌را باچنان قاطعیتی بیان‌میکند‌که معنای‌سمبولیك کلام‌خودرا محوو‌پنهان میکند .

تلقی «رزمری» درمورد مذهب یکبار برسرمیز شام درکنار شوهرش و «رومن» مرد پیر شیطان پرست ویکبار دیگر دررؤیاهای

بقیه درصفحه ۴۱



● «فردین» و «پوری بنائی» در «یك خوشگل و هزار مشکل»

در بارهٔ:
سازمان سینمائی چهلستون
بیشتر بدانیم.

● منوچهر وثوق، گوگوش، جمشید مشایخی، درصحنه‌ای ازفیلم «آسمون بی‌ستاره»



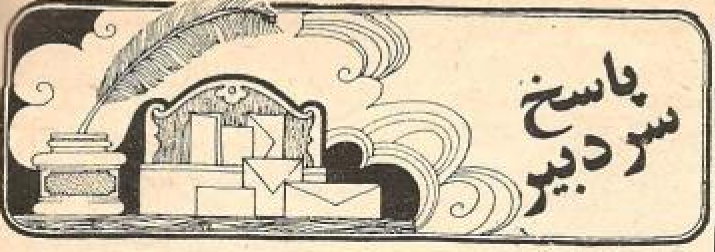
« سازمان سینمائی‌چهلستون» یك سازمان تولید وتوزیع جوان سینمائی کشوراستو بزعم جوانی این سازمان مسئولین و اداره کنندگان آنها را فکرهای با تجربه و با سابقه چندین ساله سینمائی اداره می‌کند.

مسئولین «سازمان سینمائی چهلستون » در وهله‌اول درصدد تهیه فیلم‌های متعدد وفراهم‌آوردن یك‌سطح کمی‌برای سازمان‌جدید‌ـ التاسیس برای شناسائی بیشترآن برآمدوفیلم«**قصه دلها**»بکارگردانی «حمیدمجتهدی» وبا شرکت « ناصرملك‌مطیعی‌وفریباخاتمی» که در اوائل‌سزون سینمائی سال گذشته نمایش داده شد ، شروعی براین‌هدف بودو بلافاصله‌تهیه‌سه فیلم دریك‌زمان آغاز گردیدابتدا فیلم « **زیبای‌جیب‌بر** » بکارگردانی « رضاصفائی» که باشرکت «پیمان ولی‌لی» وسپس فیلم « **آسمون بی‌ستاره** »را باشرکت «منوچهر وثوق، گوگوش، جمشید مشایخی‌و سپهرنیا» بکارگردانی « حمید مجتهدی» وهمچنین‌فیلم« **بده در راه خدا** » باشرکت « ظهوری ، میری، کتایون،مختار» بکارگردانی « رضاصفائی» که‌این‌دوفیلم‌آخری اکنون آماده نمایش است و فیلم « زیبای جیب‌بر » که توفیق مادی‌قابل‌توجهی نیزبهمراه‌داشت چندی پیش‌روی پرده‌آمد .

دراواسط‌سال‌جاری مسئولین « سازمان سینمائی‌چهلستون » که کمیت حائزاهمیتی‌به سطح تولید سازمان خود داده بودند، تصمیم به تبدیل روش و اتخاذ راههای تازه که دربدوتاسیس‌سازمان‌زمانش ـپیش‌بینی‌شده بودـ گرفتند و در تصمیمات تازه « کیفیت»مهمترین مسئله مورد گفتگو بودو بطوریکه « حمید مجتهدی » مدیر مسئول « سازمان سینمائی‌چهلستون » که از جانب اعضاء شرکت مزبور برگزیده شده‌است اظهارمیداشت این طریق از این پس تعقیب خواهد شد بطورکلی « سازمان سینمائی‌چهلستون » همانطوریکه پیش‌بینی شده بود ، اقدامات و برنامه های خود راصورت‌داده و ازاین‌پس دنباله فعالیت‌های خود را درتهیه وتوزیع فیلمهابصورت سازمانی گسترده وکامل ادامه خواهدداد. «حمیدمجتهدی» درباره فیلم «یك خوشگل‌وهزارمشکل» وهمچنین برنامه های آینده این سازمان چنین‌اظهارداشت ،

«یك‌خوشگل‌وهزارمشکل» در سینمای ایران ، بعنوان یك فیلم خوب ، با داستان تازه و پرداخت نوئی‌که دارد ، مسلما درردیف آثار جنجالی‌و موفق سینمای ایران قرار خواهد گرفت«یك‌خوشگل‌وهزارمشکل» یك فیلم « سکوپ رنگی» است که درآن‌سرشناس‌ترین‌هنرمندان سینمای ایران نظیر « فردین ، پوری‌بنائی، آرمان، خیاط‌باشی میری، علی تابش » و گروهی دیگر درآن شرکت دارند.

«سازمان‌سینمائی‌چهلستون» درحال‌حاضر فعلا آماده‌ترین پروژه‌ای‌که‌برای تهیه فیلم‌دارد اثری است با عنوان « سه یار دبستانی» که وسیله خود من کارگردانی‌وفیلمبرداری‌خواهد شد، سناریوی‌این‌فیلم‌را«بهرام ری‌پور» می‌نویسد و در آن « سپهرنیا،گرشا ، متوسلانی » شرکت دارند . وسایرپروژه‌ها درحال حاضرقطعی تعیین‌نشده وبزودی دقیقا معین خواهدشد که درزمان خود اطلاعات لازمه را باطلاع خواهیم رساند .»



آقای حسین دانشور فرزانگان

۱ـ از هنرپیشگان فیلم مزبور بی‌اطلاعیم زیرا تاکنون چندبار هنرمندان آن عوض شده‌اند ۲ـ از بیك ایمانوردی فیلمهای دلقکها ، رستم در قرن اتم ، راهی بسوی خدا ، احمد چوپون ، فاتحین صحرا ، برای که قلبها می‌طپد آماده نمایش است و از ملك مطیعی فیلمهای سه‌قاپ ، سالار دهکده، مشکل دخترها ۳ـ فیلم گنج قارون در حدود ۲/۰۰۰/۰۰۰ میلیون ریال درمدت چند سالی که از تهیه آن میگذرد فروش داشته و این بزرگترین رقم فروشی است که یك فیلم در ایران بدست آورده است .

آقای اسماعیل همتی

از طرف بیك ایمانوردی ازشما تشکر می‌کنیم. ایشان کمتر بدفتر مجله مراجعه می‌کنند و کار زیاده از حد فرصت نمیدهد که بدیدار علاقمندانش موفق شود ، معهذا در فرصت مناسب ترتیب ملاقات شما را خواهیم داد ، درضمن مطلب ارسالی شما فعلا چاپش مقدور نیست .

آقایان وارطان آوانسیان ـ علی اصغر اصفهانی وشاهین جانس

۱ـ ازمحبت شما ممنونیم تشکرات متقابل ما را بپذیرید ۲ ـ نامه‌های دریافتی خوانندگان بترتیب نوبت پاسخ داده می‌شود، حتما نامه شمارا دریافت نکرده‌ایم ۳ ـ نه ، چون تا اوائل اسفند چاپ تصاویر چهره‌ها بطول می‌انجامد و در شماره ۳۱۸ بعلت کثرت آگهی چاپ صفحه مسابقات میسر نشد .

آقای سیدمصطفی جلیل‌زاده

حرفهای شما منطقی و مستدل بود ولی دربعضی مواقع درشرایطی قرار میگیریم که ناچار بانجام آن هستیم : درمورد مطالب آن شماره و تصاویر متعدد ملك‌مطیعی ناچاریم بگوئیم قسمتی از آنها آگهی بود و به دستور صاحب فیلم بجای چاپ آگهی عکسها را چاپ کردیم که اتفاقاً مصادف باعکس رنگی اوشد والاقصد دیگری در میان نبوده ،اما در مورد هنرپیشه‌های گمنام مقصود شما را درك نکردیم ، کسی که هنرپیشه است ونقش اول بازی میکند معروف است، منتهی فیلمسازان میکوشند که ازچهره‌های پولساز استفاده کنند ۱ ـ مصاحبه باهنرپیشگان رادیو بعلت درگیری آنان باکار رادیو سخت است ، معهذا بچشم ۲ـ آقای مختار بانتشار مجله ماهانه ستاره سینما مشغولند و فرصتی برای همکاری با ما ندارند . سایر سئوالات خود را در نامه بعدی مطرح فرمائید .

آقـای غلامحسین عیســی‌زاده (تبریز)

۱ـ از بررسی دقیق شما ممنونیم. مادلمان میخواهد که فیلم وهنر را بفرم کنونی نگاهداریم ولی اگر امکانات مادی اجازه دهد. درهرحال خوشحالیم که دوره جدید مورد قبول شما و دوستانتان قرارگرفته است . تلاش خواهیم نمود که آن را بهمین صورت ادامه دهیم ۲ـ نویسندگی ـ شعر ـ نقاشی ـ مجسمه سازی ـ تئاتر ـ موزیك شش هنر اولیه هستند وسینما هنرهفتم ۳ـ ابژکتیو (عینی) ـ استتیك (علم زیباشناسی) اروتیسم (مکتب طرفداران حماسه) و ایده‌ئولوژی (هدف و مقصد) است .

آقای کریم حاجی‌محمدی

صفحه از خوانندگان را فعلا حذف کرده‌ایم ، بنابراین مطالب شما مورد استفاده نیست . ما را خواهید بخشید .

آقای رسول قاهری

درشماره گذشته پیرامون مسابقات بتفصیل صحبت کردیم بآن مطلب مراجعه فرمائید . دستمزد جمشید آریا ۸۰۰۰۰ ریال است وبیك ایمانوردی درحدود ۳۰ فیلم بازی کرده است.

سپاس و تشکر

● ازصاحبان سینماهای شهر طلائی ،سپیدرود، خیام ، آبشار، قصرزرین متشکرهستیم که فیلمهائی مانندرضاموتوری، پنجره، طوقی، رقاصه، لیلی مجنون، مردی ازجنوب‌شهر، راهمزمان با تهران در این شهرستان به نمایش آورده است وامیدوارم که باین روش عالی خودادامه دهندتاماشاهد دیدن فیلمهائی چون سه‌قاپ، پل، ایوب،فریاد، پهلوون‌مفرد ودرختها ایستاده‌میمیرند همزمان با تهران باشیم.

بهرام حاتم (رشت)

آقای ناصر مرادی‌مطلق محمدعلی روغنی‌زاده (اصفهان) اسداله ربانی (آمل) - علی اصغر سنگی (کهریزك) - محمد افشار - صمد پیروی - افشین شریفی - اژدر نساج (مشهد) خلیل‌اله غزلی (مریوان) فضل‌اله نخیه (بهبهان) مصطفی محمدی (مراغه) - محمداسمعیل کرباسی - علی‌حسین‌خانجانی غلامرضا نظافت (مشهد) - کیومرث نوری موسی (آغا جاری) - ابوالفضل‌جوری‌آبادی (گناباد) ثناالهسمیعی (شاهی) اسداله رضوی (شیراز) - اکبر زارع بهرام‌آبادی (اصفهان) هوشنگ گودرزی - بهرام‌حاتم (رشت) - نعمت‌اله رفیعی (اصفهان) - نامه‌ای‌شمارسید متشکریم ، منتظر نامه‌های شما هستیم .

خانم بهجت‌زردوست

متأسفیم که نمیتوانیم آدرس منزل و تلفن بهروز وثوقی رادراختیار شما قرار دهیم ، زیرا این کار جز دردسر نتیجه‌ای برای او ندارد . اگرمایلید باوی مکاتبه داشته باشید بآدرس‌صندوق‌پستی ۱۹۴۷ نامه ارسال دیدار.

آقای آیت‌الله‌ولی‌زاده مهربانی

بارها در همین صفحه فروش فیلمهای لیلی‌ومجنون، رقاصه - طوقی رضاموتوری ومردی از جنوب شهر را نوشته‌ایم ، بشماره‌های گذشته مراجعه فرمائید فیلم فاتحین صحرا را نیز بهار آینده نمایش خواهند داد .

دوشیزه نسرین امیری - رویا شیرین و ۲۱ نفردوستان

۱- فیلم کوچه‌مردها از این‌هفته بمعرض نمایش در خواهد آمد ۲ - فردین در حال حاضر پولسازترین چهره سینمای ایران است ۳- عکس و مطلب از فردین را این‌شماره‌مشاهده میفرمائید ۴- گنج قارون بزودی به مرز ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال خواهد رسید .

ملك مطیعی
هنرمند محبوب من

بسیارخرسند ومسرورم که کسی را بعنوان هنرمند محبوب برگزیده‌ام که واجد تمام شرایط یك بازیگرواقعی‌میباشد.

به هنرمندی عشق میورزم که نامش‌مترادف است‌بادریائی بیکران از هنرو استعداد و او جز ملك مطیعی چه کسی میتواند باشد ؟

ملك مطیعی از زمانیکه نهال سست و لرزان سینما در مملکت ما کاشته شد باآن نهال‌تازه پا تا بامروزهمگام‌بوده و در هرشرایطی مانع ازاین شده‌که تندبادی‌آن نهال کوچك‌راسرنگون سازد .

اوبودکه سبب شد سینمای ما نضج وتوسعه پیدا کرده و آن نهال‌کوچك بدرختی تناور وستبر مبدل‌گردد . و در اینمورد میتوانیم ازبازی جالـب و انقلابـی ملك مطیعی در فیلم معروف (ولگرد) نام ببریم که چگونه سینمای ایران‌راکه روبانحطاط و نیستی میرفت ازسقوط و ورشکستگی‌حتمی نجات داده و آبرو و اعتباری‌برای‌آن کسب‌نمودواستقبالیکه‌مردم‌آن زمان‌ازملك‌مطیعی کردند تاکنون درسینمای ایران بی‌سابقه بوده‌است وهیچگونه‌غلو نکرده‌ایم‌که بگوئیم « نیمی‌از سینمای فارسی مدیون ملك مطیعی است » هم طبقه روشنفکروهم طبقه عامه ونیز منتقدین خوبمان اکثرا درباره ملك مطیعی متفق‌العقیده هستندکه وی بازیگریست بمعنای واقعی‌هنرمند. مدت یکربع قرن استکه ازندگی باشکوه وافتخارآمیز اودرسینما میگذرد. ووی همچنان محبوب‌القلوب باقی مانده وگذشت اینمدت طولانی‌نتوانسته خدشه‌ای درمحبوبیت وموفقیت او وارد سازد.

درمورد تیپها ونقشهای متنوع ومختلف این هنرمند دوست داشتنی‌بایدگفت‌که تنها لقب مرد هزارچهره‌برازنده‌اوست. چه بدون شك درسینمای ما ملك مطیعی تنها هنرپیشه ایستکه هر نقشی را با مهارت زیاد ایفانموده است.

خلاصه کلام درباره ملك مطیعی توان گفت‌که افتخاریست برای سینمای فارسی و سینمای ما باید بخود ببالدکه هنرمندی چون او دارد . وجاداردکه بیشتر از اینها از این مرد استثنایی سینما تجلیل‌وقدردانی بعمل‌آید.

محمد حسین علیجانی (قزوین)

«ظهوری» از سینما کناره‌گیری کرد - جراید



دربان استودیو : بازم که از اینطرفها ؟
ظهوری : اومدم دنبال ویتامین !

آقای خلیل ولی‌نژاد

۱- فیلم‌ایوب‌قرار است‌در نوروز وفاتحین صحرا دربهارآینده بمعرض نمایش در آید ۲ - آسیستان بمعنی کمك است و آسیستان کارگردان‌یعنی کمك کارگردان ۳- اولین فیلم بهروز وثوقی گل گمشده نامداشت که برای شرکت در آن ۱۵۰۰۰ ریال دستمزد گرفته بود.

آقای میرحسین‌عدالت حقی

۱۲ ریال تمبر باطل نشده و آدرس دقیق خود را ارسال داریدتا شماره مورد نظر برایتان فرستاده شود .

آقای جهانگیر بابائی

صفحه مورد علاقه شمارابزودی بصفحات فیلم‌وهنر اضافه خواهیم کردومطالبی پیرامون‌گروه موردنظر شما درآن چاپ خواهد شد . موفق وکامیاب باشید.

آقای افشین صادقی

دفتر کار ساموئل خاچیکیان هنوز رسماً افتتاح نشده‌که آدرس‌آن را چاپ‌کنیم. آدرس سازمان‌هائی که خواسته‌اید عبارتست از مهرگان‌فیلم (شهرآراء) ایران فیلم (خیابان‌بهار - کوی سمنان) سازمان پیام (خیابان بلوار - خیابان هما).

دوسر پل

● به‌یاری وزارت فرهنگ وهنر اصفهان برای جشنهای آبانماه نمایش ارزنده وفوق‌العاده جالب «دوسر پل» توسط گروه هاتف که سال قبل نمایشنامه داش‌آکل اثر صادق هدایت‌را با توفیق‌وجنجال فراوان‌در شهرستانها اجرا کردند بروی صحنه آمد.

این نمایش نو و ارزشمند بوسیله‌غلامعلی عرفان‌فارغ‌التحصیل دانشکده دراماتیك نوشته و کارگردانی گردید که با شرکت: رضامحبی‌ـهوشنگ بشارت‌ـ خانم رفیعی ـ رحمت ارشادی ـ سعید محقق ـ فریبرز جهانخواه و منصور نصیری در تالارهراتی‌و خانه جوانان شیروخورشید بمدت پنج شب‌اجرا گردید ومورد‌توجه دانشجویان ، اساتید و مردم‌قرار گرفت. ازهمین گروه «چوب بدستهای ورزیل» نوشته معروف ساعدی «گوهرمراد» دردست تمرین‌است وسپس استثنا و قاعده اثربرتولد برشت اجرا خواهد شد.

چنگیز «اصفهان»

آقای حمید رضائی

۱ـ ما نمی‌توانیم درمورد بهتر بودن یك هنرپیشه بر دیگری نظر بدهیم، هر بازیگری تیپ بخصوص و کاراکتر بخصوصی را درفیلم ارائه می‌دهدکه در یك فیلم موفق و در دیگری توفیقی ندارد ۲ـ فیلم مردی از جنوب شهر و رضا موتوری نیز هرکدام در سبك بخصوصی ساخته‌شده بود و هرکدام درحد خود موفق بودند ۳ـ دستمزد بهمن مفید۳۰۰۰۰۰۰ ریال است و از دستمزد بازیگران فیلم دزد و پاسبان بطور دقیق‌اطلاعی نداریم.

آقای اصغر اطمینانی (اهواز)

برای فیلم صندلی الکتریکی شماره مخصوص منتشرکرده‌ایم،شماره مخصوص لیلی ومجنون دردفتر مجله موجود است با ارسال ۱۵ ریال‌تمبر باطل نشده می‌توانید آن را دریافت دارید.

آقای ر . شهبازی

در ایران کلاس کارگردانی‌وجود ندارد که شما وارد آن شوید، بهتر است با خرج خودفیلمهای ۸میلیمتری کوتاهی تهیه کنید و از راه مراجعه باستودیوهای ایرانی ترتیبی دهیدکه بعنوان کمك کارگردان از وجود شما استفاده شود که بتدریج موفقیت شما تثبیت و در صورت امکان کارگردانی بشما واگذار نمایند.

گاراژ قبلی ـ سینمای فعلی

● شهرستان محلات یکی‌ازشهرهای گمنام استان مرکزاست پیش‌ازاینکه در آبادان مشغول کار بشوم درشهرستان خودمان آرزو داشتم صاحب سینماباشم یا اینکه کسی دیگر صاحب سینما باشد تا منهم ازآن استفاده کنم تاشش ماه پیش محلات سینما نداشت و هم اکنون میخواهم اولین‌سینمای شهر خودم را برای شما تشریح کنم درماه خرداد امسال‌یکی ازدوستانم‌برایم نوشت‌آرزوی‌تو‌بر‌آورده شد وسینما محلات افتتاح گردید خیلی‌ازاین خبرخوشحال‌شدم و بخود میبالیدم که شهرمـن زادگاه من سینما دارد درشهریور بود که برای مدتی‌به محلات رفتم سینما تکوبهشت بکو درخیابان ششم بهمن گاراژی بود بنام گاراژ ملاعلی‌درب گاراژ را سوراخ کردند وگیشه درست کردند یکطرف گاراژرا سفید کردند که‌بحساب خودشان پرده سینماست صندلی‌های چوبی‌مخصوص‌بلیط ۲۰ ریالی حلب‌های روغن‌نباتی‌مخصوص‌بلیط های ۱۵ ریالی یك فیلم ۱۰۰ دقیقه‌ای‌را در ۱۶۰ دقیقه نمایش‌میدهند به‌این‌علت که فیلم چند مرتبه پاره میشودآپاراتچی‌سینما یکی ازدوستان خودم که صبح به دبیرستان میرود وبعدازظهرها آپاراتچی‌است آخراین‌هم شدسینما که مردم محلات دلشان راخوش کرده‌اند؟...

غ. امیری

آقای ناصر حسن‌پور (بابل)

برای آفرین و منوچهر وثوق بآدرس صندوق‌پستی ۱۹۴۷ نامه‌ارسال دارید و عکس تازه‌ای از او بزودی در مجله چاپ خواهد شد در مورد

پاسخ‌های ارسالی شما برای مسابقات، به‌مطالب‌صفحه‌مسابقات‌این‌شماره‌مراجعه فرمائید.

آقای محمد رضا ابوالحسنی

۱ـ صفحه ازخوانندگان‌را حذف

کرده‌ایم ، منتها بصورتی دیگر در صفحات پاسخ‌سردبیرگنجانده‌ایم ومطالب خوب خوانندگان را درآن چاپ می‌کنیم ۲ - شماره های درخواستی شما موجود است می‌توانید با ارسال ۳۶ ریال تمبر باطل نشده و آدرس دقیق خود آنها را دریافت دارید ۳ - بیك ایمانوردی فعلا از بازی در فیلمهای ایتالیائی صرفنظر کرده است و مسئله تهیه فیلمهای مزبور منتفی است .

آقای سید صالح معتمدی شلمزاری (امیدیه)

پیشنهادات شمارا تماماًمیکوشیم جامه عمل بپوشانیم ، از توجه خاصی که بفیلم وهنر دارید بی‌نهایت‌ممنون وسپاسگزاریم .

آقایان وارطان آوانسیان - علی اصغر اصفهانی - شاهین جانس

۱- دوست عزیز غصه نخورید آن فیلم‌هم ازروی یك‌فیلم‌تلویزیونی اقتباس شده بود ۲ - بجای نوری کسرائی در فیلم‌پنجره «خانم‌چایچی» صحبت‌کرده بود ۳- خبربازی فردین وبهروز در یك فیلم صحت ندارد.

آقای مجید غفرانی (ساری)

۱- ایوب، یك خوشگل و هزار مشکل ، همای سعادت، مشروطه ، باباشمل - قلندر و جاهل جاهلها فیلمهائی هستندکه از فردین دردست تهیه است یاقرار است ساخته شود ۲- مقصود شمارا از بهترین هنرپیشه سالهای ۴۳ - ۴۴ - ۴۵ - ۴۶ متوجه نشدیم ۳- پرفروش‌ترین فیلم ایرانی گنج‌قارون بوده‌است ۴- برای فردین می‌توانید به‌آدرس‌صندوق پستی۱۹۴۷ نامه ارسال دارید .

آقای‌فریدون گریزان(قوچان)

نامه سراپا احساس شمارا که حاکی از علاقه قلبی شما بسینمای ایران و فردین بود مطالعه‌کردیم . طی نامه‌ای بمدیر سینما شهرشما ، خواستار انجام نظریات شما شدیم و نامه شمارا بفردین دادیم . بنظر ما بهتر است اگر اشکال برایتان ایجاد می‌شود از رفتن بمشهد برای دیدار فیلمهای‌فردین بدون اجازه‌پدرومادر خودداری کنید،حتماً فیلم‌های‌هنرمند محبوب شما را در آن شهرستان‌نشان خواهند داد.

آقای حسین‌مصدق‌سوادکوهی

۱- فریدون فرخزاد بازیگر نقش اصلی فیلم دلهای بی آرام‌است ۲- خبر بازی فردین و بهروز در یك فیلم صحت ندارد ۳- از فیلمهای آماده شمی‌کاپوروسارابانو بی‌اطلاعیم ۴- بهترین فیلم ایرج قادری‌کوچه مردها وجدائی است.

دوست یابی

● با طرفداران فردین ملك مطیعی و دوستداران صدای عارف - گوگوش-عهدیه وهمچنین مخالفان بهروز وثوقی حاضر بمکاتبه‌ام.

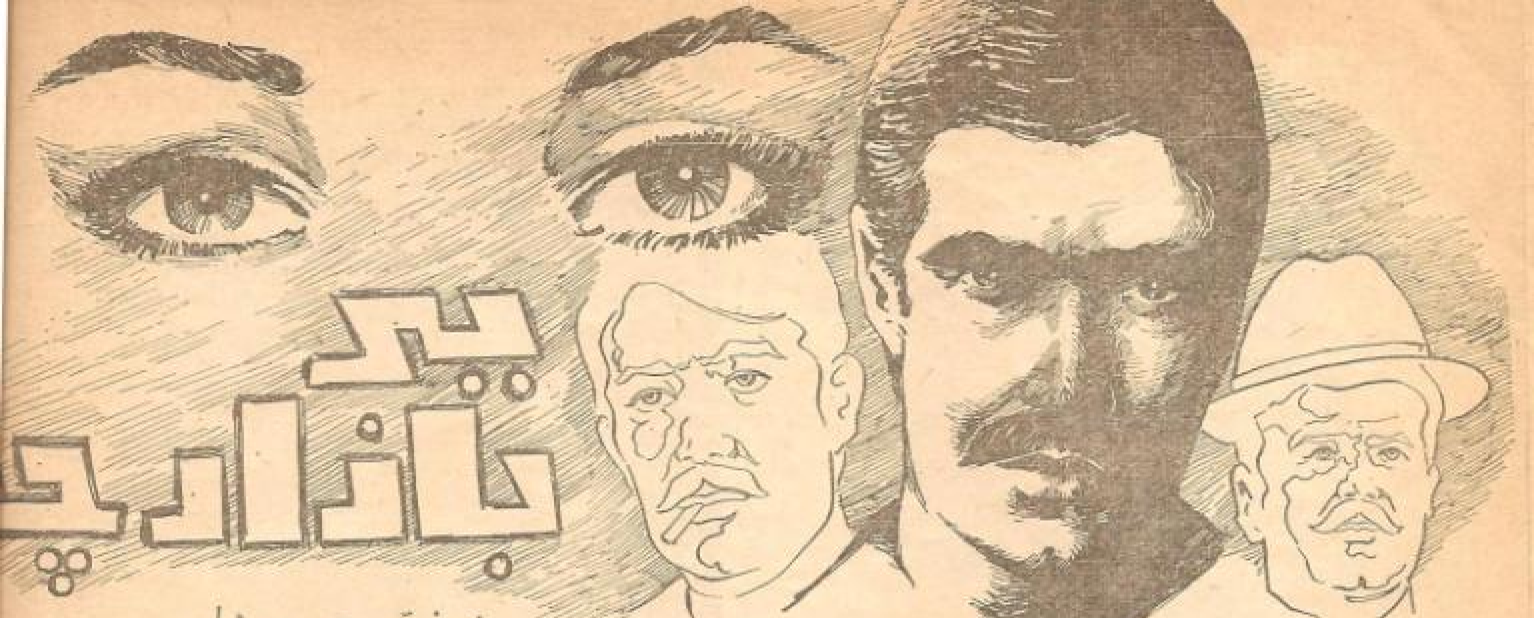
تهران - خیابان خیام-مقابل پارك شهر- شماره ۷۴۱- علی محمد دائی زاده

● مایلم باعلاقمندسر-سخت‌خالقینی چون - دیوید لین - ویلیام وایلر- ریچارد بروکز - تاوین - کیمیائی- مهرجوئی - ساتیاجیت رای‌و هنرمندان‌قابل‌تحسینی چون بهروز وثوقی - انتظامی - بیك ایمانوردی- ملك‌مطیعی ایرج قادری- جولی کریستی- برت لنکستر - آنتونی کوئین رداستایگر-چارلز برونسون. رابرت میچام - مارلون براندو- دلیپ کمار - شمی کاپور - راج‌کاپور ومهستی و گلپایگانی وگوگوش وفیلم‌های با ارزش وسوسه‌شیطان- روسپی - قیصر - جدائی - رقاصه - دلهره - رومئو - ژولیت - دکتر ژیواگو - گناهکار نیویورك - آوازه‌خوان نه آواز - از اینجا تا ابدیت - بن‌هور - وقت سنگام - جنجال یك‌عشق‌مکاتبه داشته‌باشم.

تهران - خیابان شوش دبیرستان وحید ط ر ۶ اکبر مهاجرانی

● مایلم با دوستداران هنرمند ارزنده و بی رقیب بهروز وثوقی‌که واقعاً او را دوست دارند و مخالفین سرسخت فردین‌میباشند مکاتبه کنم.

بابل - مسجد جامع - جنب مقبره سید العلماء - پلاك ۱۱ - محمد حسن فرماندار



ببر بازارچه

نوشته: م. صفار

(۵)

درشماره پیش خواندید که:

«رضا» که دربازارچه «قوام‌الدوله» تهران سکونت دارد، عاشق دختری میشود باسم «طوبی». اما برادر «طوبی» بوسیله چهارتن از دوستان خود رضا را بباد کتک میگیرد و سپس می‌گریزند.

محسن، علی و اکبر که از یاران صمیمی و باوفای رضا بشمار میروند او را بخانه میرسانند و رضا از مادرش میخواهد که صبح روز بعد حتماً بخواستگاری «طوبی» برود.

مادر رضا که پیرزن رنجوری است بخواستگاری «طوبی» میرود، اما در این‌هنگام قاسم سرمیرسدو بمادررضامیگویدکه «طوبی» رامیخواهند به شخص دیگری شوهر بدهند.

پیرزن درحالیکه اشک درچشمانش حلقه‌بسته به نزد پسرش باز میگردد وماجرا را تعریف‌میکند...

دراین‌موقع محسن وعلی هم‌که درقهوه‌خانه اصغرقهوه‌چی ایستاده بودند، خودرا بجمع آنها رساندند ودرباره خواستگاری اواز «طوبی» سوال کردند.

اما رضا حرف نمیزد، مثل گرگ تیرخورده، بخودش می پیچید وازناراحتی خون‌بصورتش دویده بود، رضابمادرش که‌مضطربانه اورا مینگریست گفت:

- مادر، توبرو منزل، من‌میام!

مادررضا رو به‌دوستان او کرد:

- تورا بخدا، شما مواظبش باشید، اون حالیش نیست که چیکار میکنه...

بعد مادررضا رفت وآنهاداخل قهوه‌خانه شدند.

اصغر قهوه‌چی فوراً چهار تا چائی قند پهلو جلوی آنها گذاشت وگفت:

- دیزی‌هم میخورید؟

یکی ازبچه‌ها گفت:

- نه. قربون دستت!

علی، اکبرومحسن، رضا را درچارچوب سئوالات خود قرار دادند، از او دلداری‌میکردند وبرزخمی که به قلبش‌خورده‌بود مرهم مینهادند.

علی‌درحین‌اینکه مسلسل‌وار حرف میزد تا ناراحتی ناشی‌از ازدواج او وطوبی را از دلش دربیاورد، گفت:

- بنظرمن هرچی باشه، زیرسرداداش‌طوبی‌ست.

رضا ازجا پرید:

- چطورمگه.

- آخه یه ساعت پیش برادرش اینجابود، همچی‌که بهش خبر دادن‌که مادرتو رفته خونه شون، عین گلوله از جا پرید و بخونه رفت.

محسن‌گفت:

- پس‌یه‌کاسه‌ای زیرنیم کاسه است.

اکبر گفت:

- پس بایدکار برادر طوبی باشه.

رضا ازعلی پرسید:

- دیگه چه خبر؟

علی‌جواب داد:

- من‌شنیدم که برادرطوبی‌گفت داغشوبدل‌رضا میذارم.

رضا مثل یك شیر خشمگین ازجا جست وگفت:

- توهمین بازارچه خونشو می‌ریزم، هرجاکه ببینم با چاقو تیکه تیکه‌ش میکنم.

اکبروقتی هیجان رضا را دید، گفت:

- ازخرشیطون بیا پائین.

- بمولا اگه‌بذارم آب خوش‌ازگلوش‌پائین بره، هنوز جای‌مشت دیشبی‌که زیرچشم‌زدن درد میکنه. دیگه صبرم تموم‌شده، اگرجوابشو ندم خیال میکنه ترسیدم.

رضا چائی‌خود را خورد، درحالیکه‌قهوه خانه را ترك‌میگفت روبه دوستانش کرد:

- امروزعصر همینجا باشین.

محسن پرسید:

- که چی؟

- بریم دعوا، هرکی‌هم دلش خواست میتونه بیاد!

رضا باگفتن این جمله راهش را کشید وبخانه رفت‌تودلش غوغائی بپا شده بود، چندبار زیر لب تکرارکرد:

- خدایا، شکرت.

رضا ازخشم‌وغضب داشت می‌ترکید. هرموقع بیاد می‌آوردکه «طوبی» ممکن است زن شخص دیگری شود و در آغوش او لخت و عریان بخوابد، بدنش داغ می‌شد وخون چشمهایش را می‌گرفت. او دوست داشت حکمران مطلق قلب «طوبی» باشد.

مادرش هرچه رضا را دلداری میداد، او بیشتر جری میشد عاقبت زردی خورشید رو به کمرنگی نهاد، و خورشید رفته رفته از مقر همیشگی خودش پائین آمد ودرسیاهی فرورفت.

رضا هیجان زده به صندوقخانه‌ای که در اطاق قرار داشت رفت وچاقوی ضامن‌داری راکه بالای رفه نهاده بود درجوراب پایش پنهان کرد واز منزل خارج‌شد.

مادرش چند بار بدنبال او دوید وصدا زد:

- رضا، اگر منو دوست داری خودتو بااو نادر نینداز.

اما رضا کور شده بود، کرشده بود، هیچ چیز را نمیدید و نمی‌شنید. از پیچ کوچه گذشت ووارد بازارچه شد.

دوستان رضا: علی، اکبر ومحسن توی قهوه خانه نشسته بودند.

رضا بمحض این که وارد قهوه‌خانه شد، آنها بلند شدند و به نزدش رفتند.

رضا پرسید:

- هنوز نیومده؟

اکبر جواب داد:

- هنوز که نه!

اصغر قهوه‌چی نگاهی با آنها انداخت و گفت:

- شنیدم می‌خوای پوست بکنی آقرضا!

رضا پوزخندی بر لبانش نشست:

- اصغر آقا، جواب نامردارو باید با نامردی داد، مگه نه؟

اصغر قهوه چی دستمالش را بگردن انداخت و آمد جلوی آن‌ها:

- آره، باید تواین دوره و زمونه نامردی کرد. به هرکسی خوبی کنی، جوابتو با بدی میده. بهر کی بگی سلام، میگه زهرمار!

رضا سرش را بعلامت تصدیق تکان داد و گفت:

- اوهوم ... باید کاردیش کرد؟

محسن هراسان پرسید:

- چی؟ باکارد؟

- نه، با چاقو ...

بعد رضا خندید:

- آره، اینطوری بیشتر دلم خنك میشه!

اکبر گفت:

- ولی می‌گیرنمون! اونوقت باید آب خنك بخوریم.

رضا غرید:

- خدا بزرگه، هرچی که نبشت پیشونی‌مون باشه همونه. نمیشه از زیر دست سرنوشت فرار کرد. اگر قرار باشه امروز بمیری، باید همین امروز بمیری، وگرنه فردات‌سیاهه. آره...

علی دست رضا راگرفت:

- من با حرف‌رضاموافقم، بایدزد وبرد.

اکبر گفت:

- ولی من نیستم، من می‌ترسم، چهار سال تو زندون بودم بسه. دیگه دلم نمیخواد گذرم اونطرفا بیفته.

رضا حرفش را برید:

- خوش اومدی اکبرآقا، هرطور دلت میخواد باش، آره...

اصغر قهوه‌چی یك قدم جلوتر گذاشت وآهسته گفت:

- آقارضا، بجوونی‌خودت هم رحم کن، شماهاخیلی کله‌شقین حرف تو این گوشاتون فرو نمیره، اگه قاسم، برادر طوبی، تورو ناکارکرد چی، اگر باکارد زد وسط قلبت‌چی؟

رضا نفسی کشید:

- اونوقت راحت میشم!

بعد رضا در دنباله حرفش ادامه داد:

- اصغرآقا، بهتره‌بکارت برسی، خوش ندارم این‌جورحرفارو گوش بدم.

رضا ازقهوه‌خانه بیرون‌رفت. نگاهی به زیربازارچه‌انداخت و پرسید:

- پس چرا قاسم نیومد؟

اصغر قهوه‌چی که گوشهایش تیز شده بود، گفت:

- یه ساعت به ظهر مونده با برو بچه‌ها قرار مدار گذاشت که امشب برن کافه «مشعل» اما شما ازمن نشنیده بگیرین، وگرنه کاسه کوزم درهم ریخته میشه.

رضا دستی به‌پشت اصغر قهوه‌چی زد و گفت:

- مثل اینکه توهم خیلی خوشت میاد که قاسم کتك بخوره.

- ولی ترا بخدا نگو که من گفتم!

- خاطر جمع باش اصغرآقا، ما از اونا نیستیم که روحرفمون پا بذاریم، وقتی که گفتم نمیگم. یعنی نمیگم!

رضا برگشت ورو به دوستانش کرد:

- خب بچه‌ها، کی بامن میاد کافه مشعل؟

علی ومحسن پیشقدم شدند، اکبر هم بدنبال آنها راه افتاد.

رضا از اکبر پرسید:

- تصمیمت عوض شد؟

- آره! نمیتونم ترو تنها بذارم.

- قربون تو اکبر، هیچوقت این محبت تورو فراموش‌نمی‌کنم، بچه‌ها راه بیفتین.

هر چهار نفر براه افتادند. اصغر قهوه‌چی بدنبال آنها از قهوه‌خانه بیرون آمد وسرش را بالاکرد:

- خدایا، خودت نگهدارشون باش.

رضا پیشاپیش دوستانش، با قدمهای بلند، درحرکت‌بود، وآنها نیز درحالیکه به لبهایشان مهرسکوت خورده بود بدنبال راهی که رضا میرفت، قدم برمیداشتند. آدمهائی که از زیر بازارچه در حرکت بودند، حس کردند که باید خبری شده باشد. صورت رضا، محسن، اکبر وعلی چنان خشمگین وآکنده از غضب بود که هرکسی را متوجه آنها میکرد.

هر چهار نفر وقتی به‌میدان شاهپور رسیدند بانتظار تاکسی ایستادند.

رضا جلوی یك تاکسی خالی راگرفت:

- آقا، قربونت، ما خیابون لاله‌زار میریم، کافه مشعل‌رو که بلدی؟ همونجا.

- سوار شید.

هر چهار نفر سوار شدند وتاکسی بحرکت درآمد.

راننده از محسن پرسید:

- دارید میرید عقش!

اکبر خندید:

- نه، داریم میریم کتك بخوریم!

راننده خنده بلندی سرداد وگفت:

- کتك خوردن ازدست خوشگلا لذت داره... خوش‌بحالتون من که از صبح تابوق سگ باید توخیابونا پلاس باشم وآخرشم برم کپه لالا بذارم. آخه اینم شدکار؟

رضا پوزخندی لبانش راازهم‌گشود:

- شکر خداکن...

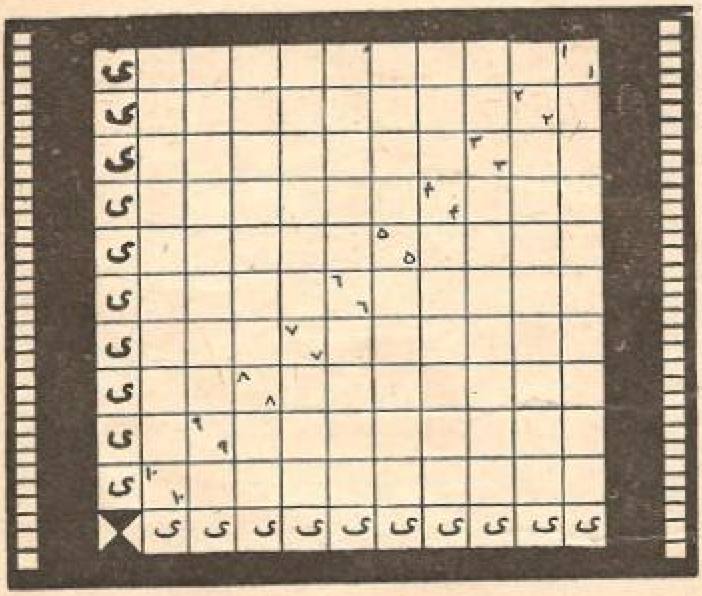
راننده فوراً جواب داد:

- همیشه چاکرش بودم وهستم. اما نمیدونم چراآخدامارو دوس نداره، چرا پول بما نمیده، هرچی هم که میده، باونائی پول میده که‌خیلی خرپولن ونمیدونن چه‌جوری‌خرجش کنن. **ادامه دارد**

مسابقات؟

درطی هفته‌های گذشته گروه زیادی ازما خواستار چاپ جدول سینمائی بوده‌اند که از این هفته اقدام بچاپ آن خواهیم کرد. علاقمندان جدول می‌توانند درصورت علاقه، جدول برای این صفحه طرح وارسال دارند تا بنام خودشان چاپ شود.

جدول سینمائی



● **افقی:** ۱ - نقش آفرین فیلمهای پدرعروس و نیزه‌شکسته ۲ - ستاره فیلمهای بانی لیك گمشده ، جویندگان لذت و بازگشت به پیتون۳ - کارگردان فیلم کسوف ، حادثه ۴ - ... نوشت فیلمی بودبا شرکت جیمز استوارت۵ - نام کوچك کارگردان فیلمهای درشهر ، بسته مرموز ومعما۶ - نام کوچك هنرپیشه فیلمهای نقاب انتقام ، باد وحشی است وسایه‌های سپید۷ - کنیه هنرپیشه فیلمهای زمانی که دزد بودم واین دختر مال من است وزنی که زیاد میدانست۸ - از آثار کارگردان با ارزش سینما ویلیام وایلر فیلمی باشرکت لارنس الیویر۹ - کنیه آکتور کمدین فیلمهای رنگ پریده ودرراه هنگ کنگ ۱۰ - نام کوچك هنرپیشهٔ که بخاطر بازی درفیلم کت بالو موفق بدریافت اسکار گردید.

● **عمودی:** ۱- هنرپیشه‌ئی که بتازگی فیلم‌دود لندن‌را به اتمام رسانیده وفیلم راهنمای وظیفه‌شناس را از اومشاهده کردیم۲ - هنرپیشه سری فیلمهای دراکولا۳ - فیلمی که بخاطر بازی درآن برت لنکستر اسکار درجه‌اول دریافت کرد ۴ - ستاره فیلمهای طوفان عشق وتامی و دکتر۵ - نام کوچك کارگردان فیلم لولیتا باشرکت جیمز میسون۶ - نام کوچك کارگردان فیلمهای سیمارون ، یك وجب خاك خدا ومردی از غرب۷ - نام فیلمی ازآلفرد هیچکاك باشرکت شون کانری۸ - پل رودخانه آن فیلمی بود باشرکت ویلیام هولدن۹ - نام کوچك ستاره فیلمهای سامسون ودلیله ، دسیسه گران۱۰ - نام کوچك ستاره فیلم روزهای شراب و گل سرخ باشرکت جك لمون.



چهره شماره ۲۱

● کمدین معروف و موفقی است که تا کنون بیش از چهل فیلم بازی کرده است . چندبار برای بازی درفیلم بترکیه سفر کرده که هنوز یکی دو فیلم او بمعرض نمایش درنیامده است. وی ازدواج کرده و دارای دوفرزند است. ومدتی است که در فیلمی بازی نکرده است . وی در زمینه درام هنرپیشه موفقی است و بخاطر همین امر جایزه‌ای دریافت کرده است .

دودوربین در پشت یك (بقیه)

بعد از قطع فیلمبرداری فرصتی برای استراحت کارکنان پیش می‌آید.

دراین فاصله از «هریتاش» در مورد صحنه‌های امروز می‌پرسم می گوید: «**تقریباً صحنه‌های آخر فیلم است**» وبعد با کارگردان وهنرپیشه های مرد وزن اول فیلم به‌صحبت مشغول میشویم.

از «هریتاش» نظرش را درموردشخصیت های اول فیلم ــ دختر وپسر ــ می پرسم. اینطور پاسخ میدهد: «**این دو، سمبل جوانان امروز ما هستندکه سعی‌میکنند خودشان را با محیط وفق بدهندو در واقع با چیزهائی‌که خودشان نخواسته‌اند ولی برایشان خواسته شده است، مبارزه کنند.**»

هریتاش هیچگونه توضیح دیگری‌نمی دهد ومی‌گویدکه **بایستی فیلم‌را دید.**

از «زری خوشکام» در مورد شخصیتش در فیلم می‌پرسم، از گفته هایش پیداست که کاملا از نقشش راضی‌است. سیامك دولتشاهی در پاسخ همین سئوال، اینطور می‌گوید:

«**من به این شخصیت خیلی علاقمند شدم وسعی‌کردم تا آنجائی‌که ممکن‌است، همان‌کسی باشم‌که از من خواسته‌اند.**»

صحبت را به‌اتمام می‌رسانیم. «عالمیان» نور را برای صحنه‌ی بعدتنظیم کرده‌ومنتظر هریتاش است تا در مورد صحنه تذکراتش را بدهد.

«هریتاش»، به طرف میز قمار می‌رود وبه بازیکنان می گوید‌که چطور بنشینند. اینطور که‌پیداست، این‌بار دوربین‌درابتدای کار درست درمقابل میزقمار روی‌تراولینگ قرار دارد. سپس کارگردان به سیامك که در پلان بعدی نیز بازی دارد، کیفیت نقشش‌را بازگو می کند.چند دقیقه‌ئی به‌طول‌می‌انجامد تا جزئیات آماده می‌شود، حال موقع تمرین فرا می‌رسد.

«هریتاش» خودش تراولنیگ‌رامی‌راند تا حرکات دوربین نرم باشد.

عالمیان از پشت دوربین میز قمار را زیر نظر می‌گیرد وبعد در مورد جابجاشدن حاضرین پیشنهادهائی می کند. تمام مقدمات کار آماده است.

صدای دوربین کوچك به‌گوش می‌رسد ولی هنوز فیلمبرداری اصلی آغازنشده‌است. هریتاش دستور شروع کار را می‌دهد.

صدای دوربین اصلی به‌گوش می‌خورد.

پس از چند لحظه‌ئی‌که از فیلمبرداری میز قمار می گذرد تراولینگ به سمت عقب کشیده می‌شود.

دوربین از سمت میز دور می گرددوبعد از طی یکی دو متر، تراولینگ نود درجه می‌چرخد وبه موازات بار حرکت می کند.

فیلمبرداری‌قطع‌می‌شود. گردش‌تراولینگ حرکت نرم وراحتی نداشته است.

دوباره دوربین درمحل قبلی است. تراولینگ به سمت عقب‌کشیده میشود وبعد ازچند لحظه، بعدازگردش نود درجه‌ئی به سمت بار پیش میرود. در کنار بار سیامك درحالی که‌بطری مشروب ولیوان را دردست دارد، نشسته است. به محض اینکه دوربین درمقابل او قرار می‌گیرد، ازجابلندمیشود وازراهی‌که در پلان قبل آمده بود میگذرد وبه سمت دری‌که درکنار در قبلی‌قراردارد، می‌رود وداخل محوطه‌ی دیگری میشود.

به دستور کارگردان، فیلمبرداری قطع میشود. گوئی در وضع حرکت تراولینگ اختلالی وجود داشته است.

«هریتاش» برای سیامك توضیح میدهد که‌گوئی منتظر نشسته است تا دوربین‌برسد و بعد او بلند شود و از او می‌خواهد که طبیعی‌تر ازجایش برخیزد. یك بار دیگر فیلمبرداری آغاز می‌شود.

صدای دو دوربین به گوش می‌رسد. حرکات قبلی تکرار میشود. همه‌چیز طبیعی ومورد پسند هریتاش است و بالاخره فیلم برداری از این پلان هم به‌پایان میرسد.

فیلمبرداری از این دوپلان درست‌پنج ساعت‌به‌طول انجامیده است واین‌کاملاعجیب است. کار، همچنان ادامه دارد. مقدمات برای فیلمبرداری از صحنه های بعد مهیا میشود. ولی دیگر درپای ما رمقی برای ایستادن باقی نمانده است!



بمعرض نمایش در خواهد آمد «رسوای عشق» نامدارد.

اسمعیل شنگله (بقیه)

مطرح و تجزیه و تحلیل شده‌اند. تمام بدی‌ها و پستی‌هائی که معمولا پشت صحنه‌های تئاتر، درمیان کارگردانان و هنرپیشه‌ها وپارتی‌بازی‌ها و بتور زدن دختران تازه کار وجوان وجود دارد مطرح‌می‌شود.

□ شما از چه نظر این نمایشنامه را انتخاب کردید؟

■ مسائلی که درباره روابط زناشوئی و خانوادگی در آن مطرح شده، توجهم را جلب کرد. متأسفانه اکثر نمایشنامه‌های «آنوی» برای فهم ودرك تماشاگر ایرانی، مناسب نیست، ولی «کلمب» پس خیلی ساده‌ای است که در آن از واقعیت‌ها صحبت شده وبرای تماشاگران ایرانی هم مناسب بنظرم رسید. نکته دیگری که درمورد این‌نمایشنامه گفتنی است، این است که «آنوی» تکامل آدمها را باگذشت زمان نمایش میدهد و ما می‌بینیم مثلا «کلمب» که یك دختر ساده و بیو است، چطور صاحب شخصیتی میشودوازخود به دفاع می‌پردازد...

□ چه تغییراتی درمتن پیس دادید؟

■ اگر تغییراتی درمتن آن نمیدادیم اجرای‌نمایشنامه مدت ۵ ساعت بطول می‌انجامید وما آنرا کوتاه کردیم و با آنتراکت درحدود سه ساعت طول خواهدکشید.

□ بازیگران اصلی چه کسانی هستند؟

■ بازیگران اصلی عبارتند از: خوروش. شیخی، جعفری، علی نصیریان، عزت‌الله انتظامی، محمدعلی کشاورز، اسماعیل داورفر، هرمز سیرتی و خودم.

■

«مش» و «پاتون» در لیست بهترین ده فیلم سال

مجله «تایم» در لیستی که اخیراً از ده فیلم برگزیده سال ۱۹۷۰ منتشر ساخته است ، دو فیلم از محصولات سال‌گذشته کمپانی‌فوکس قرن بیستم را نیز در لیست خود منظورکرده است . این دوفیلم« پاتون» و«مش» هستند که به‌ترتیب توسط «فرانکلین شافنر» و « رابرت‌آلتمن» ساخته شده‌اند.

در ضمن فیلم « پاتون» اخیراً به موفقیتی دیگر دست یافت ، چه «جورج سی. اسکات» موفق به دریافت جایزه بهترین آکتورسال از جانب مجمع‌منتقدین فیلم نیویورك‌شد.

بچه رزمری (بقیه)

او روی رختخواب در حالی‌که دوربین از جلوی بدن عریان شوهرش گذشته است (وشانه‌های اورا نشان می‌دهدکه هنوز علامتی روی آن گذاشته نشده است) بیان می‌شود اما او بر اثر حوادث مختلف وبعد از فرار از دست شیطان پرست‌ها و اینکه به هر حال یك شیطان زاده را در خود پرورده است ، بدون آگاهی قابل تشریحی ، به سمت قطب مادی ،گرایش پیداکرده است. «پولانسکی» این ایده‌های خاص‌را در طول فیلم به دفعات بیان می‌کند . یکبار در مطب دکتر ، «رزمری» مجله «تایم» را ورق می‌زند. روی جلد این مجله جمله‌ی Is God Dead? («آیا خدا مرده است ؟» دیده می‌شود . خود جمله به رنگ قرمز وزمینه‌ی حروف سیاه‌رنگ است .

«پولانسکی» از ایده‌ی ناشرین مجله ، در مورد شخصیتش ، استفاده می‌برد . بدین ترتیب در طول فیلم ، ما لباسهای مختلفی از «رزمری» می‌بینیم‌که به رنگ‌های سیاه وسرخ هستند ، یکبار به‌هنگام ورود پیر زن همسایه و یك زن شیطان پرست دیگر ـ که در اجتماع پایان فیلم هم دیده می‌شود ـ دختر ، بلوز سیاه ودامنی که‌از پارچه‌ی چهار خانه‌ی سیاه وسرخ دوخته شده ، به تن دارد ویکبار دیگروقتی که برای ملاقات «هاچ» در خیابان دیده می‌شود ودرچندقسمت‌دیگر، این نوع لباس و یا با همین رنگ و از نوع دیگر به تن دارد وکلا رنگ‌های‌سرخ‌وسیاه از «رزمری»جدانشدنی هستند.این‌نوع‌هماهنگی‌ها مختص یك نکته‌ی ؛ خصوصی نمی‌شود و در مورد بیشتر نکات فیلم تعمیم پیدا می کند.

پرداخت

« رومن پولانسکی » ، برای بیان این ایده‌ها با محتوی فیلم چنان درهم آمیخته و مرکب‌شده است‌که تفکیك آنها به سهولت امکان پذیر نیست .

این نکته‌ها‌وریزه کاریهای وصف‌نشدنی دراین مختصر که‌تماماً درراه‌بیان‌ایده‌ها، فضاهای‌شوم‌وذهنی کمك‌میکنند فیلم« بچه‌رزمری»، را تا حد یك شاهکار مسلم‌تاریخ سینما پیش می‌برد .

رضا سهرابی

حرفهائی ازفیلم (بقیه)

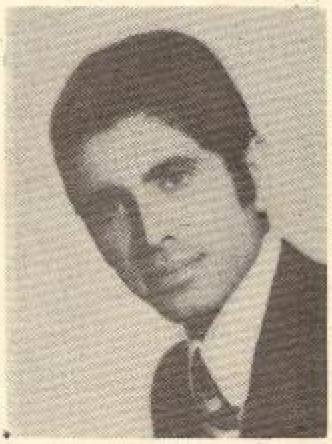
■ بعد از «کوچه مرد ها» چه نقشه‌ای دارید ؟

□ تعقیب همین رویه فیلم سازی، انتخاب داستان‌های خوب وارائه‌فیلم‌های عمقی‌که تماشاگر را به‌فکرکردن بکشاند و در این مسیر نه‌افراط می‌کنیم نه تفریط، نه به روالی روی می کنیم که تماشاگر رغبت به‌دیدارآن‌نداشته باشد ونه این هدف را فراموش می‌کنیم‌که بایستی تماشاگر خوب تربیت‌کنیم، قصد ما ایجاد فیلم های خوب وتماشاگر خوبست.

موزیك

از : کاوش

شهرام وصفحات جدید او



■ «شهرام غواصی» یکی از جدیدترین خوانندگان رادیو که مدت کوتاهیست که فعالیت هنری خودرا آغاز کرده وتاکنون دو ترانه از او نیز از رادیو پخش گردیده است، بتازگی دو آهنگ جدید اجرا کرده است بنام های **«مگه دل تو سنگه»** که از رادیو پخش گردیده و **«عشق بی چك و چونه»** که هر دو آهنگ توسط کمپانی فانوس آبی صفحه شده است.
و چنین پیش‌بینی میشود که آهنگ های مزبور با استقبال مردم روبرو شود.

کنسرت فریدون فرخزاد

■ یکشنبه هفته آینده «فریدون فرخزاد» در سینما گلدیس کنسرتی خواهد داشت. قصد از این کنسرت کمك به کودکان بی بضاعت بمناسبت فرارسیدن ایام نوروز است

ترانه های تازه

■ جدیدترین ترانه هائی که منتشر و یا اخیراً از رادیو پخش شده اینهاست :
« خدا حافظ » و **«چشمم ترا گرفته»** که هردو ترانه را **«پرتو»** خوانده است.
«سلسله مو» که خواننده آن **«ایرج»** است.
« بازگشت به شهر » و **«منتظرم که فریاد بزنم تو را دوست دارم»** دو ترانه فرانسوی **«گوگوش»** که با اجرای آنها در فستیوال «میدم کان» برنده جایزه اول این فستیوال شد.
ترانه های **« دیوانه تر از دیوانه»** و **« باغ آئینه »** از **«عارف»** .
ترانه **« دنیای بیگانه »** از «عهدیه» .
ترانه **« شمع سحری »** از «پوران» .
ترانه**«زمستان»** از**«گروه کر»**
ترانه **« اینها همه‌ش کار دله»** از «کوروس» .

انجمن فیلارمونیك تهران

● انجمن فیلارمونیك تهران «برنامه‌خود را ازدوازدهم بهمن الی نهم اسفندرا بدین ترتیب اعلام داشت:
دوشنبه دوازدهم بهمن (دیروز) رسیتال ویلن وپیانو (دنیز زیگموند، انالیزه‌نیس) اجرا شد.
دوشنبه نوزدهم بهمن: کنسرت گروه فلورانس « برنامه‌ای از موتسارت، هیندمیت وروتا» .
چهارشنبه ۲۱ بهمن: رسیتال «ویولنسل وپیانو» گرهاردمانتل، آمریکا فریزر - برنامه‌ای از بتهوون، شوبرت، بریتن وفرانك.
شنبه ۲۴ بهمن : رسیتال «پیانو» پیترافلر - برنامه‌ای از بتهوون ، برامس ، شوپن و استراونیسکی.
سه‌شنبه ۱۴ اسفند : رسیتال «ویولنسل - پیانو » سیمون و فرانسواپیرات.
محل تمام رسیتالها در تالار دانشکده هنرهای زیبا در دانشگاه تهران اجرا میشود.

رضا بهنام ، یك چهره موفق در موزیك ایران



● برنامه پهلوانان از جمله برنامه‌های موفق تلویزیونی است که هرهفته روزهای جمعه از ساعت ۹/۵ تا ۱۰/۵ بعدازظهر از تلویزیون ملی ایران پخش میگردد . جالب این‌که این نمایشنامه دارای موزیك متن میباشد که فقط بوسیله‌ریتم ضرب تنظیم و نواخته میگردد. تنظیم واجرای موزیك متن این سریال تلویزیونی بعهده رضا بهنام نوازنده باسابقه تلویزیون‌میباشد. رضا بهنام ازشاگردان بنام‌استادحسین تهرانی می‌باشد که‌ابتکار تنظیم واجرای ریتمهای بخصوصی برای خویش دارد . ازجمله کارهای بسیار جالب بهنام تشکیل ارکسترضرب میباشدکه سخت موردتوجه محافل هنری قرار گرفته است.

نقاشی



● نمایشگاهی از آثار محمد پولادی (نقاشی برای بچه‌ها) روز پنجم بهمن با همکاری تلویزیون ملی ایران در خیابان شاه - چهار راه یوسف آباد - کوچه کلانتری آغاز گردید و در دیدار این نمایشگاه گروه کثیری از علاقمندان، نویسندگان‌ومخبرین جراید حضور داشتند.
این نمایشگاه تا روز پانزدهم بهمن ادامه خواهد داشت .
● دیگر نمایشگاه های نقاشی اینهاست :
- انجمن ایران‌وآمریکا: نمایشگاهی از نمایشگاه‌هنرمندان جوان ایرانی .
- گالری‌بورگز: نمایشگاهی از آثار صادق تبریزی.
- خانه‌آفتاب: نمایشگاهی از آثار «صفائیان».
- تالارقندریز: نمایشگاهی از آثار نقاشی‌وطراحی «جمال بخش‌پور» .
- پارك‌شهر : نمایشگاهی از آثار نقاشی وکارهای‌دستی کودکان .

و یك خبر از کتاب

■ ازکتابهای تازه‌ای که در زمینه تئاتر ونمایش اخیراً منتشرشده این‌کتابها هستند : « تراژدی ژاندرنه وکلفت‌ها» - «بوی تآتر بی‌چیز» از «یرژی گروتوفسکی» - « ویس و رامین» نوشته «مهین تجدد» ونمایش‌نامه « آدمهای ماشینی» از « کارل چاپك».

تئاتر

از : جمشید ارمیان

خبرها

ریل

«اکبر زنجانپور» با همکاری تنی‌چند از دانشجویان رشته تئاتر دانشگاه از جمله «ایرج امامی، رضا بابك، علی زرینی، پرویز ظهوری وعلیرضا هدایتی» نمایشنامه «ریل» نوشته «محمود دولت آبادی» را از روز یازدهم بهمن‌ماه بمدت چند روز (۱۱، ۱۳، ۱۴ و ۱۵ بهمن) در دانشکده هنرهای زیبا روی‌صحنه آورده است. قرار بود قبلا این نمایشنامه ازهفتم دیماه اجرا بشود که بعللی به‌عقب‌افتاد.

تئاتر در هچرود!



بمناسبت هفدهم دیماه روز آزادی زنان برنامه هنری درسالن دبستان نظامی هچرود واقع در ۱۰ کیلومتری چالوس برگزار گردید که بمدت ۳شب با استقبال اهالی نیزرو برو شد بدین‌مناسبت نمایشنامه «عروسك کوکی» بکارگردانی «بهروز رشاد» با شرکت ارسطو شجاعی ـ خلیلی ـ حبیبی وکشاورز و نمایشنامه کمدی انتقادی «دنیای عوضی» بکارگردانی «ارسطوشجاعی» با شرکت کشاورز ـ خلیلی ـ محمودپور ـ زند کریمی ـ فقیه ـ جمشیدی و ارسطو شجاعی اجرا گردید.

گفتگوی کوتاهی با:

اسماعیل شنگله

درباره نمایشنامه «کلمب»

اثر: «ژان آنوی»



از هفتم بهمن‌ماه (فردا) نمایشنامه «کلمب» اثر «ژان آنوی» درام‌نویس معاصر فرانسوی درتالار موزه به بازی سازی «شنگله» روی صحنه میآید. بی‌مناسبت ندیدیم که در این‌باره گفتگوئی باکارگردان آن ترتیب بدهیم که درذیل می‌خوانید:

☐ ابتدا مقداری درباره نویسنده نمایشنامه کلمب حرف بزنیم.

ژان آنوی متولد بردو فرانسه است. در۸سالگی با دیدن یك برنامه تئاتر سخت تحت تأثیر آن قرارمیگیرد. در ۱۲ سالگی به پاریس میآید تا به تحصیل ادامه بدهد. تحصیل او در رشته حقوق ناتمام می‌ماند و دریك بنگاه نشر کتاب کاری بدست می‌آورد و این‌کار،موجب می‌شود که با تئاتر نزدیکی بیشتری بدست آورد. بعدها موفق می‌شودبا «لوئی ژووه» هنرپیشه و کارگردان بزرگ فرانسوی همکاری کند و «سکرتر» او بشود.

با دیدن نمایشنامه «لوئی‌زیگفرید» اثر «ژان‌ژیرودو» تحت تأثیر قرار می‌گیرد. خودش میگوید: «تا آن زمان مثل آدمی بودم که دراجتماع تئاتری گیج وسرگردان باشم ولی پس از دیدن‌این نمایشنامه راه اصلی خودرا پیداکردم» اما این تحت تأثیرقرارگرفتن، موجب آن نگردید که «آنوی» از او تقلید نماید. از معروف‌ترین نمایشنامه‌های او باید از «آنتی گون، قاقم، دعوت به قصر، مسافر بدون توشه، لئوکادیا وکلمب»را نام ببریم.

☐ کلمب چگونه نمایشنامه‌ئی است؟

این پیس یکی‌از ساده‌ترین و بهترین نمایشنامه‌های اوست که می توان سبك ژان آنوی را در آن یافت. آنوی در این نمایشنامه بنظر من کار شگفت آوری انجام داده و آن، جابجا کردن پرده اول با پرده آخر آن است، یعنی پرده چهارم را بجای پرده اول آورده ودر واقع ما با یك‌جور «فلاش بك» یا رجعت به گذشته در آن مواجه‌میشویم.

هماطورکه گفتم «کلمب» پیس خیلی ساده‌ای است و هیچ فلسفه‌ای در آن مطرح نمی‌شود.واقعه‌ای است که دریك تئاتر اتفاق می‌افتد، در واقع یك «تئاتر در تئاتر» است. در این نمایشنامه آدمها وروابطی که میان آنها وجود دارد

بقیه در صفحه ۴۰

خبرها

فعالیت‌های کارگاه نمایش

در کارگاه نمایش وابسته‌به‌تلویزیون ملی‌ایران اینك غیراز اجرای «بکت۵» چندتن ازکارگردانان جوان‌مشغول‌تمرین چند نمایشنامه ایرانی وخارجی هستند.

نمایشنامه اول «صندلی‌کنار پنجره بگذاریم وبنشینیم وبه‌شب دراز وتاریك خاموش سرد بیابان نگاه‌کنیم!» نام‌دارد که نوشته «عباس نعلبندیان» است وخود او کارگردانی آنرا برعهده دارد. این برنامه آخر بهمن ماه روی صحنه می‌آید.

نمایشنامه‌دوم «نگهبان مقبره» اثر «کافکا» است‌که «ایرج انور» آنرا کارگردانی میکند ودر اسفندماه‌آماده‌اجرا خواهد شد. نمایشنامه سوم «پروته» اثر «اشیل» است‌که «خانم خردمند» روی آن کار میکند وبالاخره آخرین نمایشنامه‌که «حالت چطوره مش‌رحیم» نام دارد ونوشته «اسماعیل خلج» استو بکارگردانی خود او اجرا میشود.

این برنامه‌آخر پس ازاتمام«بکت ۵» از ۱۶ بهمن ماه بمدت چهارشب در کارگاه نمایش روی‌صحنه خواهدآمد.

اسکوریال

«مصطفی دالی» کارگردان فرانسوی از روز ۱۲ بهمن نمایشنامه «اسکوریال» اثر «میشل‌گلدرود» را در خانه نمایش گروه هنرملی که در محل اداره تئاتر بناگردیده، روی صحنه می آورد. در این نمایشنامه «جمشید لایق» ایفاگر نقش حساسی ازآن است. نمایش این‌برنامه مدت۱۵روز بطول‌می‌انجامد.

نمایشنامه

«آنجاکه‌ماهی‌هاسنگ میشوند» نام نمایشنامه‌ای است از «خسرو حکیم رابط» فارغ‌التحصیل دانشکده هنر های دراماتیك‌که بتازگی‌نوشته،این‌نمایشنامه را انتشارات ابن سینای تبریز منتشر کرده است.

رویدادها (بقیه)

ستاره‌ای عروس شد !

● هفته گذشته «شیلا» زوج‌سینمائی «وحدت» که باشرکت درفیلم ماجرای شب ژانویه دو سال‌قبل ستاره سینما شد خیلی بی سر و صدا و بی‌خبر بخانه بخت رفت وپای سفره عقدنشست داماد که «پیمان‌کار شرکت نفت» است «عطاءاله ورجاوند» نامدارد.

از «شیلا» هم‌اکنون فیلمهای زندگی وارونه ، نوبر اصفهان وشوهر پاستوریزه شده آماده نمایش است.

این دومین باریست که «شیلا» ازدواج میکند و بطوریکه به خبرنگار ما اظهار داشته است وی خیال ندارد فعلا به فعالیت‌های سینمائی خود ادامه بدهد وترجیح‌میدهد لااقل برای مدت یکسال از سینما دور باشد.

«فخری‌خوروش»

میهمان هفته

■ صبح جمعه این هفته «فخری خوروش» هنرپیشه سینما وتئاترمیهمان‌برنامه واریته‌رادیو ایران خواهد بود ومصاحبه‌ای درموردکارهای هنری او بـاوی بعمل خواهدآمد.

«خوروش» کارخودرا از تئاتر آغاز کرده است و بعد از بازی درپیسهای مختلفی که اغلب در تئاتر پارس اجرا میشد بـا دعوت‌تهیه‌کنندگان‌فیلمهای‌ایرانی منجمله مستشارجزیره، جنوب‌شهر، لات جوانمردو آسمون‌جل بازی نمود سپس به اداره هنرهـای دراماتیک‌رفت وکار هنری خود را در تئاتر درآنجا دنبال نمود وچون کارش در اداره مزبـور مورد توجه واقع شد ازکاربازی‌گری درسینماکناره‌گرفت تاآنکه از سال گذشته باشرکت در چند فیلم خوب ایرانی مثل طلوع و آقای هالو مجدداًفعالیت‌سینمائی خود رانیز دنبال نمود.خوروش هم‌اکنون درتلویزیون‌نیزفعالیت‌هائی‌درزمینه‌بازیگری‌وکارگردانی دارد.

قضیه کلاه ناصر!

■ اینروزها «ناصر ملك مطیعی» بحث‌شدیدی‌را بابعضی‌از تهیه‌کنندگان‌که اصرار دارند او در فیلمهائیکه قرارداد مـی‌بندد «کلاه» بگذارد آغاز نموده‌است. ملك مطیعی معتقد است سالی یکی، دو فیلم بیشتر باکلاه بازی نماید کافی است وفعلا از او بـا این تیپ و کاراکتر فیلم کاکو آماده است وصلاح نیست تامدتی دوباره در فیلم تازه‌ای از کـلاه استفاده نماید.

«قصاص» جلوی دوربین

■ جهت تهیه محصول تازه استودیو نقش جهان مـوسوم به «قصاص» اکیپی بنواحی قـزوین سفر خواهندکرد تا قسمتهائی از این فیلم را در آنجا تهیه نمایند دراین‌فیلم که‌سناریست وکارگردان آن نظام فـاطمی وفیلمبردارش عزیزرفیعی است ناصرملك‌مطیعی پوری بنائی ، سرکوب ، آراسته و بظن قوی‌آفرین شرکت‌خـواهند داشت. سرمـایه‌گـذاران قصاص نصرت‌الله وحدت ورحیم‌حسامیان میباشند.

«سامانتا» ردکرد

■ سازندگان فیلم باباشمل برای ایفای یکی ازنقشهای‌عمده فیلم مزبور مذاکراتی با «شهناز تهرانی» رقیه‌ویا بقولی‌«سامانتا»ی برنامـه تلویزیـونی اختاپوس نمودند ولی وی چون قراردادی با پرویز صیاد دارد که‌بدون‌اجازه او نمیتواند فعالیت‌هنری‌دیگری داشته باشد وصیاد نیز با این پیشنهاد مخـالف بـود با تمام علاقه‌ای‌که خود «شهناز تهرانی» برای بازی درفیلم مزبور داشت «خصوصاً آنکه‌رل مقـابل او را کمدین هنرمندی مثل «همایون» بازی میکرد» آنرا ناچـارا رد کرد. «اینومیگن بدبیاری».



برنامه امشب سینماهای :

اونیورسال
میامی
آسیا
پاسیفیك
ایران
ساینا
تیسفون
مارلیك
مونت کارلو
پانوراما
آستارا
و سیلوانا

همزمان باسینماهای تهران درشهرستانها :

اصفهان (چهارباغ ـ مایاك ـ مهتاب ـ پارس) **مشهد** (فردوسی ـ هما ـ مولن‌روژ) **شیراز** (پارامونت ـ مترو ـ پرسپولیس) **آبادان** (شیرین ـ ایران ـ متروپل) **اهواز** (آپادانا) **کرمانشاه** (دیانا) **تبریز**(کریستال ـ سعدی) **بروجرد** (آریا)

حرفهائی بر فیلم کوچه مردها



کوچه مردها
نمونه یك تلاش دسته‌جمعی
است درجهت ایجاد یك فیلم خوب

گفتگوئی با :
امین امینی
تهیه‌کننده کوچه مردها

■ «کوچه‌مردها» یکی از محصولات تبدیل و تحول تازه «استودیوعصرطلائی» است ، درباره‌اش چه‌دارید بگوئید :

□ «کوچه مردها» نمونه یك تلاش دسته‌جمعی است‌درجهت ایجاد یك فیلم‌خوب وکوشش‌همه اکیپ از «فردین» موفقترین و محبوب‌ترین هنرمندسینمای‌ایران که مثل‌همیشه بادرایت واطلاعات وسیعی‌که درکارش داردمؤثرترین یار اکیپ درهنگام تهیه فیلم «کوچه مردها» بود ولازمست‌در این فرصت ازوی وهمکاری‌هایش تشکر کنم وهم چنین از یکایك همکاران دیگر فیلم «سعیدمطلبی» که برای اولین‌بار بعنوان کار-گردان ،فعالیتش را بافیلم«کوچه مردها» آغازکرده‌ودرتجربه نخستین خود استعداد و تسلطش رابثبوت رسانید،از«فریدون‌گله»که‌داستان خوبش اساس فیلم را بناکرد.از «فریدون‌ری‌پور»که‌با فیلمبرداری خوبش به‌این‌داستان جذاب فضای زنده‌ای داد، ازیکایك بازیگران فیلم بخصوص «فردین» و«پوری بنائی» و «ایرج قادری» که با بازی خوبشان درنقش‌های محوله پایه‌های استواری‌جهت قالب‌فیلم شدند و موزیك خوب«واقعی»که روحی تازه به فیلم دمید ونتیجه فیلم خوبی به تصدیق‌همگان - با نام «کوچه مرها» شدوروال کار «استودیوعصرطلائی» ازاین پس بهره از برجسته‌ترین مهره‌های فیلمسازی ، محبوب‌ترین‌وبرترین بازیگران است برای پدیدآوردن فیلمهائی که ازجهت کیفیت چون کمیتش ارزشمندباشند.

■ «کوچه‌مردها» چه نوع فیلمی است؟

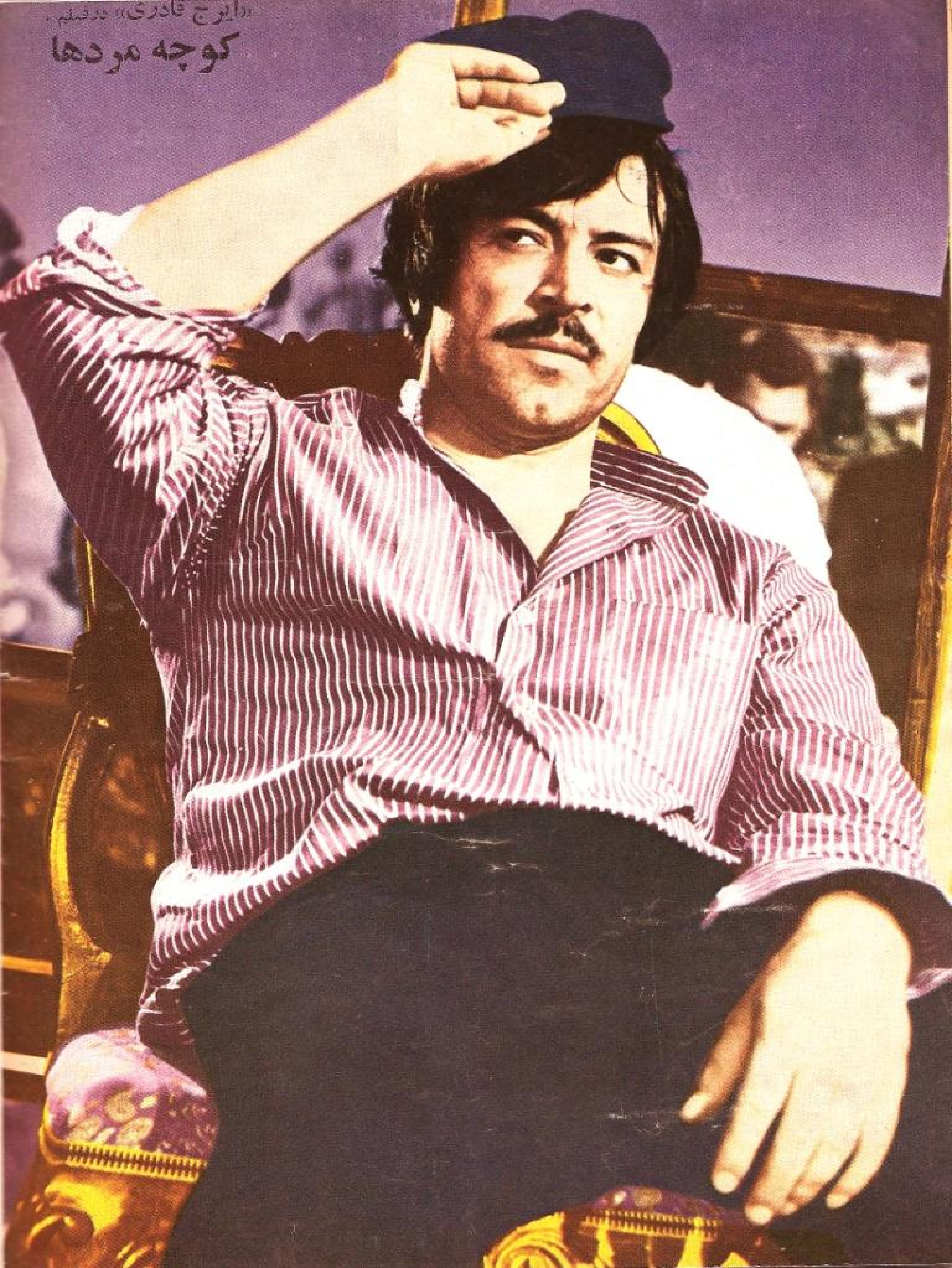
□ «کوچه مردها» به دسته و یا طبقه‌ای تعلق ندارد ، «کوچه مردها» فقط خواسته‌است یك فیلم‌خوب وقابل‌پسندتماشاگر واقعی سینما باشد وتحقیقاً به‌این هدف دست یافته است.

«کوچه‌مردها» هیچ‌موضوع غیر واقع وغیرقابل لمسی‌در خود ندارد ، داستان گوشه هائی از زندگی‌مردم‌کوچه وبازارخودمان است ، داستان گیرا وجذابی از عشق، دوستی، فداکاری، دسیسه و جوانمردی های چندتا آدم یك کوچه ...که با کارگردانی حساب شده و دقیق ، بازیهای خوب ، موزیك دلنشین و فیلمبرداری با عمق در دسته فیلم های خوب سینمای ایران است ومن مطمئن هستم یکی ازموفق‌ترین فیلم های سال جاری خواهد بود.

بقیه در صفحه ۴۰






«ایرج قادری» در فیلم
کوچه مردها



«امین امینی» درفیلم
کوچه مردها

فیلم و هنر

دوره جدید ـ شماره ۲۳ (۳۲۱)
پنجشنبه پانزدهم بهمن ماه ۱۳۴۹
۱۵ ریال

شماره مخصوص فیلم

کوچه مردها

